رساله عملی از حجة الاسلام

حاج سید محمد باقر شفتی رشتی

که عالی مقام مسجد و مدرسه ایشان در اصفهان

معروف و مزار ایشان هم الان در آنجا

واقع است در بارگاه مهم است

(نسخه صحیح بخط المؤلف)

در کیفیت این عبادت است بدانکه اخبار و روایات مختلفست
حاصل اختلاف سه چیز است یعنی اول آنست که امتثال حاصل میشود
بیک سجده و این ظاهر میشود از اکثر نصوص وارده در این باب
مثل حدیث صحیح عبدالرحمن بن حجاج و حدیث صحیح زراره و حدیث صحیح معویة بن
وهب و حدیث موثق عبدالله بن سنان که مذکور شد و غیر از اینها از
اخبار دیگر که مذکور نشد بانکه تامل در اینها وجه ظهور اینها بر معنی ظاهر میشود
دوم آنست که امتثال حاصل میشود بوضع خد بر ارض یعنی گذاردن
رو بر زمین اعم از آنکه یک طرف رو بوده باشد یا هر دو طرف
بلکه دور نیست که ظاهر در اول بوده باشد مثل حدیث معتبر یونس بن
عمار که مذکور شد و مثل آنست حدیثی که در تهذیب روایت شده
از اسحق بن عمار از جناب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده
هرگاه متذکر نعمتی از نعماء الهی عز شانه شوی و بوده باشی در جائیکه
احدی ترا نه بیند پس بچسبان روی خود را بر زمین و هرگاه بوده
باشی در میان جمعی پس بگذار دست خود را بر پایین شکم و خم کن
پشت خود را و باید این بجهت اظهار خضوع و تواضع بوده باشد — وشکر خداوند عالم
و آن نزد محبوب تر است از آنکه روی خود را در جبین صورتی
بر زمین بگذارد و مخفی نماند این یا بجهت تقیه است که جبین تفصیل نموده — یا بجهت م

فرادا بدیا

مراد از ربا و تخفیف [illegible] ظاهر احوال است و لفظ [illegible] در حدیث مؤید آنست سیم
آنست که مثل حاصل نمیشود مگر باعتبار لفظ خدین بمعنی هر دو طرف [illegible]
~~بلکه حدیث [illegible] مذکور در تهذیب~~ از جناب حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام که فرموده عادت حضرت موسی بن عمران علیه السلام این بود مستمر شده
بود هر وقت از نماز فارغ میشد روی راست خود را بر زمین میچسبانید و بچسبانید
روی چپ خود را [illegible] روایت و در بعض از آنها تصحیف شده
شده که جناب حضرت امام [illegible] علیه السلام و ظاهر از روایت [illegible]
این مطلب [illegible] جمع [illegible] وجوه ثلثه این
و حکم [illegible] اول اعتبار وضع جبهه است بخلاف [illegible] ماند که بنا بر آن حاصل
بوضع جبهه [illegible] امتثال حاصل است بوضع احد خدین و فرق بیان نماند
که معتبر بنا بر [illegible] هر دو طرف [illegible] بخلاف [illegible] چهارم آنست که معتبر وضع جبهه است
با وضع [illegible] در کتاب [illegible] از [illegible]
خود [illegible] و گفته در خدمت جناب امام موسی کاظم علیه السلام مشرف بودم در خدمت
آن حضرت بیرون رفتیم بسوی بعضی مزارع یا باغات آن حضرت پس حضرت
ایستادند بنماز ظهر بعد از آنکه فارغ شدند از نماز رفتند بسجده تا آنکه
حکایت نمود که آن حضرت جانب راست صورت مبارک خود را
چسبانیدند بر زمین بعد از آن جانب چپ را بر زمین چسبانیدند
پنجم [illegible] چهارم است بعلاوه عود بسجده [illegible] اول بسجده برود
بعد از آن جانب راست صورت خود [illegible] چسبانید بر زمین بعد از آن جانب
چپ را بعد از آن عود [illegible] ظاهر [illegible] میشود
با اول و چهارم و پنجم لکن [illegible] افضل [illegible] اول افضل از
هر دو [illegible] ظاهر از کلام [illegible] اعراض
اصحاب و

وان [illegible] علیه [illegible] از اول [illegible] از اسحق بن عمار
که مقتضای هم

و این سخن اگر چه ظاهر آن است که مراد آن بوده باشد که سجده ظاهر است در وضع جبهه فقط
و این در این دو قسم متحقق نیست لکن ظاهر این است که سنت موجب فضیلت
موجب میشود در وضع جبهه موجب میشود در وضع مواضع دیگر ایضاً احتمال وضع در این مقام
مطلوب است خواه منفک بوده باشد از وضع جبهه یا منضم با آن یا ما شاء الله و
فضیلت در وضع جبهه نیز مطلوب است خواه منفک از وضع موضع دیگر بوده باشد
یا منضم با او بوده باشد بنا بر این در صورت انفکاک هر یک از دیگری
اکتفا به امتثال حاصل میشود لکن متحقق است که مورد فضیلت اکمل
خواهد بود و اکمل از همه نمودن سجده است بعد از وضع هر دو جانب چنانکه بیان شد
مانند آنچه مذکور شد در بیان کیفیت فضیلت در وضع جبهه و موضع دیگر بوده اما ذراعین
و صدر و شکم پس مخفی نماند که ذراعین را بر زمین چسبانیدن و همچنین
سینه و شکم را اطلاق آنچه که در سجده از آن است مطلوب شرع باشد
که در این وقت سجده مستحب است که مرتفع از زمین بوده باشد و همچنین سینه و شکم

مبحث چهارم در بیان ادعیه ماثوره در این سجود است بدانکه دعا در این
سجده بطرق کثیر وارد شده اول دعائیست مذکور در حدیث صحیح از روی
در کافی و تهذیب از عبدالله بن جندب بضم جیم و سکون نون و فتح دال
مهمله که او روایت نموده است از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام که فرمود بگو در سجده شکر اللهم انی اشهدک واشهد
ملائکتک وانبیائک ورسلک وجمیع خلقک انک انت الله
ربی والاسلام دینی ومحمد نبیی وعلیا والحسن والحسین وعلی بن الحسین
ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن
محمد والحسن بن علی والحجة بن الحسن بن علی ائمتی بهم اتولی ومن اعدائهم
اتبرأ اللهم انی انشدک دم المظلوم ثلاثا اللهم انی انشدک

بایوائک علی نفسک لاعدائک لتهلکنهم بایدینا وایدی المؤمنین اللهم انی
انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنهم بعدوک وعدوهم
ان تصلی علی محمد وعلی المستحفظین من آل محمد ثلاثا اللهم انی اسئلک
الیسر بعد العسر ثلاثا ثم تضع خدک الایمن علی الارض وتقول یا کهفی حین تعیینی
المذاهب وتضیق علی الارض بما رحبت ویا بارئ خلقی رحمة بی وقد کنت
عن خلقی غنیا صل علی محمد وعلی المستحفظین من آل محمد ثلاثا ثم تضع خدک
الایسر علی الارض وتقول یا مذل کل جبار ویا معز کل ذلیل قد وعزتک بلغ
مجهودی ثلاثا ثم تقول یا حنان یا منان یا کاشف الکرب العظام ثم تعود للسجود وتقول
مائة مرة شکرا شکرا ثم تسال
حاجتک ان شاء الله یعنی ظاهر این دعا آنست که خدایا من گواه
میگیرم ترا و جمیع ملائکه و پیغمبران و جمیع مخلوقین ترا که تو پروردگار منی
و اسلام دین منست و محمد ختم انبیا پیغمبر
دین منست و امیر المؤمنین و یازده فرزندان کرام او امامان منند
و دوستان ایشان را دوست میدارم و از دشمنان ایشان بیزارم
خدایا قسم میدهم ترا بحق خون نا حق ریخته حضرت
امام حسین مظلوم علیه السلام و قسم میدهم ترا بحق وعده که فرموده
با مومنین که دشمنان خود را هلاک نمائی و قسم میدهم ترا
بحق وعده که فرموده با دوستان خود که نصرت دهی
و غالب گردانی بر دشمنان خود و دشمنان ایشان
که صلوات و رحمت بفرستی بر محمد مصطفی فخر انبیا و آل او علیهم السلام
که حافظ علم احکام شریعت اند قسم که عبارت است از ظاهر

بوده باشند بنابراین المتحفظین اسم مفعول خواهد بود بفتح فا والتقدیر اللهم صلی
علی محمد وعلی الذین استحفظ منهم القرآن ای طلب منهم حفظ القرآن بنابراین من آل
محمد بیان متحفظین خواهد بود خداوندا از تو سوال میکنیم پس روا ساز شو بعد از
هر عسر وصعوبتی که لحق شود من عارض شود ما را سلامت از جانب تو خواستاریم ابدا
برزمین بگذار وخشنودی وبگوای پناه من در وقتیکه واعظ بر محمد علیه السلام در
تمامیت کرامات بخواهد موافق نموده باشد در روز قیامت بوده
نباشد نظر با آنکه چهار شده است در احادیث که در روز قیامت پنجاه موقف
زیاده ویرا موقف استداد وتوقف در هر موقفی پنجاه هزار سال است که
آمده در پنجاه موقف پنجاه هزار سال بشود بنابراین مراد آن
خواهد بود ای پناه من در هر هنگامیکه عاجز گردند از توقف در آن مواقف
وتنگ شود بر ما زمین با وجود وسعت آن ای خلق کننده من
از روی رحمت بر من وحال آنکه مطلقا حاجت نداشته ای از آفریدن من بخواهش بعضی خلق مرا
والحمد ای حافظ رحم من که از حلیت نفع نموده بر من ملاقی نعمت من بودی الکیت المصنع
وصول بشارت بر صلوات در رحمت بر فضیلت بر محمد وهر که بیاد حافظ اظهار تو دادی
واکتاب میسر کرده الا عتره و حضرت اهل بیت سیدنا نبی ورزی جهت ترجیح کرده و نگوای ... وصافظ
وذلیل کننده هر جبار وطغیانگر واعزت دهنده هر ذلیل قسم بعزت تو تحقیق که طاقت
که ایشان طاقت تحمل ندارم من با فرسنده در تحمل مشقت نام ... ویا در فراق صاحب
محفوظ ... خداوند اصحاب الایمان ویا مشقت دیگر که در آن وقت عارض شده باشد
دعای از واقع ... بعد از آن میگوید ای تعالی ... کننده وای تعالی بخشنده ... کننده
لازم ... بعد از آن عوذ بسجده ... بگو بالمعهود ... ماننده لفظ ثلث
نماید که طاقت ... در دعای ... از وضع صدا ... در کلام نیاورده و ... در
مفارقت ... در فقره در اینجا نیز لفظ ثلث مذکور است ودر فقره لفظ ثلثا در دعای

اول در سه موضع مذکور است ودر کلام ودر دو موضع دیگر مذکور شد موضع سیم
که در فقره مذکور است بعد از وعلی المستحفظین من آل محمد ودر فقره در دعای او
با صاحبان یا ایمان تا او مذکور نیست چنانچه در فقره کالله اللهم انت ... حفره
با وانک علی نفسک لا عدا لک ... بایدینا وایدی المومنین مذکور نیست
طریقه دوم ... از ادعیه وارده در این سجده دعائیست که نقل الاسلام
در کافی روایت نموده از ابی عبدالله که او از ... در روایت ... که
گفتند بردن ... در ... نموده چنانچه امام ... صلی
خبر عنها الم ... بعض ... یا باغات آن ... حضرت مشغول شد
بنماز ظهر بعد از فراغ از نماز ظهر ~~... ...~~ رفتند بسجده پس شنیدم
که میخواندند بصوت حزین در حالی که اشک از دیدهای مبارک آن ... این دعا را خواندند
حضرت جاری بود ~~ودر پس شنیدم بصوت حزین این دعا را خواند~~
رب عصیتک بلسانی ولو شئت وعزتک لاخرستنی وعصیتک ببصری
ولو شئت وعزتک لاکمهتنی وعصیتک بسمعی ولو شئت وعزتک لاصممتنی
وعصیتک بیدی ولو شئت وعزتک لکنعتنی وعصیتک برجلی ولو
شئت وعزتک لجذمتنی وعصیتک بفرجی ولو شئت وعزتک لعقمتنی
وعصیتک بجمیع جوارحی التی انعمت بها علی ولیس هذا جزاوک
منی بعد از آن ... بعد از آن ... العفو العفو ... میگوید
... هزار مرتبه گفت العفو بعد از آن صورت ... بر ... ~~...~~
... دعا ... بصوت حزین این دعا را خواند
بوءت الیک بذنبی عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی فانه لا یغفر الذنوب
غیرک یا مولای ... مرتبه خواندند بعد از آن جانب ... ازصورت ...

مبارک خود را بر زمین چسبانیده سه مرتبه این دعا را خواند ارحم من اساء
واقترف واستکان واعترف ظاهر معنی این فقرات حقیقت این دعا وارده
صادره از حرم اسرار رب العالمین این است ای پروردگار من معصیت تو کرده ام
بزبان خود قسم بعزت تو اگر میخواستی گنگ میکردی مرا ای پروردگار من
معصیت تو کرده ام بچشم خود قسم بعزت تو اگر میخواستی کور میکردی مرا
ای پروردگار من معصیت تو کرده ام بگوش خود قسم بعزت تو اگر میخواستی کر میکردی مرا ای
پروردگار من معصیت تو کرده ام بدست خود قسم بعزت تو اگر میخواستی
دستهای مرا شل میکردی ای پروردگار من معصیت تو کرده ام بپای خود قسم بعزت تو
اگر میخواستی پاهای مرا قطع میکردی ای پروردگار من معصیت تو کرده ام بفرج خود
قسم بعزت تو اگر میخواستی مرا عقیم میکردی و ندادی نمودی ~~ولی پروردگار من~~ معصیت
تو کردم لهذا همه جوارح من از اعضا و جوارح که بر انعام احسان فرموده ای پروردگار
من جزای احسان تو این نبود که جزای کردم را در بیاد سرور اظهار بعد از آن ثری فرموده
بالعفو گفتن شروع هزار مرتبه گفتند العفو العفو و جایز است رفع العفو بنا بر حکایت
بنصب آن در بنا بر رفع تقدیر ضمیر خواهد بود والعفو من صفاتک او العفو مطلوبی.
منک و بنا بر نصب از مفعول مطلق العفو بعد از آن صورت راست مبارک خود را بر زمین
چسبانیدند بر زمین و بصوت حزین سه مرتبه این دعا را خواندند بوت الیک
بذنبی عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی انه لا یغفر الذنوب غیرک یا مولای
یعنی بازگشت کردم از معاصی خود و پناه بسوی تو بردم گناه کردم و ظلم بر نفس خود کردم پس بیامرز
از برای من گناهان مرا بدرستیکه کسی بجز تو نمی آمرزد گناهان را ای مولای
ای مولای واقای من بعد از آن جانب چپ از صورت مبارک خود بر زمین چسبانیدند
و این دعا را سه مرتبه خواندند ارحم من اساء واقترف واستکان واعترف یعنی
ای پروردگار من رحم کن کسی را که بد کرده و گناه کرده و اظهار مذلت

که این گناه کرده باشم

تقدیر ضمیر

عمر خود را بدرد

دانسته

واعتراف بدی خود کرده باشد دعای که شیخ صدوق مشهور سعید حسن بن شیخ مفید قدس سره در کتاب ذکر
مخصوص و مقنعه ذکر فرموده مروی است که بخواند در حال سجود اللهم انت ثقتی وجائی
فاکفنی ما اهمنی وما لا یهمنی ومما انت اعلم به منی عز جارک وجل ثناؤک
ولا اله غیرک صل علی محمد وال محمد وعجل فرجهم بعد از آن نفرما از سجده برداشته
و بگذارد جانب راست صورت خود را بر موضع سجود خود و بگوید ارحم ذلی
وتضرعی الیک ووحشتی من الناس وانسی بک یا کریم یا کریم یا کریم بعد از آن
~~جانب چپ صورت خود را بر موضع~~ جانب چپ را بجای آن بگذارد و بگوید
لا اله الا انت ربی حقا حقا سجدت لک یا رب تعبدا ورقا اللهم ان
عملی ضعیف فضاعفه لی یا کریم یا کریم یا کریم بعد از آن صورت خود را بردارد
و عود کند بسجده پس بگوید در سجده شکرا شکرا و اگر سه مرتبه بگوید کافی است
لکن اگر صد مرتبه بگوید افضل است و بگفتن صد مرتبه افضل از ده مرتبه است و بان سنت قرار گرفته است
چهارم گفتن کلمه العفو است که در کتابها ذکر فرموده اند و روایت نموده از سلیمان بن حفص
که او گفت من عرض نمودم به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در این باب که
فرموده باید مختصر شود که در سجده خواند پس حضرت در جواب او
نوشت که بگو صد مرتبه شکرا شکرا و اگر خواهی بجای شکرا شکرا بگو عفوا عفوا
نوشته بواسطه ظاهر این است که سنت مؤدی میشود به سجده واحده اگرچه مشغول از
ذکر بوده باشد لکن بلا ذکر افضل خواهد بود پس که دعا مستحب الاکثر مستحب خواهد بود
وافضل اذکار وارده در این سجده سه مرتبه شکرا لله است یا سه مرتبه در سجده بگوید شکرا
لله شکرا لله شکرا لله و این مستحب است از ائمه علیهم السلام و در این بیان شد که در سجده شکر اکتفا است
سجده واحده و اگر با وجود آن اقتصار نمود به سجده واحده جایز است و اکتفا نمودن موضع
سجده واحد لکن افضل از همه این است که اول این سجده نموده بعد از آن صورت خود را بر موضع سجود
بگذارد و بعد از آن طرف چپ بعد از آن عود بسجده نموده با ذکر ذکر مذکور و دعای مذکور ان

اللهم الیک توجهت و بک اعتصمت و علیک توکلت

بیت ...

وهر کاه م

الحوالکی مداومت در دعای مانند که مقصود است ﴿رب عصینک لا افوه﴾ لبیار شد ...
بعضی از اکابر وضرورت شد بزرگ رضی شود با ایشان بدعای اول ... و از حوا...
وجوه ان وقت
الکفعالی بحار شکر الله نا مدیکی در کرده او ساو ... در حال در وضع خط یمین و نالث در حال
وضع خد چپ ... را رو در کرده احتیاجه بعیب خواهد بود که دانسته شد که بزرگی ذکر مالمرة
نزد ... بود در این صورت ان اکه تسبیح و تبارک مستحب و بکر الائمه **مستحب العجم** در رسالن
بعضی از اسبکه ... با این ... ازان حد در مغفره ... در ... وقد ...
در ... در ... که حاصل مضمون ان ان ... که هر کاه ...
وغیر عارض شود لیما از ... سوم را از ذکور دهست ... موضع کو ... الد لعد انا ...
دست ... الد ... در صورت حفظ ... بعد از آن کامسح الاصلوت
روایت لعد ازان سر ... این دعا را کواهد ... الله الذی لا اله الا هو عالم
الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن بخانه ... حسب ...
ومقتضای حدیث مذکور این است که این وظیفه در حال احد ... هم وغیر بوده باشد ... کسی ...
بکرات ... ودعای مذکور ... ومقتضای حدیث مذکور در مغفره و کلام ان بزرگوار
... بمقتضای ... در مصباح ... این وظیفه است لعنا ... از راس ... ان ... کرده
... بوده ... هر کاه ... در موضع ... او بوده باشد دست ...
موضع ... ان ... در کلام مقتضا ان ... وظیفه دست
... در کلام مصباح ... کرده ... در ... بر موضع ... کرده ...
... ذکر ... در ... دعای مذکور ... در ... از ... کتاب ...
... دعای مذکور ... در ... بعد المغفره ...
... سورة ... ولد ... ان ... بعض ... ظن ... الا ... ع ...
کرده ثم ... فصاحی ... ثم ... صدره فان ذلک ...
... ان الله ... ثم انهم قالوا ان ... اشد ...
... ثم ... راسه ... الحمد ... سره ... موضع کرده ثم
... بها ... الا ... المصباح ثم ... هی موضع
تمام

ح ... در حاشیه

... اوکات ... ام
... صاحب ... ام
... باشد ... هر کاه ...
... کرده ...
... بارب ... نفس ...
... کرم ...
... اقرب ...
... ام
... بار ... هم

ع ... وجه ... ام

کتوک واسح بها وجهک ... الا البر ... علی جبینک ...
الا ... انت ... اللهم لک الحمد لا اله الا انت عالم
الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن والفتن ما ظهر منها
وما بطن وان کانت بک علة فامسح موضع سجودک وامسحه علی العلة وقل ...
مرات مکررة یا من کبس الارض علی الماء وسد الهواء بالسماء واختار لنفسه
احسن الاسماء صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا وارزقنی وعافنی من کذا وکذا
اشهر ... کیفیت ... عبارت ... کیفیته ...
از ... ودعا ... مصباح ... عبارت ... موضع ...
ابتدا ... مصاصه ... ودعا ... ما ...
چشم ... تعبیر کیفیت مذکوره ... این بوده ...
از ... طرف ... طرف ... از ...
... طرف ... تا ... ما ... کو ...
بود که ... بوده ... وجهه ... صورة ... الوص ...
که مقتضای ... مصباح ... ودعا ... الا ... ان ...
... با ... مقتضای ... در ... ذکر ...
مجلسی حکایت بوده ... حاصل مضمون ... ان ... که ...
... دست ... موضع ... بوده ... ان ... دست ...
وبر جبین ... بصورت ... این دعا را ... الله الذی لا اله
الا هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من الهم والحزن والسقم
والعدم والصغار والفواحش ما ظهر منها وما بطن ... فرق میان هم ...
... کرده ... هر ... کرده ... شده ...
... ان ... قبل ... تا ...
... از ... که ... بر ... دان ...
... که ... بوده ...

... بوده ... ام
... ام
... ام

باهم جنون است که بسبب آن معلوم نیست و غم جنون است که بسبب آن معلوم است سقم
بمعنی مرض است قال فی الصحاح السقام المرض وکذلک السُقم والسَقَم وفیه لغتان مثل
حُزن وحَزَن وعُدم بمعنی [illegible] والصناد بفتح الصاد کما فی الصحاح الذل [illegible]
[illegible] وارده در این سجده بعبارات الله مذکور شد و در این مقام کفایت است [illegible]
~~[illegible] امور یکه رعایت آن در این سجده لازم نیست و بیان [illegible]~~
بعضی از آن لازم است [illegible] ثابت است از اینکه شرط نیست در این سجده
طهارت از حدث و خبث بنا بر آنکه هرگاه [illegible] شده باشد با اشتغال
ایشان باین سجده [illegible] جایز خواهد بود اگرچه [illegible] اگر بوده باشد پس
بعض جنب [illegible] و حایض ایشان باین سجده از تواند نمود و همچنین شرط نیست
در این سجده ستر عورت و استقبال قبله پس باکشف عورت و خلاف جهت قبله
ایشان بآن می‌توان نمود و مقصود تنبیه بر عدم اشتراط و اعتبار این امور است
در این سجده و الاشهر در رجحان رعایت این امور در این مقام نیست بلکه از جمله
وضعیات [illegible] و [illegible] ایشان [illegible] ~~[illegible]~~
بل کلامی که در این مقام است در دو چیز است اول آنکه [illegible]
وضع اعضای سبعه در این سجده لازم [illegible] باخبر بلکه فقط لازم
همان وضع جبهه است و وضع سایر اعضای دیگر لازم نیست ~~[illegible]~~
~~[illegible] در سجده تلاوت [illegible] که [illegible] وضع جبهه و رکبتین و کفین~~
~~[illegible] حکم بلزوم وضع [illegible] عدم [illegible] در این مقام [illegible]~~
بان مشغول [illegible] در حکم بلزوم وضع اعضای سبعه است که سجده ای که معهود
شده [illegible] منصرف باین نحو میشود لهذا پس رعایت آن لازم خواهد
بود لکن [illegible] در این مقام نظر الخ در سجده تلاوت مذکور شد حاصل
آنست که [illegible] نیست در [illegible] وضع جبهه و وضع رکبتین و کفین
و وضع طرف [illegible] اگرچه وضع [illegible] ابهامین [illegible] شده باشد لکن [illegible] وضع

ابهامین

در تنبیه بر عدم اعتبار اکثر امور یکه رعایت آنها در سجده صلوة لازم بود و در این سجده و اعتبار بعضی از آنها در این مقام هم

سجده هم

و همچنین حال در ظاهر [illegible] کسی رعایت آن در این سجده لازم نیست

از این حیثیت هم

بخصوص و اله بر رعایت آن سجده هم

ابهامین [illegible] نبوده باشد [illegible] الگرچه ظهران بوده باشد و این تحقیق
در صورت [illegible] طرف قدمین بر زمین [illegible] مگر در صورتیکه متعذر ابهامین را
از زمین [illegible] و آن [illegible] نیست پس [illegible] مشهور و وضع ابهامین نیز
خواهد بود [illegible] ~~[illegible]~~ در جای ظاهر میشود [illegible]
طرف احد قدمین را بر [illegible] دیگر گذارده باشد بنا بر آن اگرچه [illegible] ابهامین
موضوع بر زمین است لکن ابهام دیگر موضوع بر [illegible] دیگر است بنا بر اعتبار [illegible]
ابهامین بر زمین [illegible] باید [illegible] حصول امتثال [illegible] نمود پس [illegible] مذکوره
باید جایز نبوده باشد [illegible] لکن [illegible] باعتبار وضع ابهامین [illegible] مسطور [illegible]
مذکوره امتثال حاصل نشود [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] حدیث
صحیح [illegible] سجده [illegible] کشف [illegible] صلوات [illegible] سجده
در صورت مذکوره و استفاده [illegible] در خصوص [illegible] کلام [illegible]
اخبار [illegible] بر وضع [illegible] مثل کقوله [illegible]
الله [illegible] علی التراب [illegible] الله [illegible]
جبهه بر [illegible] سجده بر آن صحیح بوده باشد لازم است در این سجده باینکه [illegible]
در عبارت ذکر و جامع المقاصد عدم لزوم است و این ظاهر مشهور [illegible] دیگر از
فقها لکن ظاهر [illegible] لزوم رعایت آنست پس وضع جبهه در این سجده [illegible]
[illegible] در این سجده پس [illegible] شد که ظاهر آنست [illegible] باشد
[illegible] سنت [illegible] بلکه سنت [illegible] حاصل [illegible] و لکن [illegible]
و دعا [illegible] خواهد بود و همچنین [illegible] بر زمین [illegible] از [illegible]
[illegible] اصل امتثال [illegible] داشته باشد و همچنین [illegible] حال [illegible]
و شکر بر زمین و همچنین [illegible] سجده و [illegible] گذاردن [illegible]
راست را اول بر زمین و بعد از آن گذاردن جانب [illegible] در میان دو سجده [illegible] و اکمل خواهد بود
[illegible] سجده واحده [illegible] نمود لکن [illegible] بعد از سجده و عود [illegible] بعد از [illegible]

بجهت هم

[illegible] علیه هم

[illegible]

و لکن نام

ابتدا

وافضل از همه اینان مذکور دعا است در هر یک از اعمال اربع مذکوره مطلبی که درین
مقام مناسب است آنست که تنبیه بران نموده اند که کیفیت مذکوره که عبارت از تکرار
وتعفیر جبهتین که مذکور شد ثابت است در هر سجده شکر یا مختص است ببعضی موارد
مثل بعد از فراغ از صلوات واجبه مثلا از بعض احادیث وارد شده در این مقام اگر
چه موهم انتفای عموم است که موثقه علی بن حسن بن فضال عن ابی عبد الله علیه السلام اذا ذکر
احدکم نعمة الله عز وجل فلیضع خده علی التراب شکرا لله وصحیحه علی بن یقطین عن ابی
الحسن علیه السلام قال کنت اسیر مع ابی الحسن علیه السلام فی بعض اطراف المدینة اذ ثنی رجله عن دابته فخر
ساجدا فاطال واطال ثم رفع رأسه ورکب دابته فقلت جعلت فداک قد اطلت السجود فقال انی ذکرت نعمة انعم الله تعالی بها علی فاحببت
ان اشکر ربی والصحیح المروی عن ... عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال کان موسی بن عمران
اذا صلی لم ینفتل حتی یلصق خده الایمن بالارض وخده الایسر بالارض ... لکن ظاهر اکثر آن
کیفیت مذکوره در هر سجده شکری ثابت است خواه بعد از نماز بوده باشد یا غیر آن
قال فی الذکری سجدتا الشکر مستحبتان عند تجدد النعم ودفع النقم وعقیب الصلوات ویستحب
بینهما التعفیر وفی نهایة الاحکام وهی ... عند تجدد النعم عقیب النوافل وعند تجدد
النعم ودفع النقم ... ویستحب فیهما التعفیر وفی القواعد سجدتا الشکر مستحبتان عند تجدد النعم
ودفع النقم وعقیب الصلوة ویعفر بینهما والمستفاد ... عموم السنن ... فی الصحیح المروی فی الکافی
عن عبد الله بن جندب قال سألت ابا الحسن الماضی علیه السلام عما اقول فی سجدة الشکر فقد اختلف
اصحابنا فیه فقال قل وانت ساجد اللهم انی اشهدک واشهد ملائکتک وانبیائک
ورسلک وجمیع خلقک انک انت الله ربی والاسلام دینی ومحمدا نبیی وعلیا وفلانا وفلانا الی آخرهم
ائمتی بهم اتولی ومن عدوهم اتبرأ اللهم انی انشدک دم المظلوم ثلثا اللهم انی انشدک
بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنهم بعدوک وعدوهم ان تصلی علی محمد وعلی المستحفظین
من آل محمد اللهم انی اسألک الیسر بعد العسر ثلثا ثم ضع خدک الایمن علی الارض وتقول
یا کهفی حین تعیینی المذاهب وتضیق علی الارض بما رحبت ویا بارئ خلقی رحمة بی وقد کان
عن خلقی غنیا صل علی محمد وآل محمد وعلی المستحفظین من آل محمد ثم ضع خدک الایسر وتقول
یا مذل کل جبار ویا معز کل ذلیل قد وعزتک بلغ مجهودی ثلثا ثم تقول یا حنان یا منان
یا کاشف الکرب العظام ثلثا ثم تعود للسجود فتقول مائة مرة شکرا شکرا ثم تسأل حاجتک
وصورت دلالت این بر مدعا آنست که سائل سؤال نموده از ذکر و دعا در سجده شکر و آن حضرت
تعرض تعفیر ... نفرموده جواب فرموده بکیفیت مذکوره وظاهر آنست که در هر سجده شکر

ساجدا فاطال ثم رفع
رأسه ورکب دابته
فقلت م

کیفیت

کیفیت در جمیع افراد سجده شکر وارد است المطلوب وحدیث بنحوی که مذکور شد در کافی
ودر فقیه هر دو مذکور است روی عبد الله بن جندب عن موسی بن جعفر علیهما السلام انه قال
تقول فی سجدة الشکر اللهم انی اشهدک الی آخره ... که حدیث بنا بر فقیه بعنوان
اطلاق خواهد بود اگر چه دور نیست مذکور در فقیه نقل بمعنی بوده باشد نه آنکه
این حدیث دیگر باشد غیر آنچه مذکور شد لکن درین مقام اعاده شد که تنبیه بر بعضی
... از آن ... از آنچه مذکور شد ظاهر شد و دیگر آنکه لفظ ثلثا در حدیث
در چهار موضع مذکور است در دو موضع اضطرابی هست در متعلق آن ...
در دو موضع اول ~~... در موضع ... احتمال تام است ...~~
اما در موضع ثانی اول آن از آن احتمالات ثلثه آنست که ... بوده باشد که
اللهم انی اسألک الیسر بعد العسر ثلثا بگوید دوم آنست که از آن تصلی علی
محمد وآل محمد را ثلثا بگوید سیم آنست که اللهم انی انشدک بایوائک علی
نفسک الی آخره را ثلثا بگوید ظاهر از این احتمالات ثلثه احتمال اول است و اما در
موضع اول پس در آن دو احتمال قائم است اول آنست که متعلق بلفظ
اللهم انی انشدک دم المظلوم بوده باشد دوم آنست که متعلق این
اللهم انی اشهدک بوده باشد تا دم المظلوم وظاهر در این مقام نیز احتمال
اول است بنا بر آنچه مذکور شد در کافی لفظ ثلثا در دعای ... که پیش از وضع
خد ایمن هست مذکور نیست پس مقصود ... خواندن این دعا است یکمرتبه ولکن در
فقیه مذکور است و در ... شهید ... در روضة السعید در ذکری ... حدیث را
ذکر فرموده اند بنحوی که نه موافقت با کافی دارد و نه موافقت با فقیه یعنی
که لفظ ثلثا در دعائی که بعد از وضع خد ایسر است مطلق مذکور نیست و در موضع
ثانی لفظ ثلثا را مقدم بر اللهم انی اسألک الیسر بعد العسر ذکر فرموده اند
که اللهم انی اسألک بایوائک علی نفسک لاعدائک لتهلکنهم بایدینا
وایدی المؤمنین اللهم انی انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک لتظفرنهم

و بر اثبات ... م

... احتمال تام است م

در موضع ... در موضع
... نبوده بلکه
احتمال دیگر ...
چنانکه م

و همچنین لفظ انشدک
تبدیل به اسألک کرده
بایدینا ... م

على عدوك وعدوهم اللهم انى اسئلك ان تصلى على محمد وال محمد وعلى المنتجبين من
ال محمد نبينا اللهم انى اسئلك اليسر بعد العسر پس اختلاف ما بين مذكور در ذكرى
و مذكور در كافى و تهذيب در سه جزء است اول آنكه لفظ ثلث در كافى و تهذيب
بعد از لفظ على وضع هذا الكرم مذكور است و در ذكرى مذكور نيست دوم آنكه لفظ
ثلث در كافى بعد از لفظ اللهم انى اسئلك اليسر بعد العسر مذكور است و در ذكرى قبل از آن
و در تهذيب آنكه بابوانك على نفسك مذكور است و در ذكرى انك [illegible]
از آنچه مذكور شد ظاهر شد كه لفظ ثلث در هر يك از كافى و تهذيب مذكور است در چهار موضع
دو موضع در دعاى در سجده اول و دو موضع در دعائيكه بعد از وضع الراس است بنابر كافى
ديگر موضع بعد از وضع خد ايمن و ديگر موضع بعد از وضع خد ايسر بنابر كافى و تهذيب
در كافى لفظ ثلث در چهار موضع مذكور است و در تهذيب [illegible]
نظر باينكه قدوين اثقل از كافى فرموده اند بنا بر اين آنچه را كه مصباح ذكر فرموده اند
كه لفظ ان لفظ را مصنف ذكر فرموده اند ما قدرى در موضع از چه معلوم [illegible]
ما بين كافى و تهذيب [illegible] تهذيب شد ما فقد موضع [illegible] كافى است نظر به آنچه در [illegible]
شد كه در دعاى [illegible] بعد از [illegible] بر ارض باشد در تهذيب با [illegible]
مذكور است [illegible] لكن ما فقد موضع [illegible] تقول اللهم انى اشهدك بابوانك
على نفسك لاعدائك لتهلكنهم ولتخزينهم بايديهم وايدى المؤمنين ان تصلى على
محمد وعلى المنتجبين من ال محمد نبينا **بحث ششم** در تعقيب امور متعلقه [illegible]
و اين چند چيز است اول آنكه تعفير مستحب است در اين مقام يعنى ما بين دو سجده
عبارت از وضع خد است بر ارض [illegible] و اخبار مشتمل بر لفظ [illegible]
و در صورتيكه [illegible] و علامات [illegible] لفظ جبين مذكور است
بلكه تعفير الجبين [illegible] ما بين موضع جبين و خد [illegible]
اگر چه ممكن است [illegible] حمل [illegible] نظر بكثرت اخبار
مشتمله بر لفظ خد و حمل [illegible] بظاهر آن دوم آنست كه تكبير [illegible]
يعنى قبل از دخول [illegible] نمايد و اما بعد از رفع [illegible]
[illegible] بر جبين [illegible] در سجود و علامه رفع [illegible]

در دعائيكه بعد از م

و ابن مقام و در [illegible] م

در كافى و سه موضع [illegible] در تعقيب م

[illegible] م

[illegible] در مصباح فرموده در [illegible] اللهم انى اسئلك اليسر بعد العسر [illegible] م

[illegible] م

در نهاية الاحكام

در نهاية الاحكام حكم بثبوت آن فرموده اند و احتياط در آنست كه [illegible]
سيم از جمله امور متعلقه باين مقام آنست كه اتيان بسجده شكر بعد از تعقيب
عقيب صلوات مفروضه است يعنى بعد از فراغ از تعقيب يعنى آنكه
از تعقيب قرار دهد يعنى اول اتيان بتعقيب نمايد بعد از فراغ از تعقيب
اتيان بسجده نمايد چهارم اختلاف كرده اند فقها در آنكه آيا [illegible]
اتيان بنافله مغرب بسجده شكر بعد از نماز مغرب [illegible] بعد از
اتيان بنافله مغرب شود يا قبل از آن جمعى از اعاظم فقها قائل شده اند
باول و بعضى قائل بتخيير شده اند يعنى [illegible] قبل و بعد [illegible] مختار در
نظر حقير آنست [illegible] اولويت اتيان [illegible]
پس تقديم و توسيط و تاخير اگر چه [illegible] سنت ميشود لكن اولى تقديم است
بعد بعد از فراغ از نافله اتيان بسجده شكر مستحب گفته توقف در اتيان
بنافله بنابر اين در صورت تاخير قصد تداخل [illegible] نتوان نمود يعنى [illegible]
[illegible] تاخير كرده [illegible] بعد از فراغ از نافله بعد از فراغ
اتيان بسجده نمايد [illegible] اتيان نوافل
و نافله هر دو باشد [illegible]
پنجم آنست كه از جمله موارد سجده شكر [illegible] مستحب است در صورتيكه
كه [illegible] موجب مسرت است [illegible] مستحب است
سجده شكر نمايد [illegible] جماعتى كه معاند [illegible]
بوده اند [illegible]
[illegible]
[illegible]

ما بيد م

شكر

توقيف م

[illegible] م

در این وقت سجده شکر بجا آورده باشند چنانچه وارد شده که
عادت فخر انبیا و سید رسل این بود که هرگاه امر خیری به آن حضرت میرسید که موجب سرور
بود ایشان سجده شکر ادا مینمودند و روایت شده که جناب فخر عالم صلوات الله علیه و آله
در وقتیکه سر ابوجهل لعین را آوردند جناب فخر عالم صلوات الله
وسلامه علیه سجده شکر نمودند و اندراج این قسم در کتب الخ در اوایل کتاب
مذکور شد [illegible] که استحباب این سجده بوده باشد در صورت تجدد نعم لکن ظاهر فقها
و اصحاب مستحب است این سجده در وقتیکه کسی نظر کند به مبتلا [illegible] مثل ابرص
[illegible] بانکه کسی را دید که مشغول معصیت [illegible] باشد [illegible]
لکن [illegible] در صورت اول [illegible] که ایشان سجده نماید [illegible]
بران [illegible] در صورت ثانیه [illegible]
ایشان سجده نماید [illegible] جناب [illegible]
معصیت [illegible] چهارم از اقسام سجدات [illegible] اول
[illegible] سجده سهو [illegible]
بعضی از افعال نماز تشهد است [illegible] تنقیح مقام در بیان [illegible] کلام
[illegible] بحث اول در عدد تشهد واجب است [illegible] تشهد واجب
در هر نماز [illegible] خواه نماز صبح بوده باشد یا نماز مغرب و در نماز [illegible]
و چهار رکعتی واجب است دو مرتبه یکی بعد از رفع راس از سجده ثانیه در رکعت
ثانیه بعد از جلوس مطمئنا و دوم بعد از رفع راس از سجده ثانیه در رکعت ثالثه
در نماز سه رکعتی و در رکعت رابعه در نماز چهار رکعتی بعد از آنکه مطمئن در جلوس شد
مخفی نماند که آنچه مذکور شد در حالت اختیار است و اما در حالت اضطرار
اگر [illegible] رفع راس از سجده [illegible] لکن [illegible] مقام [illegible]
[illegible] که گفته شود بعد از رفع راس از سجده ثانیه یا بعد از [illegible] مقام
[illegible] راس [illegible] در حال اطمینان در جلوس یا قیام مقام آن [illegible]

در نماز [illegible]

در نماز نافله ضرورت است اگرچه در حال اختیار بوده باشد [illegible] نظر [illegible]
اما [illegible] نماز نافله [illegible] در حال مشی در حالت اختیار [illegible]
بحث دوم در کیفیت تشهد [illegible] محل تشهد [illegible] صلوات [illegible]
بعد از رکعت ثانیه [illegible] در نماز مغرب و بعد از رکعت [illegible]
در نمازهای چهار رکعتی و اما در نوافل [illegible]
مثل نماز وتر و بعد از رکعت ثانیه مثل غالب نوافل و بعد از رکعت ثانیه
[illegible] مثل صلوة اعرابی [illegible] بحث سوم در کیفیت تشهد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قول اول آن است که [illegible] واجب [illegible]
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
اللهم صل علی محمد و آل محمد [illegible]
[illegible] العباس [illegible]
در شرح ارشاد [illegible] و شرح اللمعة قول [illegible] واجب
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله [illegible] علاوه بر این مستحب [illegible]
[illegible] سیم قول [illegible]
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا
رسول الله [illegible]
رسول الله [illegible]
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله [illegible] اشهد ان محمدا رسول الله [illegible]
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا
رسول الله [illegible] الاعلام [illegible] چهارم [illegible]

شش ص

ما بین جمله چیزی که مذکور شد در قول [illegible] و دیگر با اضافه رسوله

بضمیر راجع بجلاله اول اشهد ان محمدا رسوله [illegible] دوم اشهد ان محمدا

نالث و ان محمدا رسوله

رسوله و این مختار مرحوم علامه است در قواعد و عبارتشان مرحوم اگرچه اجمال دارد

لکن ظاهر این است که مراد همین است که مذکور شد خامس اقوال تخییر است ما بین آنچه

مذکور شد در قول اول و قول ثانی پس مخیر است ما بین آنکه بگوید اشهد

ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و ما بین

آنکه بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا [illegible] رسول الله

این مختار شیخ شهید است در بیان و مرحوم محقق ثانی است در صفوة قول

سادس در مسئله قولی است که ظاهر منشور از مرحوم شیخ مفید در مقنعه و محقق

او در کاشف مجزی است در تشهد آنست که بگوید اشهد ان لا اله الا الله

و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله حاصل این قول آنست

که در شهادت بر توحید اکتفا بمثل قول ثانی است و در شهادت بر رسالت

مثل قول اول ابدال ده صلوات بر نبی و آل او پس و بعبارت دیگر اسم شریف

~~آن حضرت ... کل اقوال مذکوره مقتضی اعتبار شهادتین است و در ...~~

~~از دو تشهد ... و در این مقام قولی است حکایت شده از صاحب~~

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

~~[illegible]~~

تکلیف ... مختار ما بین اقوال مذکوره قول اول است پس آنچه

چیزی که معتبر در تشهد آنست اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله مقام ثالث در بیان

اعتبار صلوات است در تشهد [illegible] اختلاف کرده اند فقها در این مقام

مختار قول اول اعتبار صلوات است بر نبی و آل [illegible] و بر آل طاهره

در اعتبار صلوات [illegible] تشهد

ان اسورح

ان اسورح در تشهد اول و تشهد ثانی و این مشهور و معروف ما بین علمای شیعه است و اعاظم

علمای شیعه در این دعوی اجماع نموده اند مثل سید در انتصار و در کتاب ناصریات و شیخ الطایفه

در کتاب مبسوط و خلاف و فاضل ابن البراج در شرح جمل و سید ابن زهره در غنیه

و مرحوم محقق در معتبر و مرحوم علامه در منتهی و تذکره و شیخ شهید در ذکری و فاضل مقداد

در کنز العرفان و قول ثانی عدم وجوب صلوات است در تشهد مطلقا و این ظاهر منشور

از شیخ صدوق در فقیه و مقنع و امالی قال فی المقنع ثم تشهد و قل بسم الله و بالله والحمد لله

والاسماء الحسنی کلها لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان

محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة ثم صل الرکعتین

الاخراوین و اقرأ فی کل رکعة منهما الحمد وحدها و ان شئت سبحت فقل سبحان

الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ثلث مرات فاذا صلیت الرکعة

الرابعة و قل بسم الله و بالله والاسماء الحسنی کلها لله اشهد ان لا اله الا الله

وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا

بین یدی الساعة الا ان قال ثم سلم و لم یذکر الصلوات علی النبی و آل اصلا

و عبارتشان مرحوم در فقیه مثل این است لیکن مقتضی کلام آن مرحوم در کتب مذکوره

عدم اعتبار [illegible] صلوات [illegible] در تشهد اصلا [illegible] معلوم عدم

و محقق ثانی در جامع المقاصد

رجحان و استحباب [illegible] نظر باینکه [illegible] قطع بانتفای وجوب

انام

حاصل [illegible] از [illegible] التفات بصلوات [illegible] نموده اند

و این عبارت [illegible] فعل [illegible] که مرحوم شیخ شهید در ذکری

نقل ص

ذکر فرموده اند [illegible] والد مرحوم صدوق مقتضای آن عدم اعتبار است در تشهد اول و اعتبار

رابع اقوال اعتبار صلوات است در احد تشهدین و عدم اعتبار آن است در تشهد

دیگر و این نقل شده است از ابن الجنید و لکن ضعف این اقوال

نیست مقام رابع در کیفیت صلوات واجبه در تشهدین است

صلوات [illegible] در تشهد [illegible]

[illegible]

بین نرعمل خلاف است ظاهر اکثر اصحاب این است که تعیین است بلفظ
اللهم صل علی محمد وال محمد بوده باشد بنابراین پس اکتفا بلفظ صلی
الله علی محمد وال محمد نمی‌توان نمود بلکه عدول از اظهار با جار جایز
نخواهد بود با انکه اظهر از انست بقواعد لکن است پس اللهم صل علی
محمد واله جایز نخواهد بود والحق از کلام شیخ مفید در مقنعه ظاهر میشود
خلاف انست نظر انکه در تشهد ثانی ذکر وال محمد فرموده ~~ان الله صلی~~
الله ~~علی محمد وال الطاهرین~~ چنین ذکر فرموده اند اشهد ان محمدا عبده
ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة صلی الله علیه واله
الطاهرین وتقبل شفاعته فی الامة الا قوما ذکره ودر تشهد رکعت ثانیه نماز
ظهر اشاره فرموده اند که همین تشهد مذکور را بخوانند ودر تشهد رکعت
چهارم نماز ظهر ونماز عصر ونماز عشا ودر رکعت ثالثه نماز مغرب وتشهد
نماز صبح چنین ذکر فرموده اند اللهم صل علی محمد وال محمد ونفرقه ما بین
مقامین البناء بعید است بلی ممکن که دررکعت ثانیه نماز ظهر در مقام
تشهد متعین بوده باشد صلی الله ~~علی محمد~~ علیه واله الطاهرین وجایز
نبوده باشد اللهم صل علی محمد وال محمد مطلقا والحق بعید است
که تشهد در رکعت ثانیه اجتزا نموده نه بقول ان در مقام تشهد در رکعت
~~ثالثه~~ پس مقصود جواز اجتزا خواهد بود در هر یک از دو مقام
بهر یک از دو صیغه که بوده باشد والحق ظاهر میشود از مرحوم
علامه در کتاب نهایة الاحکام که از اوسع از ان است ~~فانه قال فی نهایة الاحکام~~
بعد الحکم بوجوب اللهم صل علی محمد وال محمد ولو قال صلی الله علی محمد واله
او قال صلی الله علیه واله او صلی الله علی رسوله واله فالاقرب الاجزاء
الاجزاء مقتضای این عبارت این است که در مقام صلوات در تشهد

در هرگاه اثبات کرد بیک از چهار صیغه نماید چهار است اول اللهم صل علی
محمد وال محمد دوم اللهم صل علی محمد واله سیم صلی الله علی محمد علیه واله
چهارم صلی الله علی رسوله واله پس هرگاه بگوید اللهم صل علی محمد واله ظاهر
مقتضای ان نموده ان [illegible] که این نیز عیبی نبوده باشد
بنابراین مقتضای کلام آن مرحوم اثبات بهر یک ازین لفظ کرده باشد بی
عیب خواهد بود ولکن مقتضای کلام آن مرحوم در کتاب تذکره وقواعد
جواز اجتزاء بیک از دو لفظ است اول اللهم صل علی محمد وال محمد دوم اللهم
صل علی محمد واله پس اقوال در این مقام چهار است اول آنکه تعیین است
اللهم صل علی محمد وال محمد وآن مختار اکثر فقها است شیخ شهید در کتاب
ذکری این قول را نسبت بمشهور داده و مختار آن مرحوم در دروس وبیان
ولمعه همین قول است دوم مثل اول است لکن بعلاوه تجویز اضافه ال
بضمیر یعنی بگو اللهم صل علی محمد واله این مختار مرحوم علامه است در
قواعد وتذکره سیم تخییر ما بین اللهم صل علی محمد وال محمد وما بین صلی الله علیه
واله الطاهرین وآن ظاهر میشود از مرحوم شیخ مفید وصاحب کشف
چهارم جواز اجتزاء بهر یک از چهار صیغه که مذکور شد بلکه به غیر صیغه فهو
اوسع الاقوال لکن القول الاول اضعفها وآن ظاهر میشود از مرحوم علامه در
نهایة الاحکام مختار ما بین اقوال قول اول است تو انکه بنا [illegible]
مقام تغیه مرضیه مطلب است اول آن است که تعیین نمود که وجوب
صلوات در خبر [illegible] ان الطاهرین [illegible] در ضمن اخبار
ان ال ثابت بود در ضمن خصوصیات [illegible] صلوات صادره از ال
مختلف نقل شده از مرحوم ~~[illegible]~~ علامه وغیره الحق ظاهر میشود

اول آنکه صلوات صادره از آن بلفظ اللهم صل علی محمد وآل محمد
وقوله فی التذکرة عن کعب بن عجرة انه قال کان رسول الله صلی الله علیه
وآله یقول فی صلوته اللهم صل علی محمد وآل محمد کما صلیت علی ابرهیم وآل
ابرهیم انک حمید مجید [illegible] الاسلام در باب
[illegible] یا محمد صل
علی نفسک وعلی اهل بیتک فقال صلی الله علی وعلی اهل بیتی [illegible]
[illegible] فی باب [illegible] اللیلة التی
من [illegible] الصلوة رکعتین [illegible]
[illegible] هکذا قال ارفع راسک [illegible] واشهد ان لا اله
الا الله وان محمدا رسول الله وان الساعة اتیة لا ریب فیها وان الله
یبعث من فی القبور اللهم صل علی محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد کما
صلیت علی ابرهیم وبارکت وترحمت علی ابرهیم وآل ابرهیم انک حمید
مجید اللهم تقبل شفاعته فی امته وارفع درجته [illegible]
[illegible] فی لفظ الصلوات
پس بنا بر این فرق در لفظ صلوات بین آنچه [illegible]
لکن [illegible] از حدیث صحیح [illegible] کتاب صلوة کافی [illegible]
قال علیه السلام اوحی الله الیه یا محمد صل علی نفسک وعلی اهل بیتک فقال صلی الله علی
وعلی اهل بیتی پس [illegible] کیفیت صلوات آن سرور انبیا در مقام تشهد
[illegible] اول مثل [illegible] اللهم صل علی محمد وآل محمد دوم
[illegible] صلوات ایشان [illegible] صلی الله علی وعلی اهل بیتی [illegible]
در بیان [illegible] صلوات فرستاده میشود [illegible]
کائنات بقول اللهم صل علی محمد وآل محمد [illegible] در مقام تشهد یا غیر تشهد

پس بگوییم [illegible] در کتاب تذکره آنکه مراد
از آل در مقام تشهد [illegible] جناب سیدا وصیا وسیده نسا ویازده نفر فرزندان
ان [illegible] که بطهارت [illegible]
در کتاب [illegible] طهارت [illegible] آل ان
آل النبی صلی الله علیه وآله عند نا هم اهل بیته وخاصته الذین هم ولده
الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا بنا بر این پس مراد از آل
ولوان دوازده امام [illegible] وسیده نسا صلوات الله وسلامه علیهم
لکن [illegible] صدوق در کتاب [illegible] روایت نموده
در بیان معنی آل واهل بیت وعترت [illegible] که مراد از
آل نبی ذریه آن حضرت ومراد از اهل بیت نبی ائمه معصومین علیهم السلام
ومراد از عترت نبی اصحاب عبا که عبارت از جناب امیر المومنین وسیده
وحسنین علیهم السلام [illegible] ومقتضای حدیث مذکور [illegible] که مذکور [illegible]
[illegible] نیز [illegible] در لفظ بوده
باشد [illegible] در مقام صلوات [illegible] در اول
مذکور [illegible] در بیان صلوات [illegible] کائنات وآل اطهار آن
[illegible] رجحان [illegible]
ورجحان [illegible] بوده باشد
[illegible] در مقام
اول در بیان رجحان صلوات [illegible] در این مطلب [illegible]
[illegible] در این مقام [illegible] حدیث [illegible]
[illegible] اول حدیثی است که ثقة الاسلام نور الله مرقده روایت فرموده
[illegible] در کتاب [illegible] اصول کافی [illegible]
علیه السلام از جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرموده [illegible]
[illegible] الآل [illegible] المطلق الذی [illegible] المعصومین وفاطمة علیهم
فقد ضل ایضا لانها بضعة منه صلی الله علیه وآله

[illegible] ان [illegible] وآل ان [illegible]
[illegible] بطهارت [illegible]
کلام [illegible]
[illegible] در کتاب [illegible]
از کتاب [illegible]
[illegible] شعبان [illegible]

[illegible] فی الوضوء والاذان والصلوة از کتاب [illegible]

[illegible] صلوات الله علیه

که هر کس صلوات بر من فرستد خداوند عالم جل شانه و ملائکه بر او صلوات
می فرستند پس هر کس خواهد کم صلوات بفرستد و هر کس خواهد بسیار
صلوات بفرستد و هم حدیث دوم حدیثی است که ثقة الاسلام
روایت نموده از امام بحق ناطق جناب امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده
هر گاه مذکور شود جناب پیغمبر خدای تعالی محمد صلی الله علیه وآله پس بسیار مذکور شود و
صلوات بر او بفرستید بدرستیکه هر کس یک مرتبه
صلوات بر آنجناب بفرستد خداوند عالم جل شانه هزار مرتبه
صلوات بر او می فرستد در هزار صف از ملائکه این حدیث چند
احتمال دارد یکی آنکه خداوند عالم فقط هزار مرتبه صلوات بفرستد در هزار اول آنست که
صف از ملائکه پس صلوات از جانب خلاق عالم جل شانه است و هزار صف
از ملائکه مظهر صلوات الهی خواهند بود دوم آنست که کلمه فی بمعنی مع
بوده باشد پس در این صورت مطلع هزار مرتبه صلوات الهی غیر از صفوف
ملائکه خواهد بود و تعداد آنکه هزار صف ملائکه مظهر صلوات الهی میشوند
هزار صف ملائکه نیز صلوات می فرستند مقام تا آنکه [illegible] صلوات
[illegible] موجودات مشتمل [illegible] صلوات الله وسلامه علیه وآله من باب المندوب
والرجحان است [illegible] اکثر [illegible] ذکر اسم شریف آنجناب بوده باشد
و این مشهور و معروف ما بین فقهاء بلکه اعاظم علمای امامیه ادعای اجماع بر این
مطلب نموده اند مثل [illegible] سید [illegible] در کتاب ناصریات و شیخ
الطائفه مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف و مرحوم [illegible] و مرحوم محقق در کتاب
معتبر و رئیس فقهاء مرحوم علامه در کتاب منتهی و تذکره و [illegible] در میان علمای [illegible]
ظاهر نبوده است تا زمان مرحوم فاضل مقداد و آن [illegible] در کنز العرفان قائل شده اند
بوجوب صلوات هر وقت [illegible] اسم [illegible] مذکور شود و جماعتی از مشایخ متأخرین
با ایشان موافقت نموده اند در این مطلب مثل صاحب [illegible] و مرحوم شیخ بهائی و [illegible]

و مرحوم جنت مکان علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و [illegible] صاحب کنز العرفان [illegible] که بعضی
حکایت نموده اند از شیخ صدوق [illegible] و جماعتی [illegible]
با قول بعدم وجوب صلوات در تشهد که ظاهر مشهور [illegible] از آن بزرگوار که
ظاهر نیست بلکه آنکه ذکر فرموده است در فقیه قدس سره که مشتمل است بر امر
بصلوات در هر وقت که [illegible] اسم شریف آنجناب مذکور شود
و آل آن [illegible] و در اول [illegible] ذکر فرموده است که من ذکر نمیکنم در این کتاب الا چیزی را
که فتوی بآن بوده [illegible] مقتضی آنست که مضمون این حدیث فتوی به او بوده
باشد لکن بعضی [illegible] انصاف این است که محض [illegible] نسبت قول بوجوب
بآن بزرگوار [illegible] مشکل است خصوصا کلام آن [illegible] در جمله از کتب [illegible]
مثل فقیه و غیره مقتضی عدم قول بوجوب صلوات است در تشهد با آنکه
اسم شریف آنجناب مذکور است [illegible] قول بوجوب قائل بقول مذکور
در میان علمای شیعه ظاهر نبوده است تا زمان صاحب کنز العرفان والجنان مرحوم
ذکر فرموده و از بعضی که از قول [illegible] حکایت نموده است از این [illegible] نسبت این
نسبت [illegible] معلوم است [illegible] که آن علامه ظاهرا از مرحوم محقق در کتاب معتبر و مرحوم
علامه در کتاب منتهی و تذکره آنست که [illegible] قائل باین قول [illegible] در عبارت بعضی
قول میان علمای امامیه [illegible] ادعای اجماع فرموده اند بر عدم وجوب
صلوات بر آنجناب در خارج نماز و بعد از دعوی اجماع [illegible] ایراد [illegible] قائل شده اند
ایراد این است که [illegible] ادعای اجماع میکنند که صلوات بر آنجناب در خارج نماز واجب نیست
و حال آنکه [illegible] قائل شده است بر آنکه صلوات در عمر یکمرتبه واجب است [illegible]
قائل شده است بوجوب آن هر وقت [illegible] اسم شریف آنجناب مذکور شود پس دعوی
اجماع صحیح نخواهد [illegible] جوابیکه فرموده اند این است که قول این دو نفر مسبوق [illegible] است
پس [illegible] ایشان [illegible] منقرض است که ظاهر از کلام ایشان [illegible] بزرگوار
این است که [illegible] معتقد [illegible] نمی باشند که [illegible] قولی در میان علمای شیعه نمی باشد [illegible]

اما ظاهر تشهد تشنه شد که جماعه این قول از ابن بابویه معلوم نیست پس اعتماد و توقف
در این نسبت نیست مجملا قول اول ضعیف است لیکن مختار استحباب است
ملحوظ اعتدال در این مقام این است صلوات بران حضرت در حال تشهد نماز واجب است
خواه تشهد اول بوده باشد و خواه ثانی و در غیر این حالت مستحب است خواه بعد از ذکر آن
بوده باشد خواه در غیر ذکر بوده باشد متصل یا منفصل باسماع لکن احتیاط در غیر ذکر آن است
که اخلال بان ننماید و همچنین در غیر ... و سمع و این احتیاط در ... و سمع اقوی است
... و جمعی از تتبع اخبار وارده در این مقام ظاهر میشود
که ... استحباب صلوات ... در غیر سمع و ... ثابت است اگر چه در اثنای نماز
بوده باشد بلکه استحباب ابتدا در غیر متصل نیز ثابت است بایذ که مستحب است
استحباب صلوات ثابت است اگر چه در حالت نماز بوده باشد و استماع و سماع
ذکر آن ... مستحب است در بیان امور مستحبه در مقام
تشهدات و این بر دو قسم است اول استحباب ... پس در اینجا
دو مقام است اول در بیان ... مستحبه ... و این قبل از تشهد
واجب است ... اما اول ... اما اول پس مستحب است
که قبل از تشهد ... پس ... اوسط و اطول اول
اقتصار بحمد است یعنی بگوید الحمد لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اوسط بسم الله و بالله
و الحمد لله و خیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله ... و اطول بسم الله و بالله
... و لا اله الا الله و الاسماء الحسنی کلها لله ...
... اختیار ... در تشهد اول و تشهد ثانی و تشهد ... در کتب ... مثل ...
و ... لکن اسم این است در نماز که در آن دو تشهد
مثل ... در تشهد اول ... نماید ... ثانی ... در
تشهد ثانی ... در هر دو تشهد ... اتیان نماید پس اختیار ... اول
... ظاهر آن است

و اما الحمد لله ... قبل از تشهد اول ذکر نموده ... بان بگوید بسم الله و بالله و الحمد لله و الاسماء الحسنی کلها لله ... ما طاب ... و ما خبث فلغیر الله ... حقیر ... ذکر نماید ... اختیار ...

تشهد ثانی ... در هر یک ... اضافه نمودن ... ثانی ... تشهد
در نماز که در آن دو تشهد ... بوده ... اگر چه ... اشهد ... ثانیة
نوعی که ... بعد از تشهد ... بقتضای ... مذکور ... بوده باشد
قوله که بعد از تشهد ... ماثور است پس بعضی از ان مختص است به تشهد اول ... به تشهد
ثانی ... مختص ... وظیفه آن ثابت نیست و بعضی مختص است به تشهد ثانی
یعنی در تشهد اول ... و بعضی مشترک است میان هر دو تشهد اما اول پس ... ان ...
و تقبل شفاعته و ارفع درجته است که ... در تشهد اول ... وظیفه ...
تشهد ثانی ثابت نیست و همچنین ... در تشهد نماز که ... بوده باشد در آن
مگر تشهد واحد مثل ... نماز صبح و ... محل ... وظیفه آن در تشهد
ثانی ثابت نیست ... این ... مذکور وارد شده است در حدیث عمر ... بن
... ظاهر ... حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ... التشهد
فی الرکعتین الاولتین الحمد لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل شفاعته و ارفع درجته
و در حدیث ... ابو بصیر ... علاوه ... و تقبل شفاعته فی
امته و ارفع درجته ... قال ... الحمد لله ... این ... مختص
... در تشهد اول ... و تقبل شفاعته فی امته
و ارفع درجته الحمد لله رب العالمین ... و اما دعا ... بعد از تشهد
مختص به تشهد ثانی ... در حدیث ... ماثور است ...
ان ... فی ... بسم الله و بالله و الحمد لله و خیر الاسماء لله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی
الساعة اشهد انک نعم الرب و ان محمدا نعم الرسول اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل شفاعته

دعائیکه بعد از تشهد ... بعد از تشهد ... صحیح ... اختصاص ... و تقبل شفاعته ... تشهد اول و ... اختصاص ... تشهد ...

فی امته وارفع درجته ثم الحمد لله ربّی او بشکرنا ثم تقوم فاذا جلست فی الرابعة
فقل بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا
بین یدی الساعة التحیة واشهد انک نعم الرب وان محمدا نعم الرسول
التحیات لله والصلوات الطاهرات الطیبات الزاکیات الغادیات
الرائحات السابغات الناعمات لله ما طاب وزکا وطهر وخلص
وصفا فلله واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان
محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة اشهد
ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول واشهد ان الساعة اتیة لا ریب
فیها وان الله یبعث من فی القبور والحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا
لنهتدی لولا ان هدانا الله الحمد لله رب العالمین اللهم صل علی محمد وال محمد
وبارک علی محمد وعلی ال محمد وسلم علی محمد وعلی ال محمد وترحم علی محمد وعلی
ال محمد کما صلیت وبارکت وترحمت علی ابرهیم وعلی ال ابرهیم انک
حمید مجید اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد واغفر لنا ولاخواننا الذین
سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انک
رءوف رحیم اللهم صل علی محمد وال محمد وامنن علیّ بالجنة وعافنی
من النار اللهم صل علی محمد وال محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات ولمن
دخل بیتی مؤمنا ولا تزد الظالمین الا تبارا ثم قل السلام علیک ایها
النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علی انبیاء الله ورسله السلام علی جبرئیل
ومیکائیل والملائکة المقربین السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین
لا نبی بعده والسلام علینا وعلی عباد الله الصالحین ثم تسلم ومخفی نماند
حدیث شریف ولمانیاورده وا ما مستحب شمرده که بعد از شهادتین بشریک
ما بین هر دو تشهد لیس از اول حدیث شریف معلوم شد وان ارسله بالحق

بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة اشهد انک نعم الرب وان محمدا نعم الرسول
مرتب شده که شریک ما بین تشهدین بعد از شهادتین وقبل از صلوات
بود انکه شیخ الطائفه در کتاب مصباح التهجد در رکعت ثانیه چنین ذکر
فرموده که اشهد بسم الله وبالله والاسماء الحسنی کلها لله اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل
علی محمد وال محمد وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته وتشهد در رکعت
رابعه را چنین ذکر فرموده بسم الله وبالله والاسماء الحسنی کلها لله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلی الله
علیه واله ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
التحیات لله والصلوات الطیبات الطاهرات الزاکیات الرائحات
الغادیات الناعمات لله ما طاب وطهر وزکی وخلص وما خبث فلغیر
الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة واشهد ان الجنة حق وان النار
حق وان الساعة اتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور
واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول واشهد ان ما علی
الرسول الا البلاغ المبین اللهم صل علی محمد وال محمد وبارک علی محمد
وال محمد وارحم محمدا وال محمد کافضل ما صلیت وبارکت ورحمت
وترحمت وتحننت علی ابرهیم وال ابرهیم انک حمید مجید السلام علیک
ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علی جمیع انبیاء الله وملائکته ورسله
السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین
ثم السلام علیکم ... پس معلوم شد از این که ترجمه تشهد که در این حدیث شریف مذکور است
در بیان نمود پس بگویم مناسب این است که با آن در تسمیه الله بیفزاید و صحت توده باشد

کردر هر دو تشهد ذکر فرموده اند
... [illegible]

وبای در بالله یعنی استعانت بوده پس معنی چنین ابتدا میکنم [illegible] بصاحب اسم خداوند
عالم جل شانه بجهت یمن وتبرک واستعانت میجویم در جمیع امور خود از خداوند عالم عز شانه
وفاطمیة ثنا مختص ذات متعال جناب احدیت است وبعترب اسنی واعظم واشرف
از برای خداوند عالم است شهادت میدهم براینکه مستحق عبادت نیست مگر ذات اقدس
مقدس باری عز شانه که جامع جمیع محاسن وکمالات است وحال آنکه یکتا است نیکو ونظیر
ودر آن نیست وشریکی در ذات وصفات یکتا وبی [illegible] شهادت میدهم
براینکه جناب سرور انبیا محمد مصطفی بنده وفرستاده اوست فرستاده است اورا
بسوی کافه ناس از برای اینکه بشارت دهد مطیعان را بثواب وبترساند عاصیان را
از عقاب فرستاده است اورا پیش روی قیامت یعنی شریعت مطهره آن جناب متصل است
بقیامت [illegible] آنکه شریعت آن جناب خاتم الانبیا است که بعد از آن جناب پیغمبری نخواهد بود
وشهادت [illegible] آنکه [illegible] جناب محمد مصطفی [illegible]
خداوندا رحمت [illegible] آل [illegible] واهل بیت اطهار آن جناب [illegible] شفاعت
آن جناب را [illegible] وبلند کن درجات آن جناب را وعطا کردن بعد از آن [illegible]
بگوید الحمد لله رب العالمین یعنی کل ثنا مختص ذات [illegible] که جامع جمیع محاسن وکمالات است
این ترجمه کلماتی است که در تشهد اول ذکر فرموده اند واول تشهد [illegible] اقوله [illegible]
والتحیات چونکه [illegible] آن بود که در تشهد اول مذکور شده بنا
بر این [illegible] ترجمه [illegible] پس شروع میکنیم ترجمه [illegible] التحیات لله این
[illegible] که تفسیر کرده شود [illegible] در صورت [illegible]
[illegible] سلطنت [illegible] مختص [illegible] است [illegible]
حاصل [illegible]
ذکر [illegible]
خداوند عالم [illegible]
خداوند عالم [illegible]
[illegible]
[illegible]

مسلم [illegible]

[illegible]

بنی والصلوات الطاهرات نظر بآنکه در حقیقت کراداران بوده باشند
رحمتهای کامله وافره طیبه وظاهر کل مخصوص خداوند عالم است که از خاص
آن جهان آفرین افاضه میشود بعباد خلوصیت [illegible] در حقیقت کراداز
ازنا کثیر [illegible] که بتدریج [illegible] ازو خود واه
باشد یعنی رحمتها [illegible] آنا فانا در عفو و [illegible] خداوند
عالم [illegible] وفواد [illegible] رحمتها بوده باشد که نازل میشود [illegible]
یعنی از صبح تا زوال وقرآداز زوال [illegible] رحمتها [illegible] افاضه میشود از زوال
تا غروب [illegible] رحمتهای کامله [illegible]
کراداد [illegible] نعمتهای تازه وتجدید بوده باشد در ترجمه اقتصار میکنیم تا
این مقام [illegible] خود کردن دعای وتقبل شفاعته در تشهد اول [illegible] ذکر
آن [illegible] تشهد [illegible] اقتصاص وظیفه است در اول [illegible]
[illegible] ظاهر میشود از اکثر اصحاب قال فی البیان یستحب فی التشهد
الاول بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء لله اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق
بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا
نعم الرسول اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته فی امته وارفع
درجته الحمد لله مثنی وثلث وفی التشهد الثانی الخ [illegible]
لله الصلوات الطیبات الطاهرات الزاکیات الغادیات الرائحات
السابغات الناعمات لله ما طاب وزکی وطهر وما خلص وصفی
فلله ثم یکرر التشهد الی الساعة واشهد ان الساعة آتیة لا ریب فیها
وان الله یبعث من فی القبور اللهم صل علی محمد وآل محمد [illegible]
لبعض الافاضل [illegible] التعدد [illegible] ان یقول قبله بسم الله وبالله والحمد [illegible]

در رواج [illegible]

ارجح

وضرا الاسلام لله ولقد عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة
واشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول ولله الصلوة علی محمد وآل النبی وآله
وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته ثم تقول الحمد لله رب العالمین
یره وانکله ثمانا وتقول فی التشهد الاخیر ایضا وان محمدا نعم الرسول
التحیات لله والصلوات الطاهرات الطیبات الزاکیات الغادیات
الرائحات السابغات الناعمات لله ما طاب وزکی وطهر وخلص وصفی
فلله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة واشهد ان الساعة
آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور اللهم صل علی محمد وآل محمد
الی آخر ما ذکره مجملا چونکه عبارات موقوف بر ... توطیف دعا و ذکر
دران محتاج تحقیق است مخفی نماند که ... مخفی نیست تشهد اول مخیر است تشهد
ثانی مقتضی ظاهر ... وعدم ظهور کفایت میکند در عموم امکان حکم بتوظیف ... اصل
ملحق بمطلب و دران دعا ... از اخبار وارده ... اظهار ... آل الملک
الغفار و نماز ... علمای اخیار رضی ... ام ... نتوان باین اعتبار نمود
دران ... تشهد ثانی ... کلام ... در ... ظاهرا
ودلالت ... التشهد الاول بسم الله وبالله
والاسماء الحسنی کلها لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان
محمدا عبده ورسوله ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی الساعة اللهم صل علی محمد
وآل محمد وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته ... قال ... التشهد
التحیات لله والصلوات ... بسم الله وبالله ... التشهد الاخیر
بسم الله وبالله والاسماء الحسنی کلها لله الی آخر ما ذکره ولکن ... تغییر نتوان
نمود ... بتوظیف خصوصا در مقابل حدیث مذکور ... اصحاب
ازان ... تشهد ثانی ... کلام ... التوظیف ... اثبات ان
را ... باین قصد ... تقصد ... بنا بران ... تشهد ...
بود

حال التشهد

یعنی و الصلوات الطاهرات ... مراد ازان ... باشد و ... کاملا ووافره
طیبه و طاهره همه مخصوص خداوند عالم است ... جهان افرین ...
... بنا بر این ...
... صبح ... ازان ...
...
...
حال تشهد وغیره ... بود و در این ... مقام ... در
مستحب ... دران مقام است ... مذکور شد از اول مستحب
این جا ... واجبات ... و مستحبات ... بود و کلام دران مقام ...
فعل ... پس ... واجب فعل ... جلوس است ... تشهد
واجب ... جلوس ... نحو ... مفصل بیان
شد ظاهر این است که ... بوده باشد ... اعتدال ...
قسم از اقسام جلوس اول ان است ... جلوس ... بر ورک ... در
... بیان ... کیفیت که ... را در جانب ... قرار دهد
... قدم ... را بر زمین بگذارد ... قدم را ... بر بطن قدم
چپ بگذارد دوم جلوس است بر ورک ... بعکس این یعنی دو قدم را
در جانب چپ قرار دهد ... قدم راست را بر زمین بگذارد ...
قدم چپ را بر بطن قدم راست بگذارد سیم این است که ... هر دو قدم
بر زمین بگذارد ... قرار دهد ... را بر زمین بگذارد در
ما بین دو قدم چهارم مثل سیم است لکن ... قدم را ...
دو قدم قرار دهد ... سیم ... را ... پنجم ان است که
... پای چپ را بر زمین بگذارد و ... پای راست را بر بطن پای چپ

و نشیمن را بر پاشنه یا قرار دهد نشیمن عکس این حالت یعنی پشت پای
راست را بر زمین بگذارد و دو شست پای چپ را بر بطن پای راست بگذارد
و نشیمن را بر پاشنه یا بگذارد ظاهر این است که حصر امثال
در هر یک از اقسام سته مذکوره که بوده باشد محض تمثیل بوده باشد بلکه
دور نیست که قسم معظم از اقسام جلوس تربیع بوده باشد فان المراد ان
که نشیمن وبطن قدمین را بر زمین بگذارد و دو ساق و دو ران را از زمین
بلند نماید ~~هلکذا [illegible]~~ ~~[illegible]~~ در رجال شهید ان
قسم را ~~[illegible]~~ ظاهر این است هرگاه شهید را هر یک از اقسام جلوس
مذکوره اتیان نماید امتثال اصل حاصل شود اگر چه قسم اول افضل اقسام است لکن در
حق رجال چنانچه گفته افضل اقسام است در حق نسا کلاً چنانکه هست در جلوس
اقعا است و این نوع جلوس از اخبار وارد ده در این مقام ظاهر میشود
این است که اصابع قدمین را بر زمین بگذارد و دو پاشنه پا را از زمین بلند نماید
و نشیمن را بر پاشنه پاها بگذارد و این قسم خلاف ظاهر از مرحوم صدوق و در فقیه
و مرحوم [illegible] عدم جوازست و اکثر قائل شده اند بجواز لکن با کراهه و قائلین
بکراهه متفرق بدو فرقه شده اند فرقه حکم فرموده اند بکراهه مغلظه یعنی
کراهت شدیده و بعضی دیگر گفته اند مطلق کراهت حکم کرده اگر چه مشکل است
لکن احتیاط شدید بعدم اجتناب است و اما مستحبات تشهد پس ابتدا در آن
اول آن است که اختیار نماید رجال شهید قسم اول جلوس را که تعبیر از آن
جلوس بعنوان تورک نماید و مذکور شد از جمله رجال است قول آن
دوم [illegible] آن است در رجال شهید بر ران ها ~~[illegible]~~ [illegible]
دو دست را با هم بچسباند حتی دو انگشت بزرگ را بچسباند مثل تشهد و در جلوس
سیم آن است که نظر کند در رجال شهید بدامن خود اندازد و مثل نگاه
اظهار رعایت حیا نماید در حضور [illegible] در رجال تکلم با موالی خود

بلدی هم

و [illegible] ایشان در رجال خصوصاً در العیسا [illegible]

تعلیم مستحبات بشرت علم هم
در رجال تشهد

انتهی

یا بعضی از اصحاب [illegible] و اقوال
را بر کنار دو قدم سر
زانو دو دست بچسباند
ران چپ بگذارد کمی هم
و در رجال نشسته دو دست معروف
الاصحاب بوده باشد هم

ششم از افعال واجبه در تسلیم است و تحقیق حال در بیان وارد در این مقام
محتاج است باراد کلام در چند بحث بحث اول در بیان اختلاف فقها است
در این مقام بدانکه فقها اختلاف کرده اند در این مسئله لکن قول بوجوب سلام مختار
محققین از فقها است مثل سید جلیل القدر سید مرتضی در کتاب ناصریات و شیخ مفید
در اقتصاد و ابن حمزه در وسیله و ابی الصلاح در کافی و سلار در مقنعه الغوری در
مراسم و سید بن زهره در غنیه و یحیی بن سعید در جامع و مرحوم محقق در شرایع
و نافع و معتبر و مرحوم علامه در منتهی و تبصره و فخر المحققین در ایضاح و مرحوم شیخ
شهید در ذکری و بیان و در دروس و لمعه و الفیه و شیخ ابی العباس احمد بن فهد در
مهذب و مرحوم [illegible] شیخ مفلح صاحب کشف الالتباس و شیخ بهائی در حبل المتین
و اثنا عشریه و این قول قبل معتمد از شیخ علمای ما است و اکثر اصحاب است
سعید در [illegible] قول ثانی که استحباب تسلیم است و این قول مختار
مرحوم علامه است در تذکره و نهایه الاحکام و مختلف و قواعد
و ارشاد و محقق اردبیلی است در جامع المقاصد و شهید ثانی است در شرح
ارشاد و شرح المعتبر و محقق اردبیلی است در مجمع الفایده و صاحب ذخیره و صاحب
کفایه است در ذخیره و کفایه و بنابر قول ثالث در مسئله قول بوجوب صیغه السلام علینا
و علی عباد الله الصالحین است و استحباب السلام علیکم و رحمه الله و برکاته و این
قول ظاهر منسوب از مرحوم ~~[illegible]~~ شیخ طوسی در مبسوط و ملا
و ابن ادریس در سرائر بحث دوم در بیان صیغه سلام است بدانکه صیغه
سلام دو قسم است تسلیم السلام علینا و علی عباد الله الصالحین
و دوم السلام علیکم و رحمه الله و برکاته و اما السلام علیک ایها النبی و رحمه
الله و برکاته اگر چه بعضی هم قائل بوجوب آن شده اند مثل صاحب بحار الانوار
بعد از آنکه قول بوجوب آن را حکایت نموده از بعض از معاصرین خود

و بیان ان تشهد

ان جامع [illegible] در شرح
و مهذب لکن معلومست کلام
از ایشان در شرح حمل هم

علیک
ایها النبی السلام
و بیان اشتهار [illegible]
ادعا اتفاق بر وجوب
ابی جعفر [illegible] بن
احمد

صاحب تاج حاشیه
شیخ نهاد در کتاب
ملا [illegible] نموده هم

لکن شبهه در ضعف این قول نیست مثل قول راوندی که قایل شده
با اینکه هرگاه بگوید السلام علیک ایها النبی ورحمة الله در این صورت السلم
با اینکه متحقق نیست خروج از نماز مشهور فاما بگوید السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
نمیشود دارد انکه خروج از صلوة میشود و مجملا هر دو قول ضعیف است پس صیغه
سلامیکه خروج از نماز است یکی از دو صیغه مذکوره است لهذا اجماع فقها
منعقد است بر انکه هر دو مخلیت در خروج از نماز دارند یعنی که واجب
میباشد بر مکلف که اتیان باحد دو صیغه نموده باشد یعنی مخیر است بلکه اکتفا
بیکی از این دو صیغه میتوان نمود ولکن خلاف دران است که ایا السلام علیکم متعین است
در این باب پس [illegible] واختیار السلام علینا جایز نیست یا السلام علینا علینا متعین است
پس میتوان گفت جایز نیست اول ظاهر میشود از کلام سید [illegible] در [illegible] و
دوم ظاهر میشود از یحیی بن سعید در جامع که هر یک از این دو صیغه [illegible] نموده
باشد بلکه مکلف مخیر است در اختیار هر یک از دو صیغه که نموده باشد پس هرگاه
اختیار نمود صیغه السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین را با این [illegible] تسلیم [illegible] معتبر است
در خروج از نماز چنانکه هرگاه اختیار نماید صیغه السلام علیکم را [illegible] خواهد بود
لکن در صورت اختیار السلام علینا خروج از نماز متحقق میشود و [illegible] اشکال [illegible]
بصیغه السلام علیکم [illegible] لیعاد ان مستحب است واما هرگاه اختیار نماید
السلام علیکم را در حکم [illegible] اتیان بصیغه السلام علینا لیعاد ان اشکال است
[illegible]
[illegible] در بیان کیفیت دو صیغه مذکوره
پس میگوییم اما صیغه اول ظاهر این است که واجب بوده باشد اتیان
بمجموع السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین پس هرگاه اخلال کند به بعضی از
کلمات [illegible] به بعضی حروف [illegible]
[illegible] هرگاه [illegible] بلفظی بوده باشد [illegible]

معنی [illegible] تبدیل لفظ [illegible]
[illegible] السلام علینا
وعلی عباد الله الصالحین [illegible] هرگاه تبدیل [illegible]
وصیغه [illegible] السلام علی وعلی عباد الله الصالحین [illegible]
باشد مجملا در این صیغه خصوص الفاظ مذکوره [illegible] مذکوره [illegible]
صیغه السلام علیکم پس مستفاد از کلمات فقها این است که اختلاف کرده اند در ان
[illegible] قول اول [illegible] بلفظ السلام علیکم [illegible]
[illegible] شهید در کتاب بیان [illegible]
[illegible] السلام علیکم ورحمة الله [illegible]
[illegible] در کتاب [illegible]
[illegible] السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته [illegible]
از محقق در شرایع [illegible] شهید در کتاب بیان [illegible]
[illegible] که اکتفا بصیغه السلام
علیکم [illegible] ورحمة الله وبرکاته [illegible]
[illegible] لکن لازم نیست [illegible] مذکوره [illegible]
بوده [illegible] هرگاه علیکم [illegible] الف ولام [illegible]
سلام علیکم [illegible] در صورت [illegible]
الف ولام [illegible] محقق وعلامه [illegible]
[illegible]
سلام [illegible]
[illegible]
[illegible]

بوده باشد باید اول نیت ان نماید بعد از ان شروع بان نماید لکن غیر از این است
که سلام جزء اخر نماز است پس هرگاه نیت بدون [illegible] که این حکم ممکن است نباشد
منع بعدم اکتفا به نیت مطلقا اگرچه قائل بعدم جزئیت نظر با سلام
در او صلوة منوی مکلف [illegible] است اگر هم فرض کنیم که جزء صلوة
بوده باشد مگر در صورتیکه فرض شود که جایز بوده باشد و این از
محل کلام خارج است علاوه انکه ممکن است که قصد در محل از فاعل بعدم نیت ممکن نیست
بس [illegible] مگر در صورتیکه فرض شود که فعل بالمره بوده باشد
در این صورت بنا بر [illegible] ان نیت اول کفایت میکند در حکم [illegible] نظر [illegible]
صحت صلوة [illegible] انعقاد [illegible] و مقلت بالمره در بعضی اجزای صلوة منافات با تحقق
ان نیت دارد بنا بر خروج لکن [illegible] اکتفا به نیت اول بلکه محل اشکال است ظاهرم
ان بعبارت ما ظاهر میشود لکن چون اصل [illegible] ضعیف است پس اعتنا
بان نیست بلکه ما این فرع بنا بر قول [illegible] سلام بنا نیست [illegible] نظر با ینکه
بنا بر قول [illegible] سلام [illegible] اعراض [illegible] جایز است پس در حین نیت ممکن است
منوی مکلف [illegible] بوده باشد مخصوص [illegible] پس در این صورت [illegible] در حین
خروج بنا بر سلام منوی مکلف نبوده چون بعد از ایشان [illegible] اگر خواهد
ایشان بسلام نماید باید نیت نماید پس [illegible] توهم [illegible] بنا بر قول
[illegible] سلام اگر منوی مکلف [illegible] صلوة [illegible] پس در حین
[illegible] مگر انکه [illegible] اگر عدم [illegible] بوده [illegible] از صلوات
[illegible] خواهد ایشان بسلام نماید [illegible] باید [illegible] بوده ایشان
بسلام نماید لکن چون [illegible] ضعیف است پس محتاج [illegible]
[illegible] نظر [illegible] جایز است در سلام [illegible] نظر [illegible] دو صیغه
واجب [illegible] پس هرگاه منظور مکلف [illegible] اقتصار
[illegible] واجب بوده باشد بعبارت ایشان [illegible] قرار گرفت که ایشان [illegible]
اکنون [illegible]

ز بوده باشد در ان صورت [illegible] که اول نیت ان نماید بعد از ان اتیان
بان نماید [illegible] که گفته شود اگرچه اظهر [illegible] که مذکور شد
لکن تعلق اراده در اتیان [illegible] در ان صورت [illegible] انفکاک
این غرض از نیت [illegible] باشد مانند در این صورت
نیت باید بکند با [illegible] در بیان ان است که تعیین خروج ضرور نیست
بانه توضیح [illegible] که گفته شود بنا بر قول بوجوب سلام [illegible]
ان بوده باشد [illegible] خروج از نماز متحقق نمیشود مگر باتیان سلام
و در این نیت [illegible] در این مقام [illegible] خروج از نماز [illegible]
[illegible] موقوف بر این است که مکلف [illegible] صیغه [illegible]
خواه در صیغه السلام علینا این قصد نماید یا در صیغه السلام علیکم خواه در انکه
اول ایشان [illegible] بوده [illegible] نماید پس در صورتیکه ایشان بالسلام علینا و السلام
علیکم هر دو [illegible] که اول بالسلام علینا بوده [illegible] السلام علیکم خروج از نماز
بالسلام علینا در صورتیکه [illegible] قصد خروج بان نماید پس [illegible] صورت
هرگاه قصد خروج بالسلام علیکم نمود خروج بالسلام علینا متحقق [illegible] بلکه بالسلام
علیکم متحقق میشود [illegible] در صورت [illegible] اول ایشان بالسلام
علیکم نماید بعد [illegible] السلام علینا [illegible] خروج از نماز [illegible]
بقصد خروج و تعیین [illegible] نیست [illegible] از نماز [illegible] که
[illegible] که ان [illegible] تعیین از مکلف [illegible]
[illegible] پس در صورت [illegible] دو صیغه بوده باشد [illegible]
خواه [illegible] تعیین نماید یا نه و اما در صورت اتیان بهر دو صیغه و تقدیم السلام
علینا [illegible] السلام علیکم [illegible] صیغه [illegible] اگرچه قصد تعیین [illegible]
که ان [illegible] باشد [illegible] صورت [illegible] پس خروج از نماز [illegible]

که اول اتیان بان نموده اگرچه قصد [illegible] باید که ان قرح باشد مجملا نیت نمودن اینکه
این صیغه مخرج [illegible] لازم نیست و این مشهور مابین فقهاست بلکه قول تامل [illegible] ظاهر
نیست بل عبارت مرحوم صاحب جامع در باب [illegible] اگرچه موهم [illegible] مرحوم [illegible] لکن
لعبارت ملا قطب [illegible] ظاهر می شود که مقصود ان مرحوم استحباب است وجوب [illegible]
و دو نکته عبارت [illegible] مرحوم شهید [illegible] نموده موهم لزوم است مناسب این است
که گفته شود [illegible] در این [illegible] قال فی الجامع باب کیفیة الصلوة الصلوة [illegible]
الفعل والترک والکیفیة والفعل [illegible] فرضان واجب وندب [illegible] الکیفیة الواجبة
ان ینوی فیکبر [illegible] والکیفیات المندوبة رفع الیدین [illegible] کل تکبیرة الا ان
[illegible] والایماء بالتسلیم [illegible] القبلة الی الجانب الایمن للامام والمنفرد والی [illegible]
والی الیسار ان کان [illegible] و ینوی به الخروج من الصلوة انتهی کلامه
[illegible] این کلام [illegible] را دارد ان مرحوم این است که نیت [illegible] از جمله امور
مستحبه است [illegible] و این کلام [illegible] شرط [illegible]
[illegible] تسلیم [illegible] الصلوة و [illegible] ان ینوی بها [illegible]
فعل بوجوب [illegible] ظاهر نیست [illegible] والله [illegible]
شد در [illegible] لزوم نیست [illegible] مطلقا [illegible] که قصد [illegible]
کمی از [illegible] خارج [illegible] بس [illegible] است
[illegible] قصد [illegible] تحصیل [illegible] در حال [illegible] باید [illegible]
که گفته شود [illegible] امور [illegible] است که [illegible] مکلف [illegible]
ان امور [illegible] مقصود [illegible] مقام این است که [illegible]
لازم [illegible] مطلق که در [illegible] باید که [illegible] حلال [illegible]
چنانچه [illegible] مطلق [illegible] ظاهر این است که لازم نیست
که در حال [illegible] نیست این باید که [illegible] خارج [illegible] اگرچه [illegible]
[illegible] لکن کلام در [illegible]

که لازم بوده باشد نیست این باید که [illegible] خارج [illegible] مرتب [illegible]
الکه ضرر لازم [illegible] بوده باشد [illegible] مکلف [illegible] بوده باشد مقصود [illegible]
[illegible] در بیان [illegible] اینکه در مقام [illegible] اتیان [illegible]
[illegible] نمود که [illegible] اول [illegible] که [illegible] باید [illegible]
صیغه لکن [illegible] بتقدیم السلام علینا بر السلام علیکم دوم عکس این است پس السلام علیکم را
[illegible] بر السلام علینا ظاهر این است که [illegible] جایز بوده باشد [illegible]
[illegible] صیغه [illegible] دو [illegible] [illegible] خواه [illegible] لکن [illegible]
علینا [illegible] السلام علیکم [illegible] عکس [illegible] سیم [illegible]
باید بصیغه السلام علینا و [illegible] عباد الله الصالحین چهارم این است [illegible]
بصیغه السلام علیکم [illegible] جایز [illegible]
[illegible] لکن کلام [illegible] نزدیک [illegible] اقرب
باحتیاط بوده باشد [illegible] و حکم [illegible] از اشکال نیست نظر [illegible] مقتضی
احتیاط [illegible] در این مقام [illegible] این است که گفته شود اگرچه مقتضای کلام
[illegible] در [illegible] الصلوة [illegible] و کلام [illegible]
حکم [illegible] السلام علیکم است [illegible] احتیاط [illegible]
[illegible] مقتضای [illegible] خلاف [illegible]
در [illegible] عکس [illegible] صیغه السلام علینا واجب [illegible] بوده باشد [illegible]
[illegible] این است که [illegible] السلام علینا جایز بوده باشد [illegible] نیست
در [illegible] خلاف [illegible] بوده باشد
[illegible] بوده باشد [illegible] جماعت [illegible]
[illegible] خلاف [illegible] جماعت [illegible] لکن [illegible] حکم شود

ان رجوع م

بود لو نه اقتصار بالسلام علیکم از اقتصار بصیغه دیگر نظر بکلام رجوع
سید رضی بود و نظر [illegible] از حکم بوجوب صیغه السلام علیکم و ندب صیغه دیگر
اظهر است از حکم بوجوب السلام علینا و استحباب السلام علیکم که مدلول ظاهر کلام رجوع
شیخ مفید و غیره است و نیز مرام مقتضی آنست که گفته شود که از جماعت اعاظم
مذکوره که انصراف از نماز بصیغه السلام علینا متحقق میشود و صیغه السلام علیکم
مستحب است در صورت اتیان بصیغه السلام علینا بوده باشد تقدیم بر السلام علیکم
بنابرآن هرگاه اقتصار بالسلام علیکم نماید خروج از نماز حاصل خواهد شد و آن واجب
خواهد بود پس احتمال الواجب نموده خواهد بود بخلاف کلام سید رضی و غیره
که کلام ایشان در تعیین صیغه السلام علیکم و عدم جواز عدول از آن اگرچه در صورت
اتیان بصیغه السلام علینا بوده باشد اظهر است لکن انصاف آنست که آن ظاهر
بالاضافه بکلام شیخ مفید مقنعه و مبسوط و خلاف ظاهر است اما نسبت بکلام
جامع ظاهر نیست و عبارته ان الرجوع در این مقام این است و التسلیم الواجب الذی
یخرج به من الصلوة السلام علینا و علی عباد الله الصالحین [illegible] السلام علیکم
[illegible] واجب مخرج در این صیغه محل تامل نیست [illegible] گفته شود این
مطلب در عبارت جامع اظهر است لکن در عبارت مقنعه و مبسوط و خلاف
مسلم نیست بخلاف کلام ناصریات [illegible] و غیره محل
کلام این اعاظم مذکوره کالصریح است در انکه مخرج از نماز واحد منحصر است در صیغه
السلام علیکم خواه در صورت تقدیم السلام علینا بوده باشد یا در صورت انفکاک
اتیان و اما کلام مقنعه و مبسوط و خلاف در حکم بانکه [illegible] السلام علیکم
ممکن است که گفته شود در صورت تقدیم السلام علینا است نه مطلقا پس
در صورت اقتصار بسلام علینا مخالفت نیست [illegible] ظاهر است بخلاف
صورت اقتصار بالسلام علیکم که مخالفت [illegible] بخصوص کلام جامع ظاهر است نه غیره
در این صورت

پس اقتصار بالسلام علیکم اولی از اقتصار بالسلام علینا [illegible] و ان
اقتصار [illegible] از دو صیغه که بوده باشد [illegible] در رجحان [illegible] و اوضح
[illegible] که مذکور شد مستحب است [illegible] رعایت [illegible] احوال
در حال سلام پس [illegible]
مقام اول [illegible] در وظیفه منفرد در حال سلام [illegible] اصحاب محل
خلاف است یعنی فقها [illegible] قول اول آنست که اتیان بصیغه سلام [illegible] در حالت
استقبال قبله [illegible] یمین خود [illegible] صدوق [illegible] در فقیه
دوم [illegible] انحراف [illegible] قلیل بوجه [illegible] از قول سید [illegible] انتصار
[illegible] سید در کتاب انتصار [illegible]
[illegible] قول اول [illegible]
[illegible] صدوق [illegible]
فلتسلم علیکم مرة واحدة و انت مستقبل القبلة و تمیل بانفک الی یمینک
قول سیم [illegible] که سلام منفرد [illegible] مذکور شد [illegible] اشاره
میکند [illegible] اقوال [illegible] مطلقا بلکه مطلوب [illegible]
استقبال [illegible] اقوال مذکوره [illegible] اقوال است پس [illegible]
[illegible] منفرد [illegible] در حال سلام [illegible] است اشاره
[illegible] مقام دوم در وظیفه امام است در حال سلام [illegible] خلاف
[illegible] صدوق [illegible] وظیفه امام آنست که [illegible]
[illegible] دوم آنست که [illegible] امام مطلوب نیست
مطلقا بلکه مطلوب اتیان [illegible] استقبال القبله [illegible] منفرد و امام
[illegible] و ظاهر [illegible] در [illegible] ثالث اقوال

این است که امام بصفه روی خود اشاره نماید باین جماعتی خود
وابن تعلیل سید الشریف در حمل العلم و انتصار و قول آن ادرش است
در شرح اینجا که در حق منفرد ضمیمه حاصل شده اند و ان قول تحقیق
و علامه و غیره ان است بابع اقوال آن است که امام و منفرد اشاره نمایند
بطرف الف لام است یعنی و ان قید بنحو طوریست در اقتصاد و ارجاع این قول بقول
ثالث ممکن است چنانکه در مقام اول مذکور شد قواعد مسیر درین مقام این است
که امام منفرد منفرد نکو نمیشد که صیغه را اشاره نماید باین یعنی و ان قول بیخ
طوریست در مصباح و ان نیز باین است در صوب و ان مطلب اگرچه در حق منفرد
مسلم است لکن در حق امام مسلم نیست بلکه مستحب است امام را قول اول است نفی منفرد
که بمعنی در حق امام آن است که بصفه روی را اشاره نماید باین یعنی خود دور
نیست حکمت در آن این بوده باشد چونکه بقصد او امام را الیه علیکم تعلق نگیرد ما موم را
و السلام بر آن است چنانکه شنیده از بعض نصوص بقصد بیشتر است تیمن نه تسامح است
سلام نوعی بوده باشد که تشخیص ما مومین شود که امام قصد آنها نموده پس
آن است که اشاره بصفه رو نمود و اما منفرد پس الکه منفرد است ملیک را
چنانکه بیان خواهد شد بنا بر آن جهت یا یاری صیغه نیست اما بگوید
کفایت نمیکند در این مقام سلام مقام ما در میان و ظیفه ما موم است در مقام تسلیم
بالجمله منعقد باینی فقها آن است که ما موم در صورتیکه جانب یسار او کسی
بوده باشد اکتفا نماید بتسلیمه واحده در جانب مستقبل نموده تعلیل
و بصفه صورت اشاره نماید باین یعنی امام و ما موم
در جانب یمین و تسلیمه و امام هرگاه در جانب یسار او کسی بوده باشد
در این صورت اتیان بسلام ثانی نماید و بصفه صورت اشاره نماید
بجانب یسار و وظیفه ما موم اتیان بتسلیمه واحده است در صورتیکه در جانب
یسار او کسی نبوده باشد و بدو تسلیمه مذکوره است در صورتیکه در جانب

ورجع علیکم ارتقیت خواهد شد

در بیان فی ضیعه ما موم در حال التسلیم

چنانکه

در سلام ما دام

بعداز

یسار او کسی بوده باشد و نیز ملاحظه آنکه صور این صدور قیام از دور راه بکر حاصل الحمد
شده امر است صیغه سلام در حق ما موم و منفرد
در جانب یمین امام سلام علیکم بر قصد اگر سلام امام و ما موم
است یعنی و با آنکه لکن بنا بر آنکه صورت کنی ضمیمه از آن جمله
از آن و صاحب نظر و مستند در سلام اگرچه حکم در روایات و حدیث وارد
لکن کفایت می‌نماید در حکم شرعیه اصلیه از معلوم نیست که حکم شرعیه آن
بعد از آنکه مقتضای عموم در جمله از نصوص معتبره خلاف آن است تتبع مقام
بعد از جمله مطلق اول است که نص و جمله آن است یعنی مطلق در صورتیکه
در جانب یمین کسی بوده باشد یا مطلق است اگرچه مقتضی است مقتضا را حدیث
که فرموده و سلم علی من علی یمینک و شمالک هم اقتضا می‌کند لکن ظاهر مطلق است
نظر باطلاق در جمله از نصوص معتبره و تصریح در کلام جماعت از اجله علما
لکن بنا بر آن است اگرچه مطلقا در حق یعنی بعضی مطلقا
معلوم است که ابا از حکم شرعیه اصلیه که اثبات آن کفایت نمیکند وجود
از آن اگرچه از جمله ما مومین نبوده باشد یا مختص بوده ما موم
که آن کس از جمله ما مومین بوده باشد اگرچه مقتضای صحیح فاق لم یکن
علی یمینه احد سلم واحده اول است لکن ظاهر آن است که حکم مختص ما موم
نظر بمقتضای نسق و در صورتیکه کان علی یمینک نظر به آنکه از سیاق
در جانب یسار کسی بوده باشد که در جانب یسار سلام اولی است
و معلوم است که اگر منفرد ما موم لکن آنکه در این مقام قول گردانیده
بنا بر آنکه مذکور شد وجود ما موم مطلق کفایت میکند در حکم شرعیه
سلام کفایت کند بلکه عقل شرعیه صدور سلام است از آن کس بنا بر آنکه
هرگاه فرض شود در جانب یسار آن کسی ما موم باشد لکن سلام از آن اولی است
یعنی صادر شود دلیل حکم شرعیه سلام که جانب یسار در حکم صورت

ما موم یمین

دو آن که کفایت میکند در حکم شرعیه اصلیه جانب یسار هم

جواب اولاً آن زمان گفت که وجود یک از ماموم در جماعت در که سلام
نماید لازم است معین بود که فات می شد در حکم تشریعیت سلام کافی است
اگر شخص متصل به این شخص ترک سلام کند معلوم نمی شود که اشکال متوجه است
در صورتی که فرض شود موجود در جماعت شخص یکی نباشد و آن ترک
سلام نماید فرض شود که شخص باشد که اخذ از آن تمامی موجوده در جماعت
بیان سلام کافی است باید پس باید حکم تشریعیت سلام کافی است در ضمن صورت — بیان م
متوان نمود و تحقیق در جواب از این اشکال این است که ایراد در صورت
متوجه است که حمل شود کلام معصوم علیه السلام که این است که سلام علیک
بر اخبار روایت صحیح نسبت نظر کرده اند که لازم می آید که علم — سلام کافی است م
تشریعیت توقف داشته باشد بعلم تحقق در سلام از کسی که در جماعت بوده
بوده باشد پس در صورت عدم علم لازم می آید که حکم تشریعیت آن نتوانیم
نمود اگر چه عالم بعدم نبوده باشد پس تشریعیت سلام کافی است منحصر
خواهد بود در صورت علم بصدور سلام از کسی که در جماعت [illegible]
بوده باشد اطلاقات نصوص وارده در مسئله و کلمات اصحاب [illegible]
منقوله در مسئله [illegible] پس صورت محتمل آن است [illegible]
صحیح اولی آن است که گوییم که اتیان السلام [illegible] در نظر که در جانب
ثانی دیگر است که سلام بر آن است و مطلوب است پس منافی در تشریعیت
بسلام کافی است بنا بر این مطلوبیه سلام است از کسی که در جماعت بوده باشد
جواز اتیان السلام نماید با خبر بنا بر این مطلق اشکالی وارد نیست
و از این تقریر منطبق می شود اشکال دیگر تقریر اشکال این است هرگاه سلام — بجواب م
در جماعت لیکن بجهة رد سلام کسی بوده باشد که در جماعت بود لازم می
آید که این شخص که در جماعت [illegible] اتیان السلام بر جماعت [illegible]
نموده باشد بعد از صدور سلام از کسی که در جماعت [illegible] پس لازم خواهد

ولیکن از آن
بود که این شخص عامل نماید بسلام از هر کسی که در جماعت [illegible] صادر شود
اتیان السلام کافی است بنا بر آنکه هرگاه فرض شود که وجود آنها که در صف
[illegible] بوده باشد [illegible] التحیة چه در اول صف الصلوة است بنا عمل
نماید در سلام کافی است [illegible] بسلام از وجود و نه بصدور سلام [illegible] اتیان — بسلام م
کافی است [illegible] و تحقیق آنکه شخص [illegible] عامل نماید به سلام از وجود
بصدور [illegible] و تحقیق هر گاه فرض کنیم — بوده باشد م
[illegible] شخص مسبوق [illegible]
[illegible] ماموم مسبوق [illegible] امام فارغ [illegible] شخص مسبوق [illegible]
[illegible] که در جماعت [illegible] ماموم مسبوق
[illegible] بعد از آن فارغ [illegible] السلام کافی است [illegible]
[illegible] اتیان السلام
[illegible] مستغرق واژه
[illegible] فارغ شود و آن [illegible]
در مسئله و کلمات [illegible] در صورت
بود که [illegible] حمل [illegible] شود
[illegible] پس
[illegible] بمطلب
حمل بر آن متعین است و اشکالات مذکوره مطلقه وارد نیست [illegible]
سیم در بیان آن است که این ایرادی مذکور [illegible] در حق امام بوده [illegible] ماموم [illegible] شود
در کلام [illegible] از صیغه سلام است [illegible] بعض کلمات [illegible]
در آن [illegible] مختلف است [illegible] صاحب جامع از آن است که [illegible]
در صیغه السلام علیک [illegible] در شرح [illegible] از کتاب مذکور
[illegible] فرموده اند جمع [illegible] کلمات آن [illegible] در شرح [illegible]
که مذکور شد [illegible] کلام آن [illegible] در مواضع مذکوره ذکر نمود
تا حقیقت حال کشف شود پس میگوییم [illegible] الصلوة [illegible]

بسلام م
بوده باشد م
در بیان آنکه کلام [illegible] باجابت [illegible]
منتفا بار کلام م
تعقیب

[illegible]

الشرط والترك والكيفية ولكل منها ضربان واجب ومندوب والفعل الواجب
ضربان ركني وغير ركني فالركني القيام مع المكنة الى ان قال وغير الركني قراءة الحمد
وسورة معها في الفرض للمتمكن المختار وتسبيح الركوع والسجود ورفع الرأس منهما وقراءة
الحمد او التسبيح في الثوالث والروابع وجلسة الفصل والجلوس في التشهد والشهادتين
والصلوة على النبي والصلوة على آله والتسليم و [illegible] منها اشتهره وقال بعد ذلك
في بيان الكيفيات المندوبة ما هذا لفظه والكيفيات المندوبة رفع اليدين الى شحمتي
اذنيه مع كل تكبيرة الى ان قال والايماء بالتسليم تجاه القبلة الى الجانب الايمن للامام والمنفرد
والى الجانبين للمأموم والى اليسار ان كان على يساره احد او حائط وينوي به الخروج
من الصلوة وعلى بعد ذلك التسليم الواجب الذي يخرج به من الصلوة السلام علينا وعلى
عباد الله الصالحين والمحقق [illegible] من الكلام الاول ان التسليم من الافعال الواجبة [illegible]
للصلوة وانه مما يتحقق به الخروج من الصلوة ومن الكلام الثاني ان التسليم الذي [illegible]
تجاه القبلة الى الجانب الايمن للامام والمنفرد هو الذي ينوي به الخروج من الصلوة ومن الكلام
الثالث ان التسليم الواجب الذي يخرج به من الصلوة هو السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين
فاللازم من الجميع ان السلام الذي يخرج به [illegible] هو السلام علينا كما لا يخفى
وبهذا هو الظاهر من موضع من المقنعة والمراسم قال في المقنعة في باب التشهد [illegible]
في صلوة الظهر والعصر والمغرب [illegible] صلاة الغداة السلام عليك ايها النبي ورحمة
الله وبركاته ويومي بوجهه الى القبلة ويقول السلام على الائمة الراشدين السلام علينا وعلى
عباد الله الصالحين وينحرف بعينه الى يمينه فاذا فعل ذلك فقد فرغ من صلوته
وخرج منها بهذا التسليم ومثله واوفق بلفظه الجليل في المراسم فقال في مقام بيان
التسليم في الصلوات المذكورة السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته ويومي بوجهه الى
القبلة السلام على الائمة الراشدين السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين وينحرف بعينه الى
يمينه وقد قضى صلوته وهذا الكلام [illegible] المفيد وتلميذه [illegible] ان الا[illegible]
المذكورة السلام علينا كما لا يخفى [illegible] ذكرا في مقام بيان السلام [illegible] زوال ما هو
[illegible] السلام عليكم قال في المقنعة ويسلم تجاه القبلة تسليمة واحدة يقول

در بيان اختلاف [illegible] در بيان [illegible] و كلام [illegible]

ويقول

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته ويميل على التسليم بعينه الى يمينه فاذا سلم فقد فرغ
من الركعتين وصل به الكلام وفي المراسم ويسلم تجاه القبلة تسليمة واحدة يقول
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته وينحرف بوجهه يمينا وفي ثم في ركعات كل ركعتين
تسليمة على كيفية ما رسم والجمع بين كلاميهما بعد امكان دعوى القطع بعدم [illegible]
[illegible] احد الصنفين [illegible] والآخر [illegible] ان [illegible] اراد [illegible]
ان الابتداء المذكور انما هو التسليم المخرج من الصلوة فان صيغة السلام علينا بعد
[illegible] وان [illegible] السلام عليكم [illegible] مذكور شد ظاهر [illegible] قول
در [illegible] اول [illegible] صيغه السلام علينا [illegible] السلام واجب مخرج از نماز
[illegible] وان [illegible] دوم [illegible] مخرج از نماز [illegible]
[illegible] دو صيغه مذكوره [illegible] اختيار [illegible] مخرج
[illegible] السلام عليكم را اختيار [illegible] مخرج [illegible] السلام
علينا را اختيار [illegible] مخرج [illegible] اختيار [illegible]
[illegible] را در [illegible] خواهد [illegible] شود [illegible] كلام
[illegible] الاشتراك [illegible] قولين
[illegible] الاعتقاد [illegible]
[illegible] السلام علينا [illegible]
[illegible] اختيار [illegible]
[illegible] السلام علينا [illegible] صيغه [illegible]
[illegible]
كه در السلام عليكم [illegible] خواه [illegible] بصيغه السلام علينا [illegible]
[illegible] قال في [illegible]
الشهيد [illegible] السلام علينا وغيره [illegible] القبلة

فاذا کنت اماما فسلم وقل السلام علیکم مرة واحدة وانت مستقبل القبلة
وتمیل بعینک الی یمینک فان لم تکن اماما فقل السلام علیکم وتمیل بانفک
الی یمینک وهکذا ورد فی الفقیه وهو الظاهر من سنة فیما ذکره فی ادا و المجالس
جملة الاصوات التی ذکرها انها ثابتة فی دین الامامیة وقال الشیخ الطوسی فی المصباح ثم یسلم
تجاه القبلة یومی بموخر عینه الی یمینه فیقول السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
وقال فی النهایة عند ذکر التشهد الاخیر فی مقام التسلیم السلام علیک
ایها النبی ورحمة الله وبرکاته السلام علی جمیع انبیاء الله وملائکته ورسله
السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین
ثم السلام علیکم حسب ما قدمناه انتهی و باین اشاره فرموده اند که در سابق
ذکر فرموده اند و آن این است فاذا فرغت من صلوتک سلمت فان کنت
وحدک سلمت مرة واحدة تجاه القبلة واشرت بموخر عینک الی یمینک
وان کنت فعلت ایضا مثل ذلک الا انک تومی ایماء بوجهک الی یمینک — الامامه
وان کنت ماموما سلمت عن یمینک مرة وعن یسارک اخری الی آخر جمع ما بین
دو کلام این است که در این کتاب اشاره فرموده که مقتضی تکرار سلام در حق — مقتضی این است
منفرد و امام در حق امام بلکه السلام علیکم است فی السلام علینا الی آخر
بایی فرموده اند در مصباح پس ظاهر از کلام فقها این است که ادنی
ما هو است که باید سلام بوده باشد در السلام علیکم — بوده باشد
تا السلام علینا و این مستفاد است از جمله نصوص وارده در سند و لکن
و مختار جمعی بر آن است که این وظیفه مشهور متبعه و کافی است مستحب است — در این مقام این است
در واجب و کافی است مستحب است در مستحب بیان این احکام این است — مستندان در مطالع الانوار مذکور است
هرگاه مصلی اقتصار نماید بر السلام علینا و اتیان نماید السلام علیکم نه مطلق
در این صورت امامی نخواهد بود و هرگاه اقتصار نماید بر السلام علیکم
نمود در این صورت این امامی مذکور مستحب است نه واجب مخواهد بود — یا جمع ما بین دو صیغه نمود با تقدیم السلام علیکم
دوم

بنابر مختار

بنابر مختار که وجوب تسلیم بوده باشد و هرگاه جمع ما بین هر دو صیغه
نمود با تقدیم السلام علینا در این صورت ایا مستحب است یا مستحب خواهد بود — در این حالت که مستحب است یا
مطلب هفتم در بیان آنکه مصلی اراده نماید از صیغه السلام علیکم — در این سلام علیکم مستحب است قصد نماید
بلکه بیان مشخص باشد که این لفظ مشتمل بر صیغه خطاب است پس قیاس مقتضی
آن است طبعا اراده آن است کلمات فقها در بیان این مطلب مختلف است از قوم
شیخ در مبسوط فرموده و من قال انه فرض فبتسلیمة واحدة یخرج من الصلوة وینبغی
ان ینوی بها ذلک وان نیته ینوی بها السلام علی الملئکة او علی من علی — که اراده
یسار وجمع صیغه فرموده اند تسلیم است ظاهر این است از این تسلیم السلام علیکم بوده باشد
پس حاصل اراده این کلام این است که حکم کرده به وجوب آنکه تسلیم السلام علیکم
تلفظ السلام علیکم یک مرتبه از نماز بیرون میرود در مرتبه ثانیه قصد میکند
آن است بر ملئکه را با قصد سکینه سلام بر ملئکه را با قصد سکینه این
سلام بر آنها که در جانب یسار او هستند مقتضای این کلام این است که این است
سلام اول علیکم دو مرتبه نماید بعد از آنکه از نماز فارغ میشود و در مرتبه ثانیه
قصد ملئکه نکند یا قصد نماید که آنها که در جانب یسار او هستند مقتضای
این کلام این است که قصد در سلام اول لازم نیست بلکه در سلام ثانی است و این کلام در
سلام ثانی محرز است ما بین آنکه قصد ملئکه نماید یا قصد آنها کسانی را که در
جانب یسار او هستند قصد نماید که این مطلب از جمعی قصد محل تامل است
اول آنکه مقتضای این کلام این است که این قصد در السلام علیکم که در مرتبه اول
مکرر نیست و نص صریح ظاهر این است که ضمنی نموده به مقتضای
کلام این است در مصباح و نهایه فرموده دوم آن است که مقتضای کلام مذکور
آن است که این مطلب در حق هر کسی این است که در مرتبه اتیان نماید سلام
با السلام علیکم مرتبه ثانیه ظاهر وجوب مرتبه ثانیه ظاهر استحباب ملاحظه و این مطلب
اگرچه مسلم است در حق ماموم لکن در حق امام و منفرد مسلم نیست سهم ضعف این کلام
این است که در جمله از کتب خود تصریح نموده است و در این جمله کلام اند صحیح در مبسوط فرموده ان

٢٧

بلکه در کتاب خلاف خلاف
این دعوی اجماع نموده
که مطلوب در جمیع احکام
و منقول نقد تسلیم
سنت هم
در این تعبیر هم

برخلاف این است سیم آنکه گفته کلام منقح آنست که این کس مخیر است در اینکه
قصد نماید ملائکه را یا کسانی را که در جانب یسار او هستند و این تخییر و تخصیص
هیچیک صحیح نیست و اگر کلام حمل شود در صحت تعمیم خصوص ماموم اگر چه این ادله
منع فی بیشتر ملکین را داخل و ثالث بر قرار است و اگر کلام حمل شود بمعنی واو
مطابقه تخصیص بیسار با وقت جملا عبارت مذکوره حمل بنا قسم است اگر چه
مرحوم علامه در نهایة الاحکام موافقت با این نموده قال و ینبغی ان ینوی
بها الخروج من الصلوة و بالثانیة السلام علی الملائکة او علی من علی یساره ملخص کلام
در این مقام این است که کلمات فقها در این بیان این مطلب مختلف است و حاصل اختلاف
راجع بچند قول است اول قول است که ظاهر میشود از مرحوم شیخ در مبسوط و علامه
در نهایة الاحکام و حاصل آن این است که در تسلیمه ثانیه قصد نماید ملائکه یا کسی را
که در جانب یسار او هستند قول دوم ظاهر میشود از کلام مرحوم ابی الصلاح و ابن زهره
فرموده است و الفرض ان یقصد بالسلام علیکم [illegible] و در غنیه و در کافی بعنی مجدا
واحد و الحفظة ان کان منفردا بالصلوة فتسلیمة واحدة تجاه القبلة و یشیر
ذات الیمین و ان کان اماما فواحدة تجاه القبلة علی الیمین و ان کان ماموما
فواحدة ذات الیمین و اخری ذات الشمال ان کان [illegible] و مقتضای
این کلام این است که منفرد مکلف است به ضمیر مخاطب جناب رسول صلی الله علیه و آله
و آل اطهار او بوده و حفظه از ملائکه است و این را قصد نماید در هر حال
واجب و ظاهر کلام این است که فرقی در این باب مابین منفرد و امام و ماموم
نیست بلی در تسلیم در هر سه حالت منحصر است در آنچه مذکور شد
وجه آن ثابت بوده باشد چونکه صلوات در تشهد مشتمل است بر اسم شریف
هر کدام از جناب و آل اطهار است منضافا به اصل مطلق [illegible] چنانکه
خواهند [illegible] تسلیم در الخصال مقصود در حق امام و ماموم است در آنچه مذکور
چنانکه بیان خواهند وجه مقصود بودن حفظه در این مقام ظاهر

ملائکه هم

کصفور

کصفور ایشان و اما وجه مقصود بودن هر کدام از حضرت و آل اطهار از جناب [illegible] بوده
این است بوده باشد چونکه مشتمل صلوات ثانیه در تشهد بر جناب و آل او بوده باشد هم
هیچ قدر کفایت میکند در قصد نمودن ایشان در این مقام و در ضمن صیغه السلام
علیکم قول سیم ظاهر میشود از مرحوم علامه در منتهی و حاصل آن این است که منفرد
قصد نماید ملکین را و امام علاوه ملکین قصد نماید ماموم را
و ماموم علاوه ملکین هر کسی که با او است [illegible] کلام از مرحوم در کتاب
مذکور در دو [illegible] قرار داده هر کسی که با ماموم است امام و کل ماموم بوده
باشد خواه با او در صف یکصف بوده باشد یا نه قول چهارم
قول است که ظاهر میشود از مرحوم علامه در قواعد و حاصل آن این است که امام و منفرد
قصد میکنند حاضرین را از ملائکه و مسلمین از انس و جن را و همچنین ماموم
لکن در یکی از دو صیغه که اتیان آن نماید و در صیغه دیگر قصد نماید امام را
چونکه مقتضای فرموده این است که ماموم هر گاه در جانب یسار او
کسی نیست اکتفا میکند بیک سلام و هر گاه در جانب یسار او کسی هست اتیان
نماید باثنین و ظاهر بصیغه سلام ثانیه عبارت از مرحوم این است یسلم المنفرد الی
القبلة [illegible] الی یمینه والامام بصفحة وجهه وکذا الماموم و لو کان
[illegible] و یومی بموخر عینیه الی یمینه [illegible] عن یمین
یساره احد یسلم ثانیة و یومی بصفحة وجهه عن یساره و یومی [illegible]
ذلک قاصدا به الملائکة و مسلمی الانس والجن والماموم ینوی باحدهما الامام
مقتضای اطلاق نیز ینوی باحدهما الامام ثبوت تخییر است در اینکه هر یک را خواهد
قصد امام نماید [illegible] نظر باطلاق فرموده [illegible]
و حینئذ و چونکه [illegible] صیغه در حق ماموم در صورتی است که در جانب
یسار او کسی باشد [illegible] در جانب یسار او کسی نباشد اکتفا بیک
سلام نماید در این صورت باید اراده از مرحوم این باشد که بهمان یک سلام قصد امام و غیر

قصد نماید هم
بعد از قصد [illegible]
که در آن نشده هم

امام و غیر امام خواهد بود و جهت آنکه قصد منحصر در امام بوده باشد لازم می آید
قصد بر ایشان منتفی باشد اولی آنست که بگوئیم مراد از ضمیر اینست که ماموم
بسبب سلام نماز باید باشد [illegible] بعضی وجه کاینست یعنی در صورتیکه در جانب یسار
او کسی بوده باشد و به دو سلام نماید در صورت با اشاره [illegible] یسار در سلام ثانی
در صورتیکه جانب یسار او کسی بوده باشد در سلام اول مقصود کسانی است
در جانب یمین بوده باشند و در سلام ثانی مقصود کسانی است که در جانب
یسار بوده باشند و اما امام پس ماموم مخیر است در قصد او در سلام اول
پس در این صورت مقصود در سلام اول امام و حضار در جانب یمین خواهند
بود یا در سلام ثانی پس قصد در سلام اول منحصر بغیر امام خواهد بود و محل
عنایت [illegible] وجه اولویت ظاهر میشود [illegible] حاصل افعال الخ
مشهور [illegible] شهید در دروس [illegible] حاصل آنست که [illegible] خواه امام بوده باشد
یا منفرد قصد میکند انبیا و ملئکه و حفظه و ائمه اطهار علیهم السلام را و ماموم
قصد میکند در سلام اول رد بر امام را و در سلام ثانی قصد میکند ماموین را
مقتضای این کلام اینست که ماموم مقصود امام نبوده باشد بنابراین پس قصد رد از
ماموین در سلام اول [illegible] خواهد بود [illegible] وجه آنکه منفرد و امام قصد
انبیا و ملئکه و حفظه و ائمه علیهم السلام میکنند و ماموم آن قصد را [illegible] میکند
[illegible] امام [illegible] اول و خصوص ماموین [illegible] وجه آن معلوم نیست پس کلام آن
[illegible] در بیان اولی [illegible] قال فی البیان ثم الامام یقصد التسلیم علی الانبیاء
والائمة والحفظة والماموین وکذا المنفرد الا فی قصد الماموین والموتم یقصد
بالاولی الرد علی الامام وبالاخری مقصد الامام وجه اولویت آنکه [illegible] ظاهر میشود
[illegible] افعال ظاهر میشود [illegible] از کلام [illegible] حاصل آنست [illegible] خواه امام
بوده باشد یا منفرد قصد میکند انبیا و ملئکه و ائمه علیهم السلام و حفظه [illegible]

ایشان و

و در آنکه [illegible] در سلام اول قصد [illegible] امام

برای که

منفرد قصد میکند
[illegible] ماموم بلا قصد رد امام هم میکند مقتضای آن کلام اینست [illegible]
الخ را که مذکور شد خواه کسی در آن بوده باشد یا نه و القای صیغه خطاب [illegible]
مخاطب است و ایضا قصد [illegible] در صورتیکه [illegible] سبب [illegible] علی الانبیاء
بحضور ایشان و اینها ثابت نیست قال فی الذکری یستحب ان یقصد الامام التسلیم علی الانبیاء
والائمة والحفظة والماموین لذکر اولئک وحضور هؤلاء والصیغة صیغة خطاب
والماموم یقصد باولی الرد علی الامام الا ان قال [illegible] ویقصد الماموم
بالثانیة الانبیاء والائمة والحفظة والماموین واما المنفرد فیقصد بتسلیم ذلک
ولو اضاف الی ذلک قصد الملئکة اجمعین ومن علی الجانبین من مسلمی الجن والانس
کان حسنا انتهی کلامه و مراد بکلام ان [illegible] لذکر اولئک و حضور هؤلاء اشاره
[illegible] مستحب
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

که مذکور شد و

متبین بوده

حاضر سازد در قلب خود آن وقت الفاظ صیغه خطاب را به ان
زیرا که کلام ان را خطاب هرگاه مستند در ان ... یعنی دلیلی بوده که
دلالت کند بر اینکه باید مصلی قصد نماید انبیا و ائمه و ملائکه و مکلفین از السلام علیکم را
لکن این خود دلیلی تا حال ندیده ام مگر ان کلام این است که بگوئیم اما در السلام علینا
و علی عباد الله الصالحین چنین قصد نماید که سلام [illegible]
~~[illegible]~~
علینا را عباد الله الصالحین فاطمه انبیا و ائمه طاهرین و ملائکه و فاطمه مصلی از السلام
و جمیع خواه مصلی منفرد باشد یا امام باشد یا ماموم و اما اراده از صیغه متکلم مع الغیر در
علینا پس ظاهر چنان است که امام اراده نماید خود و ماموم را و اما ماموم هر یک
از ماموم پس بهتر چنان است که اراده نماید خود و امام و سایر ماموم را
و اما منفرد پس اگر دیگری موجود باشد در ان که مشغول نماز است چنانچه
ان است که اراده نماید خود و هر کس را ... با او هست و اگر هیچ کس در ان
مکان نباشد ... خود را تنها اراده نماید ... هر کسی را
که خواهد با خود ... اراده نماید و اما در صیغه السلام علیکم پس چنان است
که عمل نمودن بمقتضای حدیثی که در ... صدوق ... عمل ... لیکن ...
... که منفرد در صیغه السلام علیکم قصد نماید دو ملکی
که مستحفظ او ... امام ... قصد ... و اراده نماید فاطمه
ماموم را که باید اقتدا کرده اند و اما ماموم پس هر یک ... بصیغه مذکوره
قصد رد سلام ... چنانچه ... افتتاح ... السلام ... قصد رد
... امام ... مذکور ... که امام در صیغه مذکوره ... سلام ... فاطمه
ماموم ... پس رد سلام ... قاطبه ... مطلوب ... و این
مطلب ... از حدیث مذکور ... استفاده ... از حدیث ... که فرموده
اما کیفیت تسلیم ... تسلیمة عن یمینک ... غیر ... لان من

نحو مذکور تصحیح ان
و موده ایم

استفاده م

... رکن ... علیک ... خصوص ... بودن ... مسلم ... مطلقا ...
مطلوبیت رد سلام ... علاوه مطلوبیت رد قصد رد سلام ... تمام ماموم
... امام ... قاطبه ماموم ... هر یک از ماموم ... مستحفظ
مطلوب خواه ... مطلوب ... افتتاح رد سلام ... بالاضافه ... ملکی که مستحفظ
هر یک از ماموم است ... بالاضافه ... ملکی که مستحفظ امام است ... هر یک از ملکی که
ماموم قصد رد سلام ... امام ... چنانکه قصد ابتدای سلام نسبت به دو ملکی
مستحفظ خود ... ملکی که مستحفظ امام است ... اولا
صف ... ابتدای سلام ... که در جانب ... اولی
از ماموم چنانکه مستفاد میشود از ... مطلب از تعلیل ... در حدیث ... و همچنین
قصد سلام ... نسبت به دو ملکی که مستحفظ ... در جانب ... نسبت
چنانکه مستفاد میشود از حدیث ... وظیفه ماموم قصد رد سلام ... مستحفظ
بامام و قصد افتتاح در سلام ... نسبت ... ملکی ... مستحفظ خود ... نسبت دو ملک
امام ... که منفرد ... در اول صف ایستاده باشد ... اما
هرگاه در اول صف ... در ان صورت علاوه ... قصد ابتدای
سلام را نسبت ... در جانب ... چنانچه ... قصد ... از ...
نسبت ... در ... ماموم ... ابتدا ... غیر از ماموم که
تنها ایستاده باشد یا اول صف ایستاده باشد ... امام
دوم ملکین امام سیم ملکین خود ... ماموم دیگر که در جانب ... اوایل
پنجم دو ملک که مستحفظ ... ایشان ... ایستاده باشد
قصد سلام ... ملک ... هرگاه دو ...
باشد ... فصاعدا بوده باشد ... قصد ... نسبت ... واما هرگاه

را بیدایم

ماموم شود البته باید در صف البته باشد حسبما علیه ودراین صورت
[illegible] اگر یکی ندا و دو اقتضا ما انچه مذکور شد در سلام اول ماموم
بوده باشد کافیست درضمن ماموم مطلوب سلام ثانی [illegible] واین در
صورتی است که در جانب یسار او یکی از مامومین بوده باشد ودراین صورت
مستحب است که ایشان بسلام ثانی [illegible] ماموم [illegible] ان ماموم شود که در جانب
یسار است و دو ملک او خواه متعدد بوده باشد یا نه اما قصد مع الیسار
پس مستفاد میشود از صورت جمیع مذکور چنانکه همین قصد و قصد ملکین او مستفاد
میشود از صورت عمل بانکه جمیع انچه که مذکور شد از قصد میشود در جمیع تسلیم سلام
بر ملکین را و همچنین امام ملکین و مامومین را و قصد ماموم تفصیلی که مذکور شد کل اینها
محمول بر استحباب است [illegible] قصد رد امام بر امام ظاهر این است مسئله محل
اشکال بلکه محل خلاف بوده باشد [illegible] شهید و قول بوجوب که شهید
ثانی [illegible] نور الله روحه در [illegible] شرح ارشاد حکایت نموده ظاهر این است
که موجب [illegible] کلام مرحوم شیخ شهید قدس الله تعالی روحه السعید در ذکری
بوده باشد ظاهر این است که این محمول بر ظاهر خبر باشد چنانکه در [illegible]
[illegible] ممکن است ماخذ کلام شیخ شهید کلام شیخ صدوق [illegible] باشد در فقیه
نظر باشد [illegible] لفظ او فرموده وان کنت خلف امام فسلم تجاه القبلة واحدة
ردا على الامام وتسلم على يمينك واحدة وعلى يسارك واحدة الا [illegible] وجوب
[illegible] اشکال [illegible] در کلام [illegible] بسیار در مثل این مسئله که احوال
تصریح بوجوب [illegible] که حکم باستحباب [illegible] در این مقام محل
تامل [illegible] لکن [illegible] در این مقام [illegible] که حکم باستحباب [illegible] قول
باستحباب [illegible] محل اشکال نیست واما بنا بر قول بوجوب [illegible]
ان است که حکم باستحباب قصد مذکور [illegible] احتیاط [illegible]
مقتضی ان است که گفته شد بنا بر قول [illegible] که وجوب لم بوده باشد

لم واجب

لم واجب نخواهد بود بنا بر انکه بگوئیم [illegible] مستحب است در ضمن [illegible]
قصد رد امام باید پس لازم [illegible] صیغه سلام [illegible] متصف بوجوب باشد
[illegible] متصف بوصف وجوب بوده باشد و هم متصف بوصف استحباب
از این حیثیت که جزء [illegible] واجب واز این حیثیت که باین قصد
رد سلام امام [illegible] مستحب و همچنین است حال [illegible] در ضمن امام نظر بانکه
نیت سلام [illegible] بر ماموم [illegible] صیغه مستحب و حال انکه اصل [illegible] واجب
از این جهت که توصیه سلام [illegible] بر مامومین مستحب است [illegible] در خارج [illegible]
[illegible] و حال انکه جزء واجب [illegible] و همچنین است حال [illegible] قصد مذکور
نیت ملکین و اطلاع [illegible] جواب
بنا بر قول بوجوب [illegible] جایز نباشد [illegible] حکم باستحباب این شود
از این اشکال این است که [illegible] بنا بر قول بوجوب [illegible] صیغه مذکوره
لم و تعیین السلام علیکم واما بر قول بوجوب [illegible] در صورتیکه ایشان بالسلام علیکم
و صیغه السلام علینا [illegible] اشکال وارد [illegible] واجب [illegible] السلام علینا
[illegible] ایشان بالسلام علینا [illegible] در این صورت [illegible]
[illegible] السلام علیکم در این صورت مستحب [illegible] تقدیم ان
[illegible] اشکال در صورت [illegible] السلام علیکم [illegible] در صورت [illegible]
[illegible] جواب از اشکال [illegible] صیغه السلام علیکم [illegible] خطاب [illegible]
[illegible] قطعا [illegible] صیغه
صیغه خطاب [illegible] مخاطب [illegible] الواقع مخاطب [illegible]
بوده باشد خواه [illegible] بوده باشد [illegible] عدم اراده
اراده ان باید [illegible] اللفظ [illegible]

مخالف مقصد آن نمی شود که صیغه خطاب از صیغه خطاب
بودن خارج شود نه اینکه آن صیغه فی الواقع شامل مخاطب نشود
مثل سعی الفاظ ولیست شده و صلوة بایں معنی که شمول صیغه خطاب
خطاب موقوف شد بر اراده کردن خارج آن مخاطب را
قطعا صحیح نیست مثل آیات حمد و سوره و سائر اذکار و ادعیه
موظفه در نماز که مکلف و مدلول معنی را با شعار آنست بر آن
این الفاظ آن الفاظ بر آن مدلول نیست خواه کسی اراده بکند الا
مدلول را او آن الفاظ یا نه پس اگر این مطلب صحیح شد میگوییم
بیش فصل شارع السلام علیکم را در او نماز قرار داده شخص مستطیع نظر
شارع قرار بوده که صیغه خطاب در نماز استعمال شود و اصل آن لفظ
کرده اینکه مستعمل شده بجهة امتثال احکام شود دلالت کردن آن لفظ
حوله کسی نارو مدلول آن لفظ فی نفسه در صورت مقرون بمدلول
اراده نماید آن مدلول را بانه مثل سائر الفاظ و ... در صلوة
پس بگوییم السلام علیکم در نفس شود ملکی اوست و در نفس امام ملکی او
و مکذا خواه اینکه عالم باشد بجهة ... تلاوت لفظ امتثالا
بشود ملکی مستعمل ... از اراده نماید مجملا واجب لفظ السلام علیکم
که در معنی مذکور مستعمل بجهة ... از اراده آن ...
نیست ... مذکور واجب ... اراده آن از لفظ در این مقام
مانع و ... نیست اصلا ... آنها ...
و اراده ... اصلا ... مذکور ... اگر
چه اشکال مذکور وارد نیست لکن حکم ... مخاطب السلام علیکم
در نفس شود ملکی اوست و در نفس امام نیز ملکی اوست تا مومنین

یعنی این که شارع قرار داده و ... مخاطب ... مومنین ...
که بیان شد مفصل محتاج است بدلیلکه اغماض ... توان نمود
فرق ... مابین این مقام و مقام اموری ... که ... در ادله ...
و توان نمود این مقام مقام بیان نفی ... که شارع لفظ ... نموده
که مکلف استعمال در آن نماید نسبت ... و کذا و نسبت ... اما
کذا و نسبت ... کذا با اختلاف ... در بیان
آن معنی ... در ... ظاهر شد پس ... در این مقام بیان ... آن
مطلب ... اقوال مذکوره ظاهر ... که اختیار ...
کفهم ... صحیح ... روی ... حدیث ...
و نقل کلام در ... آن ... احمد بن محمد رضی الله عنه
... روی ... الصدوق ... علی بن احمد بن محمد ... حدثنا ... اسمعیل
قال حدثنا محمد بن ابی عبد الله ... الکوفی قال حدثنا محمد بن اسمعیل
البرمکی عن علی بن عباس قال حدثنا القسم بن الربیع الصحاف عن محمد
بن سنان عن المفضل بن عمر قال سالت ابا عبد الله علیه السلام عن العلة التی
من اجلها وجب التسلیم فی الصلوة قال لانه تحلیل الصلوة قلت فلای
علة یسلم علی الیمین ولا یسلم علی الیسار قال لان الملک الموکل یکتب
الحسنات علی الیمین والذی یکتب السیئات علی الیسار
والصلوة حسنات لیس فیها سیئات فلهذا یسلم علی الیمین دون
قلت فلم لا یقال السلام علیک والملک علی الیمین واحد ولکن ... السلام
علیکم قال لیکون قد سلم علیه وعلی من علی الیسار وفضل صاحب
الیمین علیه بالایماء الیه قلت فلم لا یکون الایماء فی التسلیم بالوجه
کله ولکن کان بالانف لمن یصلی وحده وبالعین لمن یصلی بقوم ...

فقال حدثنا محمد
الا ان طه
یسلم

لان تعقيبا لملكين فمن ادام الله تعين فصاحب اليمين على الحسنات
الامين ويسلم المصلي عليه ليثبت له صلوته في صحيفته قلت فلم يسلم
المأموم ثلثا قال يكون واحدة ردا على الامام وتكون عليه وعلى ملكيه
وتكون الثانية على يمينه والملكين الموكلين به وتكون الثالثة على من
على يساره وملكيه الموكلين به ومن لم يكن على يساره احد لم يسلم على
يساره الا ان يكون يمينه الى الحائط ويساره الى المصلي معه خلف
الامام فيسلم على يساره قلت فتسليم الامام على من يقع قال على ملكيه والمأمومين
يقول لملكيه اكتبا سلامة صلوتي لما يفسدها ويقول لمن خلفه سلمتم
وامنتم من عذاب الله عز وجل قلت فلم صار تحليل الصلوة التسليم قال
لانه تحية الملكين وفي اقامة الصلوة بحدودها وركوعها وسجودها وتسليمها
سلامة للعبد من النار وفي قبول صلوة العبد يوم القيامة قبول سائر اعماله فاذا
سلمت له صلوته سلمت له جميع اعماله وان لم تسلم صلوته وردت عليه رد
ما سواها من الاعمال الصالحة فتعقل اما علي بن احمد بن محمد فالظاهر ان
مجهول لما في نسخة العلل التي عندي رضي الله عنه والظاهر علي بن احمد بن موسى لما ذكر
في مشيخة الفقيه في طريقه الى حديث سليمان بن داود وقال وما كان فيه من حديث سليمان
بن داود وعدالة في معنى قول الله عز وجل فطفق مسحا بالسوق والاعناق فقد
رويته عن علي بن احمد بن موسى عن محمد بن ابي عبد الله الكوفي عن موسى بن عمران وذكر
الفاضل الاسترابادي في رجال علي بن احمد بن موسى ونقل الدقاق روى محمد بن
علي بن بابويه عنه عن محمد بن ابي عبد الله وغيره مترضيا وفي نقد الرجال علي بن احمد
بن موسى من مشايخ الشيخ محمد بن علي بن بابويه [illegible] في العلل الظاهر انه الضعيف
فالظاهر انه علي بن احمد بن موسى وذكر شيخنا الصدوق كثيرا مترضيا دليل على
[illegible] انه ثقة واما محمد بن ابي عبد الله فالظاهر انه محمد
جعفر بن محمد بن عون الاسدي ابو الحسين الكوفي وذكر ابن شهراشوب [illegible] محمد
ابي عبد الله كان ثقة صحيح الحديث الا انه روى عن الضعفاء وكان يقول بالجبر والتشبيه

في رجال النجاشي انه احد الابواب واما محمد بن اسمعيل البرمكي فقد وثقه النجاشي
وقال العلامة بعد ان حكى عن ابن الغضائري تضعيفه قول النجاشي عندي ارجح
واما علي بن العباس فهو مجهول الحال واما القاسم بن الربيع الصحاف فعن ابن الغضائري
انه ضعيف في حديثه غال في مذهبه لا التفات اليه پس حديث ضعيف است
نظر باشتمال سند آن بر چند مجهول و ضعيف و علاوه بر اشتمال سند محمد بن سنان
ومفضل بن عمر لکن دور نیست که [illegible] سهل باشد اعتماد بر این حدیث در مدلول
آن که مراد از مخاطب [illegible] خطاب بمدلول علیه حمل نتوان کرد
[illegible] مراد از ملک مصلی خواه منفرد بوده باشد یا امام یا مأموم دو ملک را
که حفظ او میکنند نظر باین حدیث قائل بران شده وقد
مشترک میان جمیع افعال سابقه است پس حدیث نسبت بان مطلب است
اصحاب است لکن منفرد و اقتصار [illegible] بلفظ [illegible] و علاوه بر ان
مستفاد ظاهر نیست و اما امام پس سلام [illegible] و ملکین خود قصد [illegible] قاطبه مأمومین را
و مجموع و القای صیغه خطاب [illegible] استفاده نسبت [illegible] اراده ملک
مذکور شد و اما نسبت بمأموم پس نصوص معتبره [illegible] اول حدیث [illegible] التفت
بانه [illegible] در وقت فراغ در [illegible] حدیث مذکور [illegible] فقال السلام علیکم
فاذا الصفوف من الملئکة والمرسلین والنبیین فقیل یا محمد سلم علیهم فقال السلام
ورحمة الله وبرکاته و موثقه ابو بصیر [illegible] قال قلت لابی الحسن علیه السلام
صلیت بقوم صلوة فقعدت للتشهد ثم قمت و نسیت ان اسلم علیهم فقالوا
ما سلمت علینا فقال الا سلمت علیهم [illegible] حتی قالوا [illegible] فاستقبلتهم
بوجهک فقلت السلام علیکم و اما مأموم پس [illegible] سلام اول قصد ملکه
[illegible] و ملک خود و امام را [illegible] بوده [illegible]
[illegible] اورا علاوه بر قصد دو ملک و امام
[illegible] بوده باشد [illegible]

و در سلام [illegible] قصد [illegible] الا که در جانب راست او بوده باشد
و هرگاه در جانب راست او کسی نبوده باشد اقتصار نماید
لان سلام اول مستدان [illegible] مر [illegible] و در [illegible] شد
که [illegible] الکتفا نموده اند در حکم شرعیه سلام [illegible] دوم
در جانب [illegible] موجود [illegible] در ان [illegible] نبوده
باشد موافق [illegible] بوده [illegible] ان [illegible]
[illegible] شهید [illegible] و [illegible] در [illegible] شد [illegible]
[illegible] بوده ام و اما [illegible] در [illegible] [illegible] شد
مذکور [illegible] ان [illegible]
و [illegible] الا ان یکون [illegible]
[illegible] لا المصلی مع [illegible] الامام [illegible]
[illegible] الاعتبار [illegible]
[illegible] اصح [illegible]
[illegible] الا المصلی [illegible] الامام [illegible]
در جانب او کسی بوده باشد پس [illegible] عدم [illegible]
[illegible] منهج دوم در بیان افعال [illegible] متعلقه بنماز [illegible]
بر [illegible] مشتمل [illegible] و در [illegible] نماز [illegible] سه فصل
فصل اول در [illegible] که [illegible] بر نماز [illegible] اول [illegible]
[illegible] از دخول وقت صلوة بوده باشد [illegible] و ان چند چیز اول
[illegible] از دخول وقت [illegible] بتفصیل امور [illegible] متوقف [illegible]
[illegible] نماز [illegible] در اول وقت [illegible] الاکبر
[illegible] الصلوة [illegible] الطهارة [illegible] وقتها [illegible]
[illegible] از دخول وقت [illegible] مقصود اتیان بصلوة

ان [illegible] کردم
ذکر [illegible]
[illegible]
[illegible] سه [illegible]
در اول وقت بوده باشد

دوم [illegible] مسجد [illegible] ایشان [illegible] در ان [illegible] دو [illegible]
[illegible] بامام [illegible] کسی [illegible] مسجد برود
[illegible] قدم [illegible] جزو [illegible]
[illegible] ادب [illegible]
بیان [illegible] اذان و اقامه [illegible]
نماز [illegible] اللهم [illegible]
[illegible] واقوم [illegible]
والا [illegible] و اصل [illegible] اذان و اقامة
[illegible] اذان [illegible]
[illegible] و اقامه [illegible] سنت [illegible]
قیام [illegible] تکبیرات [illegible]
و ان [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible] تکبیرات
[illegible] تکبیرة [illegible]
[illegible] تکبیرة الاحرام
تکبیرة الاحرام قرار [illegible] تکبیرة [illegible]
قرار [illegible] تکبیرات [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]
از [illegible] فصل دوم [illegible] و تکبیرة
[illegible] در [illegible]
نماز [illegible] لا لفظ
الاحرام [illegible] و رکوع و [illegible] و تشهد و [illegible]
مباحث [illegible] مقصود [illegible] بیان [illegible]
امور [illegible] بیان [illegible] قنوت [illegible] در
بیان [illegible] کلام [illegible] اول در بیان
[illegible] القنوت

[illegible] حاصل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
وهرگاه تکبیرة [illegible]
تکبیرة الاحرام قرار [illegible]
[illegible] اول [illegible]
[illegible]
[illegible] بیان [illegible]

الصلوة

الطاعة هذا هو الاصل ومنه قوله تعالى والقانتين والقانتات ثم سمى القيام

قنوتا مقتضای این کلام آنست که قنوت حقیقت در طاعه و مقطع است و صاحب قاموس

در جلی تفسیر لفظ قنوت شش معنی ذکر نموده اول طاعه دوم سکون سیم دعا

چهارم قیام در صلوة پنجم امساک از کلام و صاحب مغرب اقتصار کرده است

بر سه معنی از ان معانی خمسه که عبارت از طاعه و دعا و قیام در صلوة و حکم کرده برانکه

اشهر ان معانی دعاست و صاحب غریبین که احمد بن محمد ادیب هروی بوده باشد از جمله معانی قنوت

خشوع را ذکر نموده بنا بر این ممکن است حدیث مشهور افضل الصلوة ما طال قنوته حمل نمود

بکی از سه معنی اول دعا یعنی بهترین نمازها نمازی است که طول در دعای آن بیشتر بوده باشد

دوم قیام یعنی بهترین نمازها نمازی است که قیام در آن بیشتر بوده باشد و باید قیام خواه

در ضمن قراءة بوده باشد یا در ضمن دعا یا در ضمن هر دو سیم خشوع یعنی بهترین نمازها

نمازی است که خشوع در آن بیشتر بوده باشد و معنی اول انسب است باعتبار اقوالی چنانکه

اول اوقات بحسب لفظ اقرب است الحمد لله مذکور شد در معنی لفظ قنوت و بود در لغت

لغه و اما در شرع پس کلام در تفسیر آن مختلف است صاحب مدارک چنین تفسیر فرموده

ان ذکر مخصوص است در موضع معین از نماز و شیخ بهاء الدین محمد تبدیل نموده ذکر را

بدعا چنین فرموده ان دعاست در اثنای نماز در محل معین خواه با رفع یدین

بوده باشد یا نه و این اقرب است بنظر بلفظ شیخ مقام و در اراز مختار شیخ اینست

که گفته شود که تنبیه شود بر وجه فرق میان ذکر و دعا تا متضح شود

فرق ما بین تفسیرین پس میگوییم انچه ظاهر میشود از کلمات جماعتی از علما

فقها اینست که ذکر کلامی است که دلالت کند بر مدح و ثنای حضرت احدیت

جل شانه و اما دعا پس استعمال میشود در دو معنی اول خاص است و آن کلامی است

مشتمل بوده باشد بر طلب [illegible] واز دانست عطاء مثل قوله واقوانا و

اعفونا و لا باشا و اجهلنا و اعافنا و اقوانا و ثانی اعم از انست از ای

نبیل است کلام بسیار از فقها که فرموده اند مستحب است دعا قبل از ذکر کوع

و کون اول نمازهاست با اللهم لک رکعت و لک اسلمت و بک امنت الی

جماعة منهم ابو الصلاح

اخر و اما دوم اشارة است با این اللهم لک سجدت و بک امنت الی اخره

و همچنین فرموده اند دعا میخوانند در وقت قیام از رکوع و ان اشاره است

بان بحول الله و قوته اقوم و اقعد و لهذا حمل انچه ظاهر میشود از انست که مبنی

معنا و ذکر عام و خصوص است دوم اینست اقتران دعا از ذکر در مثل اغفر لنا و لا تنا

و اما تنا و اهل یدنا جمیعا و افتراق ذکر از دعا در مثل الله اکبر و لا اله الا الله

و ماده اجتماع مثل کلمات فرج لیعادت مثل کلمات فرج لا اله الا الله

الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم الی اخره بعد از انکه این مطلب منقح شد

میگوییم مقتضای تعریف اول جواز اجتزاء است در قنوت مثل الله اکبر

و دون ثانی و مقتضای تعریف ثانی جواز اجتزاء است مثل اغفر لنا و لا اما تنا

و اما تنا و اهل رحمنا و رفقنا و فقنا درهر یک از دو تعریف و اینست مختار بندی

بحث دوم در حکم محل قنوت است بدانکه مشهور ما بین فقها انست که محل قنوت

در غیر از رکعت ثانیه صلوة جمعه بعد از فراغ از قراءة سوره و قبل از

رکوع است خواه در رکعت اولی بوده باشد مثل صلوة جمعه یا رکعت ثانیه مثل ما علیه صلوات الخمسه

و در صحیحه محقق در معتبر قائل شده اند بتخییر ما بین تقدیم و تاخیر اینان بقنوت

قبل از رکوع و بعد از رکوع با افضلیت تقدیم و شیخ شهید ثانی اختیار این قول

نموده مختار قول اول است پس ما اضرار از رکوع جایز نیست مگر در صورت

قضا چنانکه مفصلا بیان خواهد شد و رکعت ثانیه نماز جمعه قنوت

باید و ترتیبا بر انکه محمد علی بعد از رفع از رکوع را بوسطی در وتر قنوت باشد

چنانکه نقل او فرموده با آن محقق در معتبر و علامه در تذکره و منتهی

خود شهید ثانی در روضه نیز آنچه محقق از دو میخورد [illegible] تامل

فرموده فرموده است قنوت بودن این دعا ثابت نشده است

که قنوت در ان

بعد از رفع راس

از رکوع است

لکن ضم [illegible]

[illegible] از اداری

و [illegible]

مگر انکه گفته شود که

مراد از نصوص عموم

بعضا از محل قنوت

مبحث ششم در حکم قنوت است علما اختلاف کرده اند فقها در حکم
قنوت بسه قول اول قول بوجوب قنوت است در اثنای صلوة مطلقا
خواه در صلوات جهریه بوده باشد یا اخفاتیه این قول ابن بابویه صدوق است
و از صوم شیخ ... این قول را اختیار فرموده قول دوم قول باستحباب
قنوت است مطلقا و این مشهور ما بین فقهاست قسم سیم تفصیل است ما بین صلوات
جهریه که قنوت واجب است در آن و صلوات اخفاتیه که مستحب است
فصل این قول را نسبت داده اند بابن ابی عقیل مختار استحباب قنوت است
در جمیع صلوات مفروضه بوده باشد یا نبوده و اظهر بوجه بوده باشد
یا غیر موسعه ... قنوت در هیچ نماز مستحب ... مگر در صلوة جمعه
که ظاهر این است در کیفیت ... واجب بوده باشد چنانچه در مبحث
صلوة جمعه بیان خواهد شد انشاء الله تعالی یعنی در صورت وجوب
صلوة جمعه و اما در صورت عدم وجوب صلوة جمعه منتفی است انتفای
وجوب جمعه ... منتفی ... انتفای آن است لا بخصوصه از
اجزای آن مبحث چهارم در بیان ... قنوت و توسعه در ادعیه قنوت است
مستفاد از احادیث و کلام اصحاب آن است که هر دعا که خواهد میتواند اکتفا نمود در صحیح
عن اسمعیل بن الفضل قال سألت ابا عبد الله علیه السلام عن القنوت و ما یقال فیه قال
ما قضی الله علی لسانک و لا اعلم فیه شیئا موقتا ... سوال کرد از کیفیت اسرار
و دقایق قضا حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از قنوت و آنچه گفته میشود در حال
قنوت حضرت در جواب فرمودند قنوت هر دعا است که جاری شود و مقدر است
... علیه و بر زبان ... دعای را که در آن ... باشد یعنی دعای ...
... که ... نمیتوان نمود پس ... بوده باشد اکتفا
... معتبر در قنوت ... مصداق دعا ...

لیکن بشعر اکتفا نمیتوان نمود ... در آن علاوه ... شده است
و ... افضل الصلوة ما طال
قنوتها بهترین نمازها آن است که قنوت در آن طویل بوده باشد و اما در جانب
قلت پس آنچه مستفاد از اخبار گشته شده اول ... صحیح است که فرموده
مخیر گردانیده اند ... در قنوت اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا و اعف عنا فی
الدنیا و الآخرة انک علی کل شیء قدیر دوم ... که در فعل ...
ما ... هدی ... حضرت امام رضا علیه السلام ... و الثالث ... عادت آن
مقتدای ... امام آن بوده که قنوت آن ... در جمیع صلوات ... اللهم اغفر و ارحم ...
عما تعلم انک انت الاعز الاجل الاکرم ... که ... قنوت
کرده ... در مقام جواب ... اذا ... قنوت که فرموده ... تسبیح ... قنوت
آن است که پنج ... تسبیح ... چهارم ... که ... تسبیح
کرد فرموده ... در قنوت ... تسبیح ... آنکه ... فرموده
اقل ارکان ... روایت شده در آن ... محقق ... فرموده
کما ... قنوت ... تسبیح ... آن مذکور ... در ... شیخ شهید ... در کتاب
فرموده اقل قنوت ... تسبیح ... شده اما مستند
... قال ... در کتاب ...
پس ... مستفاد ... جواز آن ... آنکه ...
... نظر ... بسم الله الرحمن الرحیم اعظم ... علاوه ...
در زبان ... روایت ... عمر ...
سلیمان قال کتبت الی الفقیه اسأله عن القنوت فکتب اذا کانت ضرورة
شدیدة فلا ترفع الیدین و قل ثلث مرات بسم الله الرحمن الرحیم ...
... ضرورت ... لکن ظاهر ان ...

دراقسام

در وانقی ... ریعه ... فیصل ... نسبت ...
که قنوت ...
افضل ... و ... در ... و علاوه ...
تسبیح ... نمود ...
در ... بسمله ... نمود

حالت تقیه وغیر ما در ان ساقط شود . باشد ولهذا از بعض کرده فی
بعض فرموده اند اکتفی بصلوة بسمله شود [illegible] مقتضای صحت مذکور کنیم
قنوت است اکتفی بسمله نشده لکن مقتضای الخبر مذکور شد ان است
که ادنی قول که بان قنوت تحقق شود قول سبحان الله است سه مرتبه یا قول
سبحان الله [illegible] مرتبه قال فی الذکری والاولی ان یقول فی القنوت
علی الجملة حمد الله والثناء علیه والصلوة علی نبیه واله والدعاء لهم [illegible]
الاصح انها [illegible] باشد که بهر کدام از اینها [illegible] وصلوات [illegible]
تواند بود بلکه [illegible] مقصود قنوت کامل بوده باشد قال الشیخ الصدوق
فی الفقیه انما [illegible] القنوت [illegible] منها ان یقول رب اغفر وارحم وتجاوز
عما تعلم انک انت الاعز الاکرم ومنها ان یقول سبحان من دانت له السموات
والارض بالعبودیة ومنها ان یسبح ثلث تسبیحات [illegible] مذکور شد
ظاهر شود که اقتصار کردن در تعیین قنوت [illegible] از ذکر و دعا
خوب نیست بلکه [illegible] جمع نمود ما بین هر دو [illegible] که قنوت ذکر مخصوص
با دعای مخصوص [illegible] عدم صدق دعا بر بسم الله
الرحمن الرحیم و سبحان الله بخلاف [illegible] اللهم اغفر لنا ولآبائنا بخلاف
دعا الحمد لله مذکور [illegible] قنوت بود [illegible] واما در جانب
کثرت [illegible] که [illegible] فی الدنیا [illegible] یوم
القیمة قنوتات ماثوره از ائمه طاهره [illegible] مقام [illegible]
[illegible] در کلام [illegible] مبسوط و مصباح
[illegible] افضل [illegible] در مقام قنوت کلمات فرج است
[illegible] القنوت [illegible]
[illegible] القنوت لا اله الا الله الحلیم الکریم الی اخره و فی الذکری
[illegible] کلمات الفرج [illegible] در این مقام بیان [illegible]
و تحقیق [illegible] کلمات [illegible] مختلف [illegible]

قال فی المصباح افضل ما یقال فی القنوت کلمات الفرج وهی لا اله الا الله الحلیم الکریم
لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن
وما بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و کلام [illegible] در نهایه
در بیان کلمات فرج مثل مصباح است [illegible] در دو جزء اول [illegible]
یعنی در نهایه لفظ وما فیهن نیست دوم [illegible] رب العرش العظیم
قال الشیخ المفید فی المقنعة فاذا فرغ من قراءة السورة بعد الحمد رفع یدیه بالتکبیر قبلهما
یجعل باطنهما الی السماء وظاهرهما الی الارض وقنت فقال لا اله الا الله الحلیم الکریم لا
اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین [illegible]
[illegible] بیان [illegible] و تفاوت ما بین مقنعه و مصباح
[illegible] مذکور [illegible] مصباح [illegible] و نقصان است اما زیادتی [illegible]
که لفظ و سلام علی المرسلین [illegible] العظیم در مقنعه مذکور است و در مصباح
نیست واما نقصان [illegible] وما تحتهن در مقنعه [illegible] مذکور نیست و در مصباح
مذکور است [illegible] کلمات فرج
از [illegible] اول [illegible] کلام [illegible] کتاب مذکور [illegible] که لفظ
وما فیهن در نهایه نیست و در مصباح وغیره مذکور است [illegible]
لفظ [illegible] در نهایه موجود است [illegible] و هو رب العرش العظیم
و در مصباح نیست [illegible] مذکور شد دوم ان است که کلمات فرج مشتمل است
بر و سلام علی المرسلین [illegible] و رب العرش العظیم و مشتمل بر وما تحتهن نیست [illegible]
[illegible] مقتضای مقنعه [illegible] مقتضای مصباح
و نهایه عکس ان است یعنی کلمات فرج [illegible] بر وما تحتهن [illegible] و سلام علی
المرسلین نیست سیم ان است که کلمات فرج مشتمل بر هر دو لفظ [illegible]

لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع
وما فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين فراني
مقتضاى كلام شيخ صدوق است در باب غسل ميت از فقيه و مقتضاى كلام سيد و شيخ
در جمل و شيخ الطائفه است در مصباح و مبسوط و علامه است در نهايه الاحكام و محقق ثاني است
در جامع المقاصد و كفعمي است در جنة الواقية و علامه مجلسي در چهارده مسئله است بار دگر
وما فوقهن قبل از وما تحتهن اين مقتضاى كلام ابن ادريس است در غنيه قال افضله
كلمات الفرج وهي لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما فوقهن وما تحتهن وهو
رب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين شيخ شهيد است
لكن بزيادة صلوات و اين مقتضاى كلام كفعمي است در جنة الواقية قال
مشيرا الى كلمات الفرج وهي لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب العرش
العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطيبين
علامه اين اختلاف ظاهر مستند اين اختلاف ادعيه در بيان كلمات فرج
ورايت يلقي الميت از كلمات فرج صدوق است كه بروايت حكم كرده زراره
از حضرت امام محمد باقر عليه السلام كه فرموده اذا ادركت الرجل عند النزع
فلقنه كلمات الفرج لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله
رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم
والحمد لله رب العالمين اين حديث صحيح دلالت ميكند كه كلمات فرج همين است
معروف است كه مستحب است خواندن كلمات فرج در قنوت نماز جمعه بمقتضاى حديث
همين است كه مذكور شد و مستند و ما قدر مشترك ميان اختلافات ظاهر نيست
قول شيخ ظاهر اين است كه مستند آن خبريست كه رئيس صدوق در باب غسل ميت
از فقيه نقل فرموده رساله قال الصادق عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه وآله

حضر رجلا من بني هاشم وهو في النزع فقال له قل لا اله الا الله الحليم الكريم
لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن
وما بينهن وما تحتهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين فقالها فقال رسول
الله صلى الله عليه وآله الحمد لله الذي استنقذه من النار
شيخ صدوق
الكلمات هي كلمات الفرج مظنون اين است كه شايع مذكور در قول شيخ
ما خوذ از اين بوده باشد لكن انصاف اين است كه
ثم توان گفت كه اقوال ... وسلام على المرسلين كلمات فرج بوده باشد
در دعاى مذكور لكن اين ... در حكم ... وسلام على المرسلين
... دلالت دارد در ضمن ... كه اين كلمات
كلمات الفرج از كلام معصوم ... از كلام
ضعيف است و دليل اين ... صحيح ...
ودر ان اين دليل مذكور نيست روى في الباب ... يلقي الميت عن الكليني
عن ابي عبد الله عليه السلام ان رسول الله صلى الله عليه وآله دخل على رجل من بني هاشم
وهو يقضي فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله قل لا اله الا الله العلي العظيم
لا اله الا الله الحليم الكريم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع
وما بينهن ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين فقالها فقال رسول
الله صلى الله عليه وآله الحمد لله الذي استنقذه من النار ... ذكر
ذيل مذكور در فقيه ... الا كلام ... فرموده
... كه از كلام معصوم ...
بلكه از كلام صدوق است ... كلام معصوم اطلاق كلمات فرج
بر مشتمل بر وسلام على المرسلين نتوانيم حكم نمود ... وسلام على المرسلين

شفیعی ۲

و چون کلمات فرج بر ایشان غایت ما فی الباب آنکه در صحیح صفوان
ابی الطلاق را فرموده اند ابی الطلاق نموده باشد که توانیم اعتماد بان نمود در
تعیین شیمی از جملهٔ عدم بیان در مقابل حدیث صحیح مذکور یعنی حدیث
زراره مکی است جواب الطلاق از عدم چند خبر بوده باشد اول سنا تکرد مسالة
در ذکر الفاظ با کلمات فرج با بن همه الطلاق ابی لفظ را فرموده سر شاید
ان عدم اشتباه شده باشد و ضد اشتباه همین که مذکور شد یعنی چونکه در اکثر
امور ابی یعاد شده وکثرت داشته کلمات فرج الطلاق ابی لفظ برآن از بغیر مسامحه
واشتباه در امثال این امور بسیار مستبعد است پر احتیاط ظاهر صالح الله
از ناقل بود الخ حدیث صحیح زراره مشتمل بر ادعیه معظمه و در الخ و ناقل بود الخ
ابی حدیث مشتمل بر آن است ظاهر میشود بالیقین تا چونکه کلمات فرج
کلماذ تمت که بلفظ ابی هم مشتمل در حال اختصار شاید مدلول عده
بلوغ صحیح زراره که در اول مذکور شد و ابی صفت مشتمل بر ابی ابوکه
در کلمات ابی عبد الله در حال اختصار بلفظ ابی تخفیف فرموده اند ابی
یا تصحیف که از عدم ثبت صدور ابی الطلاق کلمات فرج بر آن فرموده اند پا اختراک
در عالم الفاظ ابی ایم وجوهی که ملاحظه اشتباه میشود لکن ابی ایم ما اینست
که نمی نوی چند کلمات بمره که بر کلمات فرج مترتب میشود در حال اختصار
برای ابی عابر مترتب شود و حال آنکه مذکور بوده باشد تا کلمات فرج و اما تا ابی
پس که گفته شد آنکه دانسته شد که همین واقعه از روی در کلمات خبر صحیح و احکام ابد
لفظی نمی و ما الحسنین و سلام علی المرسلین در آن مذکور است که ابی موجب وجهی
میشود مقصود ما در مقابل خبر صحیح و اما ابتدا لکن ما آنکه از روی در تحقیق کلام
ورود ابی در کلمات صحیح با وجود واقعه صریحا اختلاف حکم نسبی اعتقاد ۲ ۲ الخ
فاضل نمود واقعه نبود است یا ذکر در ابی ما نیم و آنچه در حالت اختصار داده

کلا الکفی

کلا الکفی محض را ما ابی دعا بی نمود که از روی ابن کلام چون که مشتمل بر لفظ
و ما فوقهن نیست حکم اضعف میتواند صحیح بود در نیابت نموده باشد ابی اسقاط
ابی لفظ مشتمل بر آن است که پس در اصل تنافیات دیگر از وجه آنها معلوم نیست
که تعمیمات فقه که مذکور شد در آن نسخه و ما فوقهن و ما تحتهن و ما الحسنین
مجمل از جمیع آنچه مذکور شد ظاهر شد که کلمات فرج آنچه در آن با انتقال هم نموده
که کلمات فرج بر آنست که در اصل صحیح زراره
که صحیحهٔ زراره مذکوره مشتمل بر آن است فاضل ظاهر میشود از بعد الاسلام
و محقق در مختصر و علامه در منتهی و شیخ بهائی در مفتاح الفلاح و جمل العلم و صاحب
مدارک و غیرهم و هم چنین ضرورة که چنین و سلام علی المرسلین خارج از کلمات فرج است
و ما بینهن و ما تحتهن و ما فوقهن کلا یکی در این مقام استدلال که از آن الفاظ مذکوره از اجزاء کلمات
مذکوره خارج از کلمات فرج و آنچه در مقام لکن تا توان گفت که فرج نمیباشد
قرائت آنها در اثنای کلمات فرج در اثنای قنوت صلوات شده و ضمنه با آنه
میکوشیم اما و ما تحتهن و کذا و ما فوقهن بنا بر ناقل نمود در حال اثنای آنها
در اثنای کلمات فرج در قنوت نظر بعمومات وارده در بعضی قنوت
خصوصا شامل جمیع الکلام که قال بر ثنا و عطف الی الرحمن بر آن است پس صحیح جواب
بود گفت حدیث صحیح انی عبد ربک و صل علی نبیک و استغفر لذنبک الوارد فی
مقام الجواب عن القنوت فیه قول معلوم فقال انی عبد ربک الا اخره لکن در صورتی که
مقصود ما در این بوده باشد که جزو کلمات فرج و اما و سلام علی المرسلین
بگویم در آن اگر چه اضعف از دو لفظ و کلمات مذکوره لکن بنا بر ناقل
در جواز شود نظر بعد ابی مایعاد بن جمعه با خطبه و سعی یعنی ظاهر بعد ثبت
از خلاف علم در خطبه و سعی پس در صورت ایشان ابی قصد بنا بر ناقل
شود در جواز ابی بنا بر ابی لفظ خطبتان در خصوص قنوت صلوة جمعه تا آنکه ذات ابعد شده

انجمن م

و روی شیخ الطائفة فی المصباح عن سلیمان بن حفص المروزی عن ابی الحسن علی بن
محمد بن الرضا علیهم السلام قال لا تقل فی صلوة الجمعة فی القنوت و سلام علی المرسلین
لکن این حدیث حکم بعدم جواز ... [illegible] و این روایه مشکل است نظر بعدم صلاحیت
حدیث تخصیص عمومات مذکوره برای حکم اقتصار عدد حدوث لازم است
نمودن آن ... بغیر قنوت صلوة جمعه ممکن است لکن اعموم ... در کار ... ترک
این لفظ را ... مطابق با احتیاط دانسته در کل قنوت ... اگر اراده
ترک نموده باشد ... و احتیاط ... تحریم در جواز
قنوت بغیر لغت عرب و عدم جواز آن ... بدانکه فقها اختلاف کرده اند
که آیا در غیر لغت عرب جایز است قنوت در آن ... اکثر فقها قائل شده اند
بجواز آن ... نقل از شیخ صدوق در فقیه ... از قول استاد خود شیخ محمد بن الحسن
بن الولید و محقق در معتبر و علامه در منتهی و تذکره و تحریر و نهایة الاحکام ... مختلف
و شیخ شهید در بیان و ذکری ... در تنقیح ... و محقق اردبیلی
در مجمع الفائده ... سبزواری در ذخیره و کفایه و علامه مجلسی
در بحار ... و قول بعدم جواز ... سعد بن عبدالله ... جمیل الغدر ... و محقق ...
عبدالله از محقق ... در جامع المقاصد ظاهر میشود که قائل است ... بدان
رضوان ... تحقیق مقام مقتضی این است که گفته شود درین بحث دو مقام است
مقام اول این است که جایز است ... مناجات و تکلم با خداوند عالم ... در هر باب
نماز در جمیع احوال ... خواه حالت قنوت باشد یا حالت رکوع ... یا حالت
سجود یا حالت قیام ... ذکر نموده باشد اگرچه قدرت ... بعربی
داشته باشد ... نظر ... تعبیر ... ظاهر این است ... جایز
باشد نظر بنصوص معتبره وارده دالّه بر این ... مقام دوم آن است که آیا
... در قنوت احتراز باید بغیر لغت عرب و قصد ... قنوت
موظف باید بلغت ... انصاف ... حکم بجواز آن مشکل است ... ظاهر

[illegible]

در حقیقت
از ... حکم بجواز تشهد ... نمود نظر باینکه مستفاد از نصوص معتبره وارده
علاوه از جواز نوع صحیح ... و اما کلمات فقها ... مختلف است
از بعض ... علاوه از ... در مقام اول ... بعض ... و مجملا ...
دعا ... فقها ... و ... خاص ... که
بوده باشد در جمیع احوال ... اگرچه ... قنوت بوده باشد
و اما اقتصار برای ... اجزای ... از قنوت ... صلوة ...
است ... ظاهر ... در ان ... اشکال ... در ...
قنوت صلوة جمعه ... جایز است قنوت در ان ... صلوة
عیدین که قنوت در ان ... در رکعت ... در ... رکعت ...
ظاهر این است ... در ان ... کلام ... غیر بوده ... الصلوة
لا یکون فیها الا قنوت واحد ... الصلوة کانت ... عن
صلوة عیدین است و ... صلوة جمعه لکن ... خلاف ... فقها ... از ایشان
اختلاف کرده اند در ... که ... باشد ... از اعاظم قائل شده اند
که قنوت ... جمعه ... از فقها قائل شده اند ... قنوت ... در ان
لکن ... اختلاف کرده اند ... قائلین بوحدت قنوت ... اختلاف کرده اند
در اینکه قنوت واحد در رکعت اول است یا در رکعت ثانیه ... شیخ صدوق ... مفید
در ... علامه در مختلف ... قائل شده اند بر اینکه قنوت ... در
رکعت اول ... در رکعت اولی است ... شیخ ... محقق ... در فقیه اگر
قائل بوحدت قنوت شده اند لکن ... بر اینکه در رکعت ثانیه است
بعد از فراغ از قرائت ... کلام ... اگرچه ... در صلوة قنوت است لکن
محتمل است که مراد ایشان بیان قنوت واحد بوده در رکعت اولی ...
مراد ایشان ... بوده باشد در رکعت ثانیه ... که ادعای ظهور نمود در احتمال ثانی

چه اگر اداشان بقنوت شده اند در رکعت اولی بعد نظر بدوم اعتبار در ذلک [illegible]
کثیر بران ثابت اند و اما قائلین بتعدد قنوت پس ایشان نیز اختلاف کرده اند
حاصل این اختلاف بعد از تمام راجع میشود به قول اول آن که قنوت در رکعت
اولی قبل از رکوع است و در رکعت ثانیه بعد از رفع راس از رکوع و این قول جمعی
در شرایع و نافع و مختصر و علامه است در منتهی و تحریر و قواعد و ارشاد و مختلف و شهید
در دروس و بیان و شرح ارشاد و شرح لمعه قول ثانی مثل قول اول است لکن در حق
امام [illegible] فی صلوة جمعه نه امام در صلوة جمعه در رکعت اولی ایشان بقنوت
نماید قبل و در رکعت ثانیه بعد از رکوع این قول شیخ صدوق است در [illegible]
و شیخ طاب ثراه در مبسوط و خلاف و نهایه و سلار بن عبدالعزیز در [illegible]
و محقق است در معتبر و علامه است در تذکره قول سیم آن است که [illegible]
[illegible] قبل از رکوع است خواه رکعت اولی بوده باشد یا رکعت ثانیه این قول
[illegible] مقتضای عبارات علما است که [illegible] امام بوده باشد یا ماموم و این
کلام ابن الصلاح [illegible] و قال یقنت فی الرکعة الاولی والثانیه و [illegible] نزد علمای
شیعه آن است که قنوت بعد از فراغ از قرائة و قبل از رکوع است اگر در [illegible]
[illegible] سهو [illegible] که [illegible] شده بوده باشد [illegible] اقوال
قول اول است [illegible] پس قنوت در صلوة جمعه متعدد است
در رکعت اولی قبل از رکوع و در رکعت ثانیه بعد از رکوع است [illegible]
ثانی در شرح ارشاد و صاحب مدارک و صاحب کفایه نسبت بشهره داده اند
[illegible] در خصوص صلوة جمعه بوده [illegible] فی رکعت و اما هرگاه
ظهر جمعه چهار رکعت ایشان شود خواه منفرد ایشان شود یا [illegible] در ان صورت
مثل سایر نمازهای چهار رکعتی است قنوت در ان قنوت واحد است در رکعت
ثانیه قبل از رکوع [illegible] و در [illegible] ظاهر [illegible] مقتضای
اطلاق کلام آن بزرگوار در [illegible] در صلوة جمعه [illegible]

بر دو قنوت است در رکعت اولی قبل از رکوع و در رکعت ثانیه
بعد از رکوع در صورتیکه ایشان شود بجماعت بمقتضای این کلام
قول بتعدد قنوت است در صورت ایشان نیز بجماعت اگر چه
چهار رکعت ایشان [illegible] اگر چه نماز عصر بوده باشد بنا بر اراده اطلاق
استثنای نوافل است از ان حکم لکن این قول ضعیف است پس تعدد
قنوت در چهار رکعت ثابت نیست اگر چه ایشان شود بجماعت
[illegible] در حکم قنوت است در صورت اخلال بوده اخلال بقنوت در محل خود یا سهوا
عمدا باشد یا سهوا هرگاه بقنوت نخورد عمدا در این صورت تدارک نماید [illegible]
ان ثابت نیست مطلقا خواه در اثنای نماز بوده باشد [illegible] هرگاه [illegible]
قنوت نمود عمدا بعد از ان [illegible] در اثنای صلوة یا بعد از فراغ از ان [illegible]
[illegible] تدارک نشود و اما هرگاه اخلال بقنوت نمود سهوا پس ان منصوص [illegible]
صورت اول آن است که متذکر شد ان بعد از وصل بحد رکوع لکن قبل از رکوع [illegible]
[illegible] در ان صورت ظاهر این است که جایز باشد عود نموده تدارک [illegible]
نماید بعد از ان برکوع رود دوم آن است که متذکر شد بعد از رکوع
بعد رکوع [illegible] خواه قبل از اشتغال بذکر بوده باشد یا در اثنای ذکر یا بعد از
فراغ از ذکر در ان صورت مستحب است [illegible] آن است که بعد از رفع راس از رکوع [illegible]
قنوت نماید و این مشهور ما بین فقها است [illegible] از عبارات اجلا اصحاب [illegible]
[illegible] ظاهر [illegible] علامه [illegible] خلاف در بوده [illegible]
[illegible] تدارک [illegible] سیم آن است که متذکر
[illegible] بعد از رفع راس از رکوع و قبل از [illegible] ظاهر این است [illegible]
[illegible] استحباب تدارک ثابت نیست چهارم آن است که متذکر شد

شیخ طاب ثراه در تهذیب و ابن البراج و ابن حمزه [illegible] نقل فرموده

از رکوع [illegible]
قبل دو قول مذکور است
[illegible] قنوت [illegible]

مذکور شده [illegible]
بوده باشد [illegible]

و اما هرگاه ایشان نشود
منفرد [illegible]
یک قنوت است در
رکعت ثانیه قبل از
رکوع [illegible]

[illegible] تدارک قنوت [illegible]
ثابت نیست [illegible]
هرگاه ماموم [illegible]
قنوت [illegible]
[illegible] رکوع [illegible]
[illegible]

بقنوت
باخلال [illegible] بعد از [illegible] بسجده و قبل از بلوغ بسجده بهتر است که منتدرک شود بان
بعد از وصول بسجده یا در سجده ثانیه یا قبل از سجده ثانی بعد از رفع راس
از سجده ثانیه لکن قبل از دخول در قیام رکعت ثالثه هم در این دو صورت
اگر چه کلمات فقها مختلف است چنانچه مفصلا در مطالع الانوار بیان کرده
لکن مختار عدم ثبوت تدارک است [illegible] آنست که منتدرک شود بعد از
دخول در قیام ثالثه الی آخر الصلوة [illegible] نفی عدم ثبوت
تدارک در این صورت ظاهر است [illegible] در جمیع صور ثلثه تدارک قنوت
منسی در اثنای نماز ثابت نیست فاما رجحان تدارک بعد از فراغ از نماز [illegible] مقتضی
کلام مبسوط و [illegible] خلاف [illegible] است لکن مختار [illegible] است و [illegible] ظاهر
مشهور [illegible] اصحاب [illegible] بقصد قضا بعد از فراغ
[illegible] پس بعد از فراغ از نماز [illegible] که تدارک قنوت منسی نموده
باشد [illegible] حالت [illegible] پس [illegible] بقیام [illegible] تدارک قنوت منسی [illegible]
بلکه رجحان [illegible] ثابت نیست [illegible] است که منتدرک شود [illegible] بعد از فراغ
از نماز لکن قبل از انصراف [illegible] انتقال از مکان نماز [illegible]
[illegible] بعد از انتقال از مکان نماز [illegible] خواه [illegible]
[illegible] بوده باشد یا نه ظاهر این است رجحان تدارک قنوت منسی [illegible] و صورت
نیز ثابت نبوده باشد پس رجحان [illegible] مستقبل القبله بوده باشد [illegible]
حالت اتیان بقنوت [illegible] مستقبل بوده [illegible] مستحب [illegible]
بوده بعد از [illegible] اتیان بقنوت منسی [illegible] مستحب [illegible]
در این مقام [illegible] که قنوت منسی بعد [illegible]
اما متصف بوصف قضا است [illegible] ظاهر از کلمات [illegible]
که قضا [illegible] مطلب [illegible] است که گفته شود [illegible] قسم [illegible]
اداء ثانیه [illegible] قسم [illegible] در قضائیه [illegible]

مقتضای [illegible]
در اثنای [illegible]
پس الرجح [illegible]
در بیان احوال [illegible] در این مقام [illegible]
[illegible]

و [illegible] ظاهر [illegible]

و اما [illegible] مذکوره [illegible]
تا مل است اما قسم اول پس [illegible] اول از اقسام مذکوره
قضا پس [illegible] که اتیان بان شده باشد بعد از انقضای وقت نماز
و همچنین [illegible] که اتیان شده باشد بان با بقای وقت بقدر یک رکعت
یا دو رکعت [illegible] از جهة [illegible] و اما در [illegible] اقسام [illegible]
از [illegible] ادا است [illegible] قضا در اصطلاح اهل اصول
و فقها عبادتی [illegible] بعد از انقضای وقت [illegible] در این مقام [illegible]
[illegible] بعد از [illegible] وقت [illegible] که گفته شود [illegible]
[illegible] که در این [illegible] وقت [illegible]
باشد بلکه ظاهر این است که وقت [illegible] عبادت [illegible] وقت
[illegible] هر گاه اتیان بصلوة شود در اول وقت [illegible]
اتیان [illegible] خواهد بود و همچنین هر گاه اتیان شود [illegible] وقت
وقت [illegible] وقت [illegible] وقت [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] عبادت [illegible] خواهد بود پس اگر وقت [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] بوده باشد وقت [illegible] خواهد بود و اگر وقت [illegible] عبادت
[illegible] بوده باشد وقت [illegible] خواهد بود بنا بر این هر گاه
[illegible] قنوت در [illegible] بعد از فراغ از نماز
[illegible] قنوت در وقت [illegible]
[illegible] با بقای وقت [illegible] بوده باشد [illegible] هر گاه وقت [illegible] بوده باشد
[illegible] خواهد بود پس [illegible] بوده باشد [illegible]
[illegible] قضا خواهد بود [illegible] هر گاه [illegible]
مذکور بعد از انقضای وقت [illegible] قضا خواهد بود [illegible] صورت
[illegible] از وقت [illegible] در رکعت [illegible]
[illegible] قنوت [illegible] قضا بوده باشد [illegible] قنوت [illegible]
[illegible] بعد از فراغ از [illegible] وقت [illegible]
[illegible] که قنوت [illegible] بعد از انقضای وقت [illegible]

نظر باینکه [illegible] قنوت
[illegible] در رکعت [illegible]
[illegible] خواهد بود
[illegible] اتیان [illegible] صلوة [illegible]
در [illegible] خود م

رکعته فقعد در کل القنت جهر در صلوات مفروضه رکعتین اولین در وقت جواز
جهر بود و جهر باجماع کل مسلمین در ان صلوات اداء واجب بود و تحقیق این
حال در قنوت عصر هرگاه مذکور شد بعبارت فرادی در صلوة عصر در حالتیکه
باقی مانده باشد از وقت بمقدار رکعت یا رکعتین پس قنوت باقی مانده
در جمیع صور بحکم اداء واجب بود و مکر قنوتیکه اتیان شود بقصد انقضای وقت
بعبارت اطلاع و تامل در انچه مذکور شد بنا بر تامل در ان شود بنا بر این اراده فقها بیاید
قضا بمعنی معروف باشد ملکه اراده این است چونکه قنوت بعبارت محل خود اتیان نشده
اراین جهت تعبیر از ان بالقضا نموده اند ~~که این وقت ان بود که قنوت خود نماید~~
الارض زیرا که صلوة متصف بوصف اداء بوده باشد بخلاف انچه مذکور شد
که قنوت در غیر محل خود واقع شده در غیر صورت اداء است و اما در صورت
اداء پس در محل خود واقع شده مطلب کلام این است که حکم مذکور در صلوات نافله نیز است
در صلوات مفروضه نافله نیز است در صلوات نشود نه امام نفس که در صلوات
مفروضه مذکور شد تنظیم این است که جهر راجح است در قنوت مطلقا خواه
در نماز جهری بوده باشد یا در نماز اخفات خواه در ضمن امام و منفرد و اما در ضمن ماموم
ماموم پس اخفات در ان راجح است اگر چه در نماز جهری بوده باشد این در
صورتیکه بجهر سماع امام متحقق شود یا در ان شک شود و اما در صورتیکه بعید
از امام بوده باشد بنحویکه احتمال موجب اسماع امام نشود و محتمل این است
بلکی ظاهر این است که جهر در ضمن او رجحان داشته اخفات راجح بوده باشد بجهت
اطلاق ادله مذکوره سابقا بیان شد ضبط جهر و اخفات در صلوات موجب منتقض

جز انکه هم

اقوال ثابته در هر حال این باشد که گفته شود که نماز مغرب و غیره باعتبار رجحان جهر و اخفات منقسم
تقسیم اقوال ثابته باعتبار
میشود بر چهار قسم راجح الجهر و راجح الاخفات و واجب الجهر و واجب الاخفات
جهر اخفات ثابته بر چهار قسم و راجح الجهر و راجح الاخفات اما وجوب جهر پس در قراءة حمد و سوره در رکعتین اولیین
و اما وجوب اخفات پس در قراءة بدل او و تسبیحات اربع در رکعتین اخیرتین از نماز
در رکعت ثالثه از نماز مغرب و اما رجحان اخفات پس در استعاذه است و اما رجحان

زکاة در جنب

که آنچه بیم ... ... الحمد لله ... ...
واما ... ... و در ضمن امام در ان
جهر پس در غیر آنچه بیان شد از اذکار و ادعیه ثابته در ان در ضمن امام
و منفرد و اما در ضمن ماموم پس جهر در ان غیر مشروع باشد بلکه لازم الاخفات است و در
محل قراءة در ضمن ماموم مسنون در رکعتین اولیین و در قراءة و بدل ان در غیر رکعتین
اولیین یا راجح الاخفات است و ان در غیر آنچه مذکور شد معلوم است آنچه مذکور شد
در صورتیست که ماموم باقی بر وصف ماموم بوده و اما هرگاه بعد
بوده باشد یا منفرد شده یا امام حکم در ان مذکور شد نمود انچه مذکور شد
در ضمن امام بعد حکم تکبیرات ست افتتاحیه در ضمن امام مثل استعاذه است که اخفات در ان
راجح است و اما نماز صبح پس ان در ضمن امام و منفرد باعتبار جهر و اخفات منقسم میشود بر سه قسم
لازم الجهر و راجح الجهر و راجح الاخفات و لزوم اخفات در ان غیر ثابت است اما لزوم جهر پس در
قراءة است و اما رجحان جهر در ان اخفات پس در استعاذه است نسبت بامام و منفرد و جمیع
تکبیرات ست افتتاحیه در ضمن امام و اما رجحان جهر پس در غیر انچه مذکور شد و اما در ضمن
~~من علیه نیز لازم الاخفات~~ ~~و راجح الاخفات است~~ ~~اول در قراءة~~ در صورت
~~معلوم در غیر~~ این در صورتیست که ماموم بعید نبوده باشد که اسماع صورت امام نکند و اما هرگاه بعید باشد بحدیکه بوده باشد اقوال ثابته در نماز در ضمن او منقسم میشود
براجح الجهر و راجح الاخفات اول در قراءة و ثانی در غیر ان از اذکار و ادعیه ثابته
در ان نماز و اما نماز ظهرین پس باعتبار اقوال ثابته در ان منقسم میشود به لازم الاخفات
و راجح الاخفات و راجح الجهر پس لازم جهر در ان غیر ثابت است اما لزوم اخفات در قراءة
رکعتین اولیین و در قراءة و بدل ان در اخیرتین و رجحان جهر در قنوت و در دعای
بعد از رفع راس از رکوع یعنی سمع الله لمن حمده و دعای بعد از ان که عبارت از الحمد لله رب
العالمین اهل الکبریاء و العظمة الحمد لله رب العالمین و اما رجحان
اخفات پس در غیر انچه مذکور شد در ضمن منفرد است و اما در ضمن امام پس ان
در ضمن ان سه قسم منقسم میشود مذکور بلکه بجهر مجهور
بلکه راجح الجهر در ضمن امام غیر قراءة و بدل ان و غیر استعاذه و تکبیرات ست افتتاحیه است

در رجحان جهر در

جهر است که هم

در ضمن

بعد وجه

بیان انچه است که هم بوده باشد

ابتهاج که مذکور شدم

دراج الاصفات در تکبیرات سنن افتتاحیه و استعاذه و بسمله لازم الاخفات پس فرق

مابین امام و منفرد نباشد و اما ماموم پس بعضی حکم بر رجحان اخفات و برخی حکم بلزوم الاخفات

بابراج الاخفات لازم الاخفات در قراءة و غیر آن و دراج الاخفات در رکوع

تاحال آن مطلب چهارم در بیان قراءة آیات قرآنیه در قنوت

اشکالا در جواز قراءة آیات قرآنیه در نظر حضرت ... وجه اشکال بنظر

نمیرسد زیرا که شبهه قرآن و ان شکی نیست زیرا که تعلیق ... ندارد بجهت انکه قرآن قراءة اگر

از سوره واحده باشد تعارض نقصد قراءة مطلوب ... در بعض کلام

نامند ... نکته در این مقام ... در جواز قراءة آیات

قرآنیه ... کلام در ان ... باجتزا بقراءة ... ثواب نمود از

قنوت مطلوب ... در این مقام تفصیل ... بیان آن ایکه ...

اگر آیه مشتمله ... مشتمل بر طلب بوده ... مثل ربنا ظلمنا انفسنا ... و ان لم تغفر لنا

و ترحمنا لنکونن من الخاسرین ... یا مشتمل بر ... بوده ... مثل ربنا آتنا فی الدنیا

حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار و نحو آنها پس جواز اجتزا بان

والحمد لله رب العالمین ... مشتمل بر تمجید و تحمید و تهلیل و تمجید الله

... بوده مثل ان الله و ملائکته ... ظاهر آن است که ... در جواز اجتزا

... حدیث صحیح ان ... ما جرى الله على لسانک فلا اعلم

فیه شیئا موقتا و حدیث ... و اما مثل اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا

وجوهکم و ایدیکم الى المرافق و مثل یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من

یوم الجمعة فاسعوا الى ذکر الله و ذروا البیع الى آخره یا مشتمل بر قصص

بوده مثل اذ قال یوسف لابیه یا ابت انی رأیت احد عشر کوکبا

الى آخره و نحو آنها پس ظاهر آن است که اجتزا بامثال آیات مذکوره ... نمود

در اتیان بوظیفه ... کلام آن است که در اینجا دو مقام است اول جواز

قراءة آیات قرآنیه در ضمن ... مقام قنوت و دوم جواز اجتزا بهما

از قنوت

از قنوت موظف اول آن است بعنوان الاطلاق ... در آن تفصیل ... که

که مذکور شد نظر آنکه ... دعا بغیر لغت عرب ... بیان شد

مطلب پنجم در بیان آنچه ... اعاده ... نور ... در محل قنوت

اول تکبیر است بدانکه اختلاف کرده اند فقها در این مقام از قوم علامه در کتاب

مختلف حکایت فرموده ... که والد ... از قوم ... صدوق ... و قول

کدام ... فایل شده اند ... که تکبیر از برای قنوت ثابت نیست و ان قول

ظاهر ... سید جلیل القدر ... در کتاب جمل العلم و العمل علامه

نقل فرموده اند ... که ان ... ثابت ... بوده

از شیخ سعید شیخ مفید نور الله ... و ... در ... رای ... فقها

ان ... بوده ... تکبیر از برای قنوت ... و لکن مشهور ما بین فقها

... آن است که تکبیر ... قنوت مستحب ... و ...

پس در وقت اراده قنوت ... ثابت ... تکبیر ... با رفع یدین

و ... تکبیر ... قنوت ... مستحبات ... بیان شد که تکبیرات ...

در ... تکبیر ... رکوع و سجود ... در نماز

چهار رکعتی ... عدد تکبیرات رکوع و سجود ... تکبیرات رکوع و سجود

در نماز ظهر و عصر و عشا ... و عدد تکبیرات رکوع و سجود در نماز ... تعداد اقامه

پانزده ... و عدد تکبیرات رکوع و سجود در نماز صبح ... الاحرام

... عدد تکبیرات ... و ... تکبیره

و ... تکبیر ... عدد تکبیرات ... مستحبات ...

ان است که در حین اراده قنوت تکبیر بگوید با رفع یدین در صلوات ...

این است که ... در ... باشد و ... در نماز ...

... و سایر ... قوت ... و ... از طواف ...

اگر چه تکبیره

پس در بیان [illegible] تکبیر قبل از شروع بقنوت شکی نیست که تکبیر که قنوت بود لا
ثابت نیست و اما از جهت پس اصل ثبوت اصل تکبیر قبل از قنوت معلوم نیست
چه جای آنکه بگوییم که آن تکبیر که قنوت است باید خواه در قنوت اول
بوده باشد یا قنوت ثانی و دوم رفع یدین است در حال قنوت بدانکه اصل رفع و [illegible]
[illegible] قنوت [illegible] باشد بلکه [illegible] [illegible] اصل [illegible] باید که باشد
[illegible] در حال [illegible] رفع یدین [illegible] باشد پس رفع [illegible] در حال قنوت
[illegible] هر گاه [illegible] نبود در [illegible] تقیه ترک قنوت [illegible]
[illegible] ترک رفع یدین [illegible] در حال قنوت [illegible]
در [illegible] [illegible] اگر [illegible] غرب [illegible] [illegible]
در نماز جماعت در مقام قنوت این دعا را بخوانیم اللهم احفظنا من بین ایدینا و من
خلفنا و عن ایماننا و عن شمائلنا و من جمیع نواحینا من شر الاشرار و المفسدین
[illegible] محمد و اهل بیته الطاهرین و ترک رفع یدین [illegible] تقیه
[illegible] رفع یدین مستحب است در هر قنوت [illegible] در قنوت [illegible] رفع را [illegible]
[illegible] کثیر از فقها حکم فرموده اند که در وتر و قنوت [illegible] قبل
از رکوع و [illegible] بعد از رفع راس از رکوع رفع یدین در دعائی که بعد از رفع راس است
ثابت نیست و اما در قنوت صلوة عید [illegible] اکثر فقها این است
که رفع یدین در قنوت عیدین ثابت نباشد بنا بر مقتضای فرموده اکثر فقها این است
که رفع یدین در حال تکبیرات [illegible] [illegible] الا صاحب [illegible]
و در [illegible] شهید در کتب [illegible] حکم فرموده اند باستحباب رفع یدین در حال قنوت
در عیدین [illegible] مستحب است رفع یدین در قنوتات [illegible]
[illegible] [illegible] بنا بر این [illegible] رفع یدین در حال تکبیرات در صلوة عیدین بنا
بر قول بعدم ثبوت رفع یدین در حال قنوت ظاهر است و اما بنا بر قول
باستحباب رفع یدین در حال قنوتات عیدین پس رفع یدین در تکبیره اولی ظاهر [illegible]

در بیان استحباب رفع یدین در حال قنوت

مستحب مدام

تجدید محافظه ان [illegible] ارم

در بیان ثابت [illegible]

در حکم [illegible]

در رکعت اولی و ثانیه و اما در غیر تکبیره اولی پس باید به سنت بود و طریق ممکن است
اول آنکه دو دست که در حال قنوت رفع است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] رفع
تا بگفتن تکبیر دوم آن است [illegible] بگوید که حالت قنوت است [illegible]
بوده است تکبیر [illegible] از رفع باید گفت قنوت نظر این حال در تکبیر [illegible] اول آن است
بعد از فراغ از قنوت [illegible] [illegible] [illegible] طریق ممکن
[illegible] که دو دست [illegible] [illegible] رفع [illegible] حال تکبیر
[illegible] آن است که بعد از فراغ از قنوت [illegible] حالت [illegible] رفع بوده
تکبیر بگوید [illegible] [illegible] بوده باشد [illegible] [illegible] [illegible]
یدین در تکبیر [illegible] بوده باشد و در این صورت [illegible] حالت
قنوت [illegible] [illegible] در [illegible] سنت [illegible] [illegible]
رفع یدین است در حال قنوت و کیفیت آن است [illegible] [illegible]
اختلاف فقها در [illegible] قول اول آن است که رفع یدین [illegible] در حال [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] صورت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شهید [illegible] قول [illegible]
دوم [illegible] در کیفیت و اصل آن است در [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] قول فقها [illegible] [illegible] سیم آن است که [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] میشود
که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فرموده اند
[illegible] قول اول [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
پس [illegible] سنت [illegible] رفع یدین [illegible] [illegible] که رفع [illegible]

که بعد از فراغ از قنوت

بدین [illegible] قبل [illegible]

بیان ام

ثبت ۲

کالانفصال
لکن ظاهر آنست که بدون احد الحدیثین [illegible] دعا نباشد پس سنت خود در شروع دعا بدین نحو
متصل بهم نگاه دارد یا منفصل و در آن آنست که جمیع انگشتان دست را بهم بچسباند
بلکه انگشت بزرگ را نیز الا آنکه در احوال اجازه نسبت بضم اصابع و عدم
ضم بر سه قسم است اول حال ضم اصابع است که الا انگشت بزرگ بهم جمیع
احوال مسنون است خواه حالت [illegible] خواه قیام بوده باشد یا حالت جلوس
باشد این مختص بحالت قنوت است چنانکه مذکور شد دوم تفریج اصابع است
یعنی انگشتان را از همدیگر جدا نهادن و این مستحب است در حالت رکوع
سیم ضم انگشتان است مگر انگشت بزرگ و آن راجح است در جمیع احوال
صلوة خواه قیام بوده باشد یا جلوس چنانکه در جمیع [illegible] علما مذکور است
مشهور در این مقام قول نقل فرموده این قول آنست که مستحب در بعض اصابع آنست بعد از
فراغ از قنوت دست را بصورت خود مالد و این قول را در فرموده که چنین خبر
ثابت نیست و رسم شهیدان قول را از جمیع نقل فرموده یعنی بلاد و بالجمله و سنیه این مجموع
که این قایل فرموده بعد از فراغ از قنوت مستحب است که دست را بصورت و سینه
خود مالد بعد از آنکه این قول فرموده شیخ این قول بعض از علماء [illegible] نموده
حتی مطاعن در قنوت این خادم شریعت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه بعد از
ادای بعض نوافل در قنوت نوافل فرایض نظر کرده بعد بلا جمیع که ذراع و
اصابع از جناب حجة الله الامام الاکبر و آن جناب حضرت صاحب العصر
عجل الله تعالی فرجه عمل آن آنست که بعد از فراغ از قنوت مالیدن دست بر سینه
ضعیف و وارد و در نوافل ابتدا نماید و در فرایض چنین عمل جابر است
لیکن در باب تعقیب در رقعه مذکور است حدیثی رسول الله صلی الله علیه و آله
بالجمله عبده بیده الا الله عز و جل الا استحیا الله ان یردها صفرا حتی یجعل
فیها من فضله و رحمته فاذا دعا احدکم فلا یرد یدیه حتی یمسح بها علی راسه و وجهه
که در ضرا و صحه وجه و صدر ماصل ظاهر حدیث آنست که مستحب
مسح کردن دست را بلند نماید در مقام دعا که خدا وند عالم حیا مینماید از آنکه
که آن دست را خالی برگرداند تا آنکه قرار دهد در آن دست آنچه را که صلاح داند

از دعای [illegible]

پس هرگاه یکی از شماها دعا کند دست خود را بر نگرداند تا الکمان و سینه را و بر
صورت خود بمالد و در حدیث دیگر صحیح وارد شده با دست خود را بر نگرداند
فانکه آن دست را بر صورت و سینه خود بمالد و نیز الامام الحدیث نبوی آنست که آن حضرت بوده
نموده در کتاب دعا از اصول کلینی از کاشف الاسرار و در آن جناب امام صادق علیه السلام
مالا ابرز عبد یده الا الله العزیز الجبار الا استحیا الله عز و جل ان یردها صفرا حتی یجعل
فیها من رحمته ما یشاء فاذا دعا احدکم فلا یرد یده حتی یمسح بها علی وجهه و راسه
یعنی حالت [illegible] از صاحب [illegible] ظاهر شد که مستحب است در فصل اول از باب
ممکن ظاهر حدیث [illegible] مذکور شد و این حدیث عموم شامل
عام مطلق الاطلاق نیز مذکور است مشخص است حدیث بعنوان عموم
احوال صلوة نیز هست بعموم نسبت بنوافل مخصص است که دست معتبر مذکور
لکن نسبت به نوافل حکم موثق است [illegible] مذکور شد حتی ظاهر حدیث
لکن چون در این مقام آنست [illegible] این حالت که اول حالات است
مثل کما دست را در مقام سوال بلند نموده ملتفت آن بود که این دلالت از جهت عظمت
کبریای خدا باید مثل اسعال بخود راه که متوجه باشد از جهت عظمت
حضرت مشغول شود بخود و اینکه [illegible] در مقام توجه باید که بعد دانسته
جناب مشغول او مشغول باشد در عمل اعراض از سائل و حضور مشغول و معبود در نظر او ورده
احتیاج و افتقار خود بود و کمال غنا و عظمت مشغول سوال نماید در محاسن برقی
مقتضای مذکور جامع خود بود کمال غنا و عظمت معبود در مقام صاحب امام جعفر صادق علیه السلام
در باب احتیاط در دین از کاشف الاسرار و در آن [illegible] بودن آن خود و رفع قواعد
مذهبی اولی است که آن حضرت ار [illegible] جناب سید صلوات الله علیه
تضرع و ابتهال [illegible] حکم [illegible] و در کرده اند مثل در حالتیکه آن
روایت فرموده که جناب [illegible] اظهار حاجت و مسکنت خود را نمود
رد دست خود را بلند نموده

بدرگاه عظمت افتقار خلاق جهان جل شانه جناب حضرت موسی ان درد
را بعین حالت مشاهده فرموده تعقیب بر واند بسمت حاجتی که منظور نظر شریف
ان نبی بود تا هفت روز طول کشید بعد و دوت فرموداند ان درد را بهمان حالت
دید اندکه بهمان حالت باقی است در ان وقت رافت نبوت بران درد عالم
غالب شد روی تضرع وابتهال بدرگاه حضرت ذی الجلال نمود عرض نمود حضرت
جبروت جنین کرد که ای پروردگار عالم این بنده ذلیل تو است دستهای خود را
بجانب رحمت تو بلند نموده استدعای حاجت خود نماید از وقت سوال تا حال
هفت روز منقضی شده ابواب رحمت اجابت بر او مفتوح نبوده در ان
وقت وحی اجابت علامت الغافر الکبار نازل شد در درگاه حضرت غفار
رسید که ای موسی اگر دعا نماید تا منقطع شود و منقطع شود تا نجمت حق باتنی فرا ابواب
الذی ارشد ای موسی اگر نماند و امکه دو دستهای او بیفتد و قطع شود زبان
او اجابت او الزام نمود تا انکه نماند با نبویکه من رو می داد
دا دوام نمود که تا می الدلال و حرمان من شرافه اجابة الرحمن دوم از جمله
امور نحو را نتمامی نماز مستحب است وظیفه چشم است در احوال صلوه بر آنکه
وظیفه چشم مکلف باعتبار چشم آن است که در حال قیام [illegible] چشم نظر نماید
بموضع سجود دائما تا تمام [illegible] در جمیع احوال قیام مگر حال قنوت که مستحب در این وقت
آن است که نظر نماید بباطن کف خود و سر حکمت در بیرون او بوده باشد در حال
نظر کردن بموضع سجود تلقین آن بود که رفع سجده این موضع است که انوار حضرت
وصل واعلی اعضای وجود و نگه نمائد غفلت را انداز دل جهت رعایت
قطع سجود و صحیح واسطه رسیدن الی الله ذلیل و خضوع رب کریم بعقوبت
این نکته محل نماز در احوال صلوه واما نظر در حال قنوت بکفین انست که
متقینه نمود که از دست بلند نمودن و باز نمودن که منتهای ان شدت است جهت
سوال رحمت وحاجت است از خلاق آسمان و زمین پس این دلالت و سبب

ثابت و فوز سعادت گردانند واما وظیفه مکلف در حال رکوع آن است که
نظر نماید بما بین دو قدم خود و در حال که دو وظیفه آن است که نظر نماید
بطرف انف خود و در حالت جلوس خاصه بجهت تشهد بوده باشد با کجبت دانستم
ما بین پیش زانو وظیفه آن است که نظر نماید دامن خود شاید حکمت نظر در اینک
در احوال مذکوره [illegible] بوده باشد که نظر بان گوشه ادب صلوة
در مقابل انکس که جمع ازان مخلوقات مختص بعقول است هم از جمله امور مذکوره وظیفه
مکلف است باعتبار بدنها در احوال نماز پس بدانکه وظیفه مکلف باعتبار دو دست
در حال قیام آن است که دو دست را در حال قیام بگذارد بر دو ران خود مقابل دو زانو
باید جمیع انگشتها را باهم جسبانیده چنانکه بیان شد
الجمعه و در جمیع احوال قیام ثابت است مگر در حال قنوت که وظیفه مکلف باعتبار
دو دست آن است که دو دستها را بلند نماید مقابل رو نگه دارد و با فراغ از قنوت
دو دست آن است که دو دست بلند نماید بنحو که در
تکبیرات آن است که دو دست بلند نماید
و جمیع وظیفه او در حال رکوع آن است که
سابق مفصلا بیان شد و وظیفه مکلف باعتبار بدن در حال رکوع آن است که
دو دست را با انگشتان الاصابع بگذارد بر زانو است و باعتبار بدن در حال سجود آن است
بعین هیئت سر زانو است و وظیفه او باعتبار بدن در حال جلوس بطلقا
که دو دست را بگذارد بر ران مقابل زانو خود در حال تشهد بلکه در حال
صورت بگو در انکه [illegible] مقابل زانو و وظیفه او در حال سجود در حین آن است
که اول دو دست را بر زمین رساند بعد دو زانو را و در وقت ایستادن
دو دست را بعد از رفع زانو از زمین بردارد بعد از آنکه دو زانو را از زمین
برداشته باشد یعنی اول دو زانو را از روی زمین جدا نماید بعد از آن دو دست را
از زمین جدا نماید و وظیفه مکلف باعتبار دو دست در حال تشهد
جلوس مطلقا آن است که دو دست را بر ران بگذارد نزدیک بسر زانو چنانکه در تشهد

در بیان معنی تعقیب است

فصل سیم در بیان مستحبی است که بعد از فراغ از نماز است و آن تعقیب است تعقیب نماز

[illegible] است مشتمل بر ایراد کلام در ضمن مطلب اول در بیان معنی تعقیب مطلع

بر [illegible] صاحب صحاح گفته التعقیب فی الصلوة الجلوس بعدان تقضیها لدعاء او مسئلة

و [illegible] قاموس [illegible] مقتضای این کلام آنست که گفته است که جلوس بعد از صلوة

[illegible] دعا در صدق تعقیب اگر چه [illegible] دعا بوده باشد ظاهر آنست که ضمنی بوده

باشد و القصد ذکر دعا [illegible] مستحب است نظر با عمده دعا او مسئله و ذکر خاص [illegible]

نظر با عتنای [illegible] خاص و اهتمام [illegible] اگر چه [illegible] قایم لکن [illegible] بیان ذکر بعد از

[illegible] این راه بوده [illegible] صاحب قاموس اقتصار کرده است بر دعای تنها

قال التعقیب الجلوس بعد الصلوة لدعاء و آن اگر چه سالم از [illegible] لکن [illegible]

با قول [illegible] در هر دو که مقتضای کلام این دو نفر آنست که معتبر بوده باشد جلوس

در ماهیت تعقیب [illegible] هرگاه انسان بدعا [illegible] نماز در سجده [illegible] تعقیب

بوده باشد و همچنین هرگاه انسان بدعا [illegible] قایم یا ماشی [illegible] [illegible] [illegible] کرده

معنی لغوی است [illegible] نظر به [illegible] صلوة در کلام [illegible] نه لغوی [illegible]

[illegible] [illegible] آنست که [illegible] [illegible] ذکر مشتمل [illegible] بوده باشد [illegible]

[illegible] معنی لغوی و بعد از [illegible] کلمات [illegible] اصحاب [illegible] [illegible] [illegible]

در [illegible] [illegible] اگر چه [illegible] آنست که جلوس معتبر در تعقیب بوده باشد

[illegible] [illegible] افضلیة [illegible] آنست که جلوس معتبر در ماهیت

تعقیب نیست پس هرگاه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از غیره شود باید تعقیب

خواهد شد و همچنین انسان [illegible] [illegible] یا ماشیا [illegible] که [illegible]

بوده [illegible] تعقیب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] الاطلاق [illegible] [illegible] المنتهی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تعقیب [illegible] [illegible] [illegible]

الاشتغال عقیب الصلوة بدعاء او ذکر [illegible] [illegible] قرآن [illegible] [illegible] تعقیب

عبارتست از مشغول شدن بعد از نماز بدعا یا ذکر یا بقرآن یا [illegible] مطلب [illegible]

در بیان آنکه جلوس [illegible] در حقیقت تعقیب نیست

و [illegible] [illegible] [illegible]

در بیان فضیلت تعقیب

در ذکر جمله از اخبار وارده از ائمه اطهار علیهم السلام است در بیان فضیلت تعقیب [illegible] مطلع

بر مضمون آنها موجب رغبت مؤمنین شود در مداومت بآن پس میگوییم از جمله اخبار

مذکوره حدیثی است مروی در کافی و تهذیب [illegible] کاشف اسرار و دقایق [illegible]

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که [illegible] فرموده هر کس از ایشان [illegible] [illegible]

و مشغول بتعقیب شود تا مادام که [illegible] [illegible] مهمان خداوند عالم است [illegible] که خداوند

عالم [illegible] [illegible] مهمان خود خواهد فرمود و از جمله اخبار حدیثی است مروی

در تهذیب [illegible] صاحب [illegible] [illegible] حضرت امام حسن علیه السلام

که آن حضرت روایت فرموده از والد بزرگوار خود جناب حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام که [illegible] که آن حضرت فرموده که جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و مشغول [illegible] باشد

هر کسی که [illegible] در جای [illegible] از صبح [illegible] [illegible] مشغول

بذکر خداوند عالم قبل از طلوع شمس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جناب رسول

خدا کرده باشد و از جمله اخبار حدیث صحیح [illegible] [illegible] [illegible]

از جناب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از والد بزرگوار خود [illegible] و آن بزرگوار

از جناب حضرت امام حسن علیه السلام روایت [illegible] که فرموده هر کس نماز کند [illegible]

[illegible] در محل نماز خود تا آفتاب طلوع نماید [illegible] [illegible] [illegible]

و از جمله اخبار مذکوره حدیث صحیح [illegible] کاشف اسرار و دقایق جناب حضرت [illegible]

علیه السلام که فرموده تعقیب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

آنها حدیثی است مروی در کتاب [illegible] [illegible] [illegible] که فرموده [illegible]

[illegible] [illegible] صلوة [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و از جمله اخبار حدیثی است مروی از عبد الله بن یعفور [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و روی امام

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

چنین است که هیچ چیز در طلب رزق انفع نیست از تعقیب بعد از فراغ از نماز صبح
تا طلوع آفتاب فرموده اند بل ضمین است و لکن انفع از آن چیزی است ...
در روز جمعه اخبار در این باب رسیده است جماعت در مباحث آتیه مذکور خواهد شد

مطلب سیم در بیان جمله مهمه از تعقیبات ماثوره است میگوییم ...
از آنها سه تکبیر است بدانکه بعد از فراغ از تشهد مستحب است که اتیان بتکبیر نماید سه مرتبه
و مستحب است که دستها را بلند نموده تا محاذی گوش و در هر مرتبه که تکبیر گوید بحال
طبیعی بوده باشد چه در بعضی اخبار ... مستحب است ... از تسبیحات بعد
فراغ از نماز است که دستها را بلند نماید تا محاذی بالای سر خود چنانچه در حدیث صحیح
روایت در فقیه و تهذیب مذکور است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از فراغ
از نماز دو دست مبارک خود را بلند می نمود تا بالای سر ... و سنت ... مطلق
رفع یدین است لکن هر گاه در حالت اتیان بتکبیر ... افضل خواهد بود و اولی آنست
این ذکر بود ... از فقرات ماثوره تلاوت نماید لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده
و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل
شیء قدیر سیم تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است خصوص ... کمال فضیلت این
تسبیح مستفیض است از جمله حدیثی است ... الاول و الاواخر ... حضرت
امام محمد باقر علیه السلام که آن حضرت فرموده که عبادت کرده نشده خدا ...
جل شانه بچیزی از الحمد که افضل بوده باشد از تسبیح فاطمه علیها السلام و فرموده اند که اگر
چیزی افضل از این تسبیح بود هر آینه جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله عطا میفرمود
ارشاد فرمودند بفاطمه علیها السلام و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام ماثور است که فرموده تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در هر روز در عقب
هر نماز محبوب تر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز بدانکه مشهور
ما بین فقها در کیفیت این تسبیح این است که اول اتیان بتکبیر نماید سی و چهار مرتبه و بعد از آن
سی و سه مرتبه بگوید الحمد لله و بعد از آن سی و سه مرتبه بگوید سبحان الله که مجموع
یکصد مرتبه میشود و در الله اکبر و الحمد لله وقف باید یا وصل بحرکت ...

سلام ... که در حال تکبیر ...

اگر ... ادراک ... دو ... در این حالت ...

تعقیب ... کلام ... اول در بیان فضیلت این تسبیح است بدانکه ... اخبار

مطلب ثانی در بیان کیفیت این تسبیح ...

انقطاع ... خواهد شد

یا بی نحو را بمجموعه اکبر را وصل نماید بلام جلاله لکن با اسقاط همزه جلاله باید در لفظ
و تحقیق ... مکسوره لفظ جلاله را در الحمد لله را وصل نماید بلام ساکن الحمد با اسقاط
همزه وصل بعد از آن در غیر مرتبه اول خواهد بود جلاله را وصل بسکون نماید لکن با تخلل
فصل بعد از فراغ از تکبیره اولی ... قبل از شروع ... مرتبه دیگر ... تکبیر و تحمید
هر یک ... عدم اظهار حرکه ... های لفظ
جلاله الحمد لکن قطع نفس در هر دفعه دوم مثل اول ... عدم اظهار حرکه او و حرف
لکن قطع نفس نماید اما با تخلل فصل بعد از فراغ از ... و قبل از شروع ... مرتبه دیگر
سیم آنکه حرکه او و حرف ... اظهار نماید لکن ... وصل نماید بلام ... در لفظ جلاله
... که قطع نفس نماید با اظهار حرکه ... در او
... الحمد ... قطع
از تکبیر و تحمید ششم آنست که با اظهار حرکه حرف آخر را در ... اول
نفس نماید ... از را و ها را وصل بلام ... ظاهر ... مرکب از ... قسم
که بوده باشد ... اول ... وقف بسکون ... دوم ... وصل بسکون
ها وصل بحرکه و اول از سه قسم ... وصل بسکون ... دوم ... وقف بحرکه سیم
وصل بحرکه ظاهر این است که ... قسم ... فصل ... ناشی ... شده باشد
و اما تسبیح پس قرائت آن بچهار نحو متصور میشود اول عدم اظهار حرکه و حرف اول
با قطع نفس دوم مثل اول است با عدم قطع نفس خواه فصل متحقق ... شود یا نه
با نه سیم با اظهار حرکه حرف اول است با عدم قطع نفس چهارم مثل سیم است لکن با قطع نفس
هر یک از سه قسم که بوده باشد ... حاصل است ... قسم چهارم و اما
... تکبیر ... در عدم جواز وصل بحرکه
در ... کلام ... بحسب عدم وجود ... در طرف
... از طرف ... اعاده ...
در ما لف ... مقتضای قواعد لغت ... ما ...

مطلب سیم

عمل از این وجه دور نیست که بعضی از آن اشاره باشد به تکبیرة الاحرام با
کل تکبیرات ثابته در نماز مجملا غرض بیان در این مقام عمل [illegible]
از این راه بوده باشد که مرحوم شیخ شهید در الفیه [illegible] و غیره تصریح کرده
شده اند در تکبیرة الاحرام و حکم فرموده اند بر آنکه مستحب است ترک اعراب در آخر
تکبیرة الاحرام [illegible] حدیث مخصوص است مستلزم رجحان [illegible]
محقق ثانی [illegible] مذکور شده در کیفیت تسبیح سیدة النساء صلوات الله علیها و علی ابیها
و بعلها و اولادها [illegible] مشهور ما بین فقهاء آن است که شیخ صدوق [illegible]
[illegible] ظاهر می شود از شیخ صدوق نور الله مرقده [illegible] در جواز [illegible]
از [illegible] تقدیم [illegible] الحمد [illegible] و المعتقدات [illegible]
از [illegible] در کتاب [illegible]
صدوق و ابن الجنید مجملا از قول اگر چه ظاهر می شود از این عاطم مذکوره بلکه
صدوق [illegible] فرموده در بعضی امور [illegible] فرموده [illegible]
[illegible] لکن [illegible] ضعیف [illegible] تقدیم تکبیر [illegible]
بر تسبیح [illegible] مذکور شد مطلب سیم در بیان استحباب [illegible] بعد از فراغ از
تسبیح [illegible] مستحب است بعد از فراغ از تسبیح [illegible] الکلام در کتاب [illegible]
[illegible] فرموده [illegible] مضمون آن [illegible] اتیان [illegible] تسبیح
سیده نساء فاطمه زهرا علیها السلام [illegible] بعد از ادای فریضه بعد از
فراغ از تسبیح بگوید لا اله الا الله [illegible] و [illegible]
[illegible] از [illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] مضمون [illegible] فرمود [illegible]
[illegible] رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible] سیده [illegible]
[illegible] رسول خدا [illegible] که این [illegible] باشد که [illegible]
خدمات [illegible] خدمت [illegible] شریف [illegible]

مطلب [illegible] عمده دانستن نحوی از انواع [illegible] ذر جواب فرمودند ای فاطمه
[illegible] را دو چیز که [illegible] بهتر باشد از آنکه [illegible] خادم و از دنیا و آنچه در
[illegible] و آن [illegible] بعد از فراغ از هر نماز [illegible] الله
[illegible] تکبیر بگوید [illegible] بگوید الحمد لله [illegible] بگوید سبحان الله
بعد از فراغ از تسبیح بگوید لا اله الا الله [illegible] از آن [illegible] خادم [illegible]
بوده و [illegible] از دنیا و از هر چه [illegible] مطلب چهارم در
بیان آنکه مستحب است تسبیح سیده نساء علیها السلام [illegible] بعد از صلوات [illegible]
[illegible] مستحب [illegible] بعد از فراغ از نماز [illegible] واجب بوده باشد
[illegible] مستحب است تسبیح سیده نساء صلوات الله علیها عقیب صلوات [illegible]
اگر چه غیر از صلوات یومیه بوده باشد و اما استحباب آن عقیب صلوات
[illegible] شیخ صدوق در [illegible] فریضه [illegible] بوده
[illegible] للصحیح آن تسبیح [illegible] فاطمه الزهراء علیها السلام [illegible] در کل صلوة فریضه لکن ظاهر
[illegible] استحباب اگر چه عقیب نوافل بوده باشد [illegible] صحیح [illegible] در کلام [illegible]
در [illegible] سلار بن عبد العزیز [illegible] و عبارت آن مرحوم در
[illegible] و یستحب ان یسبح الانسان عقیب کل صلوة تسبیح الزهراء
فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] کل صلوة [illegible] نوافل [illegible]
[illegible] بعد [illegible] رکعت [illegible] فرموده اند
[illegible] مذکور [illegible] الامام [illegible] عبارة
[illegible] استحباب تسبیح [illegible] عقیب [illegible] رکعت [illegible]
[illegible] و عبارت آن مرحوم در [illegible] اطلاق
[illegible] فرموده [illegible] و تسبیح الزهراء علیها السلام فی اعقاب الصلوات
المفروضات سنة موکدة و هو فی اعقاب النوافل مستحب و عبارت [illegible]
[illegible] فرموده [illegible] تسبیح [illegible] عقیب کل فرض و نفل [illegible]

موقوف عدم سبب بلوغ عام که فرموده تکبیر الله بعد کل صلوة واما التمسک
اثبات التعقیب بما رواه فی الکافی عن ابی خالد القماط قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام
یقول تسبیح فاطمة فی کل یوم فی دبر کل صلوة احب الی من صلوة الف رکعة فی کل یوم
فلا یظهر وجهه للتمامیة [illegible] از آنچه مذکور شد حکم بسنیت استحباب این تسبیح
عقیب نماز واجب بوده باشد یا سنت لکن تاکید در خصوص آن
عقیب فرایض بیشتر است واما تکبیرات ثلث مذکوره با آنکه حکم تسبیح
لا اکثر آن است [illegible] بعد از نوافل چنانچه [illegible] بعد از فرایض بخصوص
بر فرایض [illegible] مستفاد از کلام شیخ [illegible] رحمه الله در روضة السعید [illegible]
بوده باشد نظر به آنکه شیخ وغیره از العقیبات ما ذکر فرموده اند عقیب
نافله زوال [illegible] تکبیرات فرموده اند [illegible]
ذکر نفرموده اند [illegible] آنکه ذکر فرموده اند بعد از فرایض
[illegible] تعقیبات [illegible] ظاهر میشود که معتقد اختصاص
بوده اند جواب [illegible] آن است که ذکر فریضه وعدم ذکر در نافله مظهر
عدم اعتقاد شرعیت عقیب نافله [illegible] عدم اعتقاد شرعیت اعم
از اعتقاد عدم شرعیت [illegible] نظر به آنکه عدم اعتقاد شرعیت چنانچه [illegible]
با اعتقاد عدم شرعیت [illegible] شرعیت نیز هست [illegible]
بنابراین [illegible] شیخ [illegible] فرموده اند
[illegible] این تکبیر عقیب دو رکعت اول نافله زوال [illegible]
[illegible] بعد از فراغ از دو رکعت اول نافله زوال وهمچنین بعد از فراغ از رکعت
چهارم و رکعت ششم [illegible]
~~[illegible]~~
~~[illegible]~~ مطلب پنجم در بیان آنکه چنانچه مستحب است
تسبیح سیدة النساء علیها السلام بعد از فراغ از صلوات مستحب است [illegible]

نوع چنانچه مصنف و [illegible] از حدیث معتبر [illegible] در کتاب [illegible] اصول کافی
حاصل مضمون آن حدیث این است [illegible] وقتی که اراده خوابیدن [illegible] تسبیح فاطمة الزهرا
علیها السلام [illegible] تکبیر سی و چهار مرتبه [illegible]
سی و سه مرتبه سبحان الله ظاهر این است [illegible] خواه در حال جلوس
باشد یا [illegible] در حال اضطجاع [illegible] لکن از حدیث صحیح
ظاهر میشود [illegible] کاشف علوم الاوائل والاواخر
جناب جعفر بن محمد امام محمد باقر علیه السلام حاصل مضمون آن این است که هرگاه کسی دست
راست خود را [illegible] قرار دهد [illegible] ظاهر این است [illegible] بوده باشد [illegible]
خود را زیر سر خود بگذارد و [illegible]
دعا را بخواند بسم الله اللهم انی اسلمت نفسی الیک ووجهت وجهی الیک
وفوضت امری الیک والجأت ظهری الیک وتوکلت علیک رهبة
منک ورغبة الیک لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک آمنت بکتابک
الذی انزلت وبرسولک الذی ارسلت بعد از آن [illegible] تسبیح [illegible]
[illegible] صلوات الله علیها [illegible]
[illegible] مشکوة الانوار [illegible]
[illegible] کاشف الاسرار [illegible] جعفر [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
علاج این [illegible] تسبیح سیده النساء فاطمه زهرا علیها السلام [illegible]
[illegible] تسبیح [illegible] فرموده [illegible] تکبیر [illegible]
الحمد لله [illegible] سبحان الله [illegible]
[illegible] تسبیح [illegible]

دیگر آنکه ادای آنها بیکدیگر متقارن
در حال تسبیح راه نرود
محاذی

برای آنکه ادا آنها تسبیح است عقیب صلوات اگرچه ممکن است لکن بعید است مطلب سیم
در بیان اموری که رعایت آن مناسب است در مقام ادای تسبیح و آنها دو قسم است
اول آنست که مختص است بیکی از اقسام ثلثه مذکوره دوم مشترک است مابین جمیع اما آنچه مختص
تسبیحیکه بعد از نماز است پس حاصل آنست که میگوئیم اولی آنست که رعایت شود در میان
جمیع آداب و شرایط صلوة پس اولی است نظر بآنکه مستفاد از اخبار در کتب ذکر نموده و ورد
انما یقرا بالصلوة یقرا بالتعقیب و در موضع دیگر است در حصل الشیء و ورد کلما یقرا
بالصلوة یقرا بالتعقیب بنابراین اولی آنست که در حال اشتغال بتسبیح با طهارت
بوده اجتناب نماید از حدث و خبث و همچنین از آنچه مبطل صلوة است مانند ترک تکلم
و اکل و شرب و غیره فاطمه ... باید و در حدیث صحیح وارد است من سبح تسبیح الزهراء
علیها السلام قبل ان یثنی رجلیه من صلوة الفریضة غفر له ... عبارت از صرف ... کردانیدن
اینست ... که تسبیح باید قبل از آنکه دو پای خود را بگرداند
از حالتیکه در تشهد بران حالت بوده از زیر بیرون کند ... او ... اولی این است که در
حال اشتغال بتسبیح رعایت نماید جمیع آنچه معتبر در نماز است لکن ... بطریق ...
در حال ... و ... بنابراین ... ناید بود ... خواهد بود
لکن ... ارتکاب مذکوره ... که مختص است
بتسبیح ... پس ظاهر آنست که ... تسبیح ... حال ...
... باید از جمیع احوال ... متصوره دو ...
... بوده ... از ... کردن ... بوده باشد ... و همچنین
... رعایت شرایط نماز در ... پس حکم ... طهارت ... این
تسبیح مخصوص ... در ... مخصوص و ... تکلم
و غیر آنها و اما آنچه مختص است بتسبیحیکه ... نقل ... از ... ماثور است
پس بیان آن این است که ظاهر آنست که ... سنت ... آن
... نماز ... در حال ... بوده باشد ... و ...
... و ...

و اما آنچه مشترک است مابین موارد مذکوره پس اول آنست که ادا نماید
تسبیح را متوالیا بدون فصل طویل یعنی فصل نماید مابین فصول
و انواع آن متوالی بوده باشد بنحو فصل طویل مخل بتوالی
و انواع آن منقطع نشود و در حدیث ... وارد است که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام ... نفس ... این بود که در حال تسبیح ... تسبیح را وصل میکردند و قطع
نمیفرمودند ظاهر آنست که مراد آن بوده باشد که فصول و انواع آنرا متصل
بهم ادا میفرمودند بلاوه ... در ... اضافه کرده و چهار ... تکبیر میگفتند ... الله اکبر
الحمد لله ... سبحان الله آنست که ... توالی بوده باشد اگر ...
... و اطلاق ... در ...
... ان ... میکوئیم ... بیان کنیم اگرچه در تسبیح
که توانیم ... عدم توالی ...
در حال ... مطلب ... و در بیان ... انتقال
حاصل میشود ... ضبط عدد ... شده
... تکبیر و تحمید و تسبیح ... باید ... بعد از ...
آن ... بوده باشد ... بوده باشد ... غیر
با تسبیح ... خواه ضبط عدد تسبیح بوده باشد ... و ثواب
تسبیح ... از فصول مذکوره ... اطلاق ...
شده ... فاطمه زهرا علیها السلام ضبط عدد ... تسبیح ...
... شده ... و تکبیرات ... معصوم ...
... شهادت ... وقت
... حضرت ... و بکار
از تربت مقدسه ... حضرت تسبیح ساختند ... ضبط عدد تسبیح ... و ...
... معصوم ... سید الشهدا ... شهادت ...
... از تربت مقدسه ... حضرت ... تربت ... کتاب
... از ... و افضلیت آن ... حضرت امام حسین صلوات الله و سلامه علیه ... تسبیح ...
... در حدیث ماثور است تسبیحیکه از تربت

نوارم و
ارحم
حالیه و

اللهم انی اعوذ بك ... من کل ضر احاط به علمك واعوذ بك من کل شر احاط به علمك اللهم انی اسألك عافیتك

مقدس جناب سید الشهدا در رستگی تا شدان کشف ازعلمای ... شود از رحم نفسش ... کربلا داند بوده باشد ... تبیع ... رستگی ... شود که کشف از علمای ... شود از رحم نفسش ... در حدیث ... که بخواند ... ازتربت جناب سید الشهداء ... استغفار ... رضوان ... عمل ... تعقیبات ...

چهارم از جمله تعقیبات ... آیة الکرسی است در کتاب ... رسالة ... دلسند معتبر از فرمود ... صلوات الله وسلامه علیه ... باعلی ... کسی که بخواند آیة الکرسی را در عقب ... نماز فریضه ... محافظت ... بر ان ... باصدیق یا شهید ... در این مقام معرفة آیة الکرسی ... در تعقیب ... شیخ ... صلوات ... در ... مخصوصه ...

در این مقام ... آیة الکرسی ... ما بین علما ... آیة الکرسی ...
حیث الدلالة ... علما ... شدند که
اول آیة الکرسی الله لا اله الا هو الحی القیوم ... خلافی که ... در اوان
یعنی آیة الکرسی ... هم فیها خالدون ... آیة الکرسی عبارت ... بود ... با جماعت
آیة الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات
وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون
بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی
العظیم لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت ویؤمن بالله
فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انفصام لها والله سمیع علیم الله ولی الذین آمنوا
یخرجهم من الظلمات الی النور والذین کفروا اولیاؤهم الطاغوت یخرجونهم من النور
الی الظلمات اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون ... آیة الکرسی ... عبارت ...
... مجموع ... مذکوره ... عبارات ... العظیم ... اصحاب
... قول اول ظاهر ... از جماعت از اعاظم اصحاب ...
شیخ الطائفة شیخ الطوسی قدس الله روحه قال فی المصباح فی عمل ذی الحجة ... الیوم الثامن
والعشرین ... هذا ... فی هذا الیوم تصدق امیر المؤمنین علیه السلام ... وروی
... الصادق علیه السلام انه قال من صلی فی هذا الیوم رکعتین قبل الزوال بنصف ساعة

شکر الله علی ما من به علیه ... وخصه به تقرأ فی کل رکعة ام الکتاب مرة واحدة
وعشر مرات قل هو الله احد وعشر مرات آیة الکرسی الی قوله هم فیها خالدون وعشر مرات
انا انزلناه عدلت عند الله عز وجل مائة الف حجة ومائة الف عمرة ولم یسأل الله عز وجل
حاجة من حوائج الدنیا والآخرة الا قضاها کائنة ما کانت ان شاء الله عز وجل وهذه الصلوة
بعینها ... رویناها فی یوم الغدیر بعینه ومنهم شیخنا الکفعمی ... فی الجنة الواقیة
فی مقام بیان صلوة یوم الغدیر ما هذا کلامه وصفة صلوة ما بین الرکعتین ان تقرأ فی کل
منها بعد الحمد التوحید وآیة الکرسی الی خالدون والقدر عشرا فانها تعدل عند الله ...
مائة الف حجة ومائة الف عمرة ولم یسأل الله ... حاجة من حوائج الدارین الا قضاها
کائنة ما کانت ثم قال صلوة یوم الصدقة بالخاتم وهو الرابع والعشرون من ذی الحجة
وهی کالغدیر کما وکیفا ووقتا وثوابا وفی البلد الامین صلوة یوم الغدیر رکعتان وهی
... رویناه عن الصادق علیه السلام قال من صلی فیه رکعتین قبل الزوال بنصف ساعة شکرا لله ... الاثنی
... علیه وخصه به تقرأ ... فی کل رکعة الحمد وکلا من التوحید وآیة الکرسی الی ... والقدر ... کلامه
والقدر عشرا عشرا ... وقوله الا ... الظاهر ...
ومنهم سید ... الجلیل ... طاوس ... کلامه فی الاقبال ... الکلام المذکور ...
قال ... تذکره ... فی هذا الیوم ... علی ... جماعة من الاعیان
والاخوان ... عن الصادق علیه السلام انه
قال ... فی هذا الیوم رکعتین قبل الزوال بنصف ساعة شکرا لله ... ما من
علیه وخصه به تقرأ فی کل رکعة ام الکتاب مرة واحدة وعشر مرات انا انزلناه
... القدر ... عند الله مائة الف حجة ... وهذه الصلوة بعینها
رویناها فی یوم الغدیر ... ومنهم العلامة اعلی الله مقامه ...
... الصلوة ... آیة الکرسی ...
فی ... المعتبرة قال فی القواعد وصلوة الغدیر رکعتان قبل الزوال بنصف
ساعة تقرأ فی کل منهما الحمد وکلا من القدر والتوحید وآیة الکرسی الی هم فیها
خالدون عشرا ... وفی التذکرة ... قبل الزوال بنصف ساعة
یوم الصدقة بالخاتم وهو الرابع والعشرون من ذی الحجة ... رکعتین تقرأ فی کل رکعة الحمد
... عشر مرات والقدر عشر مرات وآیة الکرسی الی قوله هم فیها خالدون ... قال الشیخ ...

الصلوة بعينها روينا ان في يوم الغدير و هو يعطي ان اية الكرسي الى قوله هم فيها خالدون
و في نهاية الاحكام تستحب ان يصلي يوم الثامن والعشرين من ذي الحجة و هو يوم الصدقة
بالخاتم قبل الزوال بنصف ساعة ركعتين تقرأ في كل ركعة الحمد مرة و قل هو الله احد
مرة و انا انزلناه و اية الكرسي الى قوله هم فيها خالدون والقدر عشر مرات قال ايضا
و هذه الصلوة بعينها روينا ها في يوم الغدير و هو يعطي ان اية الكرسي في صلوة الغدير الى
خالدون ليكن دلالت عبارات مذكوره بر انكه صاحبان اين عبارات را
اعتقاد انست كه اية الكرسي تا هم فيها خالدون است پس بگوييم اما عبارت شيخ الطايفه
كه فرموده و هذه الصلوة بعينها قد روينا ها في يوم الغدير پس بنا بر اين اشارت بصلاتيكه
در ان كتاب در بيان صلوة غدير ذكر فرموده اند و ان حديثيست اذا كان يوم الغدير و حضرت
عند امير المؤمنين عليه السلام او في مسجد الكوفة او حيث كان من البلاد فاغتسل في صدر النهار
منه فاذا بقي الى الزوال نصف ساعة فصل ركعتين تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب مرة و قل
هو الله احد عشر مرات و اية الكرسي عشر مرات و انا انزلناه عشر مرات الى اخره و ظهور لفظ اية الكرسي
در ايراد روايت چهارم تفسير فرموده اند تا هم فيها خالدون بعد فرموده اند ان بعينها
همانست كه در روايت عليبن دراز فرموده اند با انكه در ان اية الكرسي مطلق ذكر فرموده اند
پس معلوم ميشود كه اين مرحوم معتقد ان بوده باشد كه اية الكرسي مطلق تا هم فيها خالدون
بوده باشد و هو المطلوب ~~فاتحة مذكور شد كه معلوم ميشود كه اراده ان مرحوم در اية الكرسي مطلق~~
~~در كتاب مبسوط و نهايه و در اين دو موضع مذكور است بلكه ممكن است كه گفته بوده تفسير~~
مذكور در صلوة يوم روايت چهارم از خود ان مرحوم بوده باشد لهذا مذكور در
حديث مطلق اية الكرسي بوده باشد و ان تفسير نظر باعتقاد خود ان مرحوم بوده باشد ان
از لفظ روايت نباشد تفسير از راوي معصوم بوده باشد و ليكن مشهور است ان حديث
الكرسي تا فيها خالدون مطلق واقع الا انكه در اين محل خصوص مراد از ان ايات بعد از
ان محققين سنت ليكن بعد انست كه مذكور شد مشهور شد كه مراد ان مرحوم از اية الكرسي
در كتاب مبسوط و نهايه و در اين دو موضع مذكور است قال في المبسوط يستحب اليوم الغدير
بشرط ان يغتسل ذلك اليوم اذا بقي الى الزوال نصف ساعة بعد ان يغتسل ركعتين يقرأ
في كل ركعة منها الحمد مرة و قل هو الله احد عشر مرات و اية الكرسي عشر مرات و انا انزلناه عشر

منافيست در اين مقام شبهه بر وجه هم

رات الى اخره و ما ذكره و نقل ان است عبارت ان مرحوم در نهايه نيز الى اخره در مصباح
ذكر فرموده اند بعين اراده ان است در اين دو كتاب بلكه در هر جا كه لفظ اية الكرسي در كتب
ان مرحوم مذكور ميشود بلا قرينه بر خلاف تفسير شود و حمل كرد تا انكه مراد ان مرحوم از لفظ
بعينها اصل اية الكرسي است تا انكه يا هو بلكه ذكر فرموده اند مخالف خلاف ظاهر است
بنا بر اين پس ظاهر ان است كه مراد ان مرحوم در كتاب مصباح ذكر شد
ان است كه اين بزرگوار معتقد اين باشد كه مراد از اية الكرسي مطلق كه در عبارت علي بن
كه فرموده اند تا خالدون بعضي بوده باشد و بعضي در ساير كتب بلكه ظاهر و اين مطلب
مطلوب است كه اية الكرسي در نزد اين عبارت از ايتيست كه مذكور شد تا فيها خالدون
نا قل ظاهر است و ما دلالت عبارت ان مرحوم علامه در قواعد بر اين مطلب كه اية الكرسي
بوده باشد در نزد ان مرحوم پس ظاهر ان است كه مستند ان علامه سيد بر لفظ اية الكرسي
مطلق است و تفسير ان بتفسير مذكور منصب او بيان و شرح مطلب است مشهور مذكور
ان تفسير معتقد ان است و ان ظاهر است فا تنا است في المقام اراد المستفيد الى كيفيات الاطلاع
يوم اعظم الامر من خليفة في الوصول الى المرام فنقول نقل شيخ الطايفه في التهذيب عن مولانا
الصادق عليه السلام انه قال من صلى فيه ركعتين يغتسل عند زوال الشمس من قبل ان تزول
مقدار نصف ساعة يسال الله عز و جل يقرأ في كل ركعة سورة الحمد مرة و عشر مرات
قل هو الله احد و عشر مرات اية الكرسي و عشر مرات انا انزلناه عدلت عند الله عز و جل
مائة الف حجة و مائة الف عمرة و ما سال الله عز و جل حاجة من حوائج الدنيا و الاخرة
الا قضيت له كائنة ما كانت الحاجة و ان فاتتك الركعتان و الدعاء قضيتها بعد ذلك و اين حديث
ان اية الكرسي مذكور شد در مقام و ظاهر كلام ان مرحوم علامه در قواعد ظاهر ميشود حال
در كلام مرحوم كفعمي در جنة الواقية و بلد الامين و غيره بنا بر اين صاحب بيان بلكه
~~گواهيست دلالت عبارت اول كتاب عبد الامين در صحاح اين كلام~~
~~از كتاب الحديث الشريف عن النبي صلى الله عليه و آله حتى تقرأ اول البقرة~~
~~الى المفلحون و الهكم اله واحد الاية و اية الكرسي الى خالدون و ان ربكم الله الذي~~
~~الى المحسنين و اول الصافات الى لازب و اخر الحشر الى و انفسهما لا تنتصران~~

در ان كتاب هم

و سوء كلام انكه مذكور شد عبارت كه مذكور شد در بيان و ادله عبارت علامه و غيره ظاهر مانند اما ايضا مذكور شد در كلام شيخ الطايفه در اين ان مطلب بعينه ظاهر است در كلام سبيل ظاهر است هم

و عشر مرات علامه مرحوم هم

و اين حديث مستند كلام علامه طاب ثراه مرحوم تا فيها و تقييد اية الكرسي در مستند ان است و در عبارت اينجا تفسير است اين كه مراد از اينجا تا خالدون است در ان وهو المراد

الكرسي خالدون ... ومنهم شيخنا الشهيد قدس الله روحه في السعيد
الباقي قال بانها صلوة يوم الغدير قبل الزوال بنصف ساعة يقرأ في كل ركعة
الحمد مرة وكلا من التوحيد وآية الكرسي والقدر عشرا او نحوها مادة الفرجة
وعمره ويعطي بها سال الله ان قال وسابعها صلوة يوم الرابع والعشرين من ذي الحجة
وفيه تصدق علي عليه السلم بالخاتم يصلي فيه قبل الزوال بنصف ساعة بصيغة
صلوة الغدير انتهى وصرح ... كلام ... از آية الكرسي تا هم
فيها خالدون ... كه آية الكرسي در صلوة ... تفسير سوره
... تا هم فيها خالدون ... بر بيان ... تا ... الى
بان ... بصفة صلوة الغدير ... صاحب كلام معتقد
بوده ... آية الكرسي ... بوده ... وان ... ان
صاحب كلام معتقد ... بوده ... كه آية الكرسي ... مذكور
كلام ... در كتاب ... كلام ... نهم ...
صلوة في الغدير ... اللهم ...
... نقل ... كلام ... در بيان ... كه
مذكور ... كلام ... در كتاب ... ذكر ... قال صلوة
يوم الغدير وهي مشهورة بين الاصحاب ثم ذكر الحديث المذكور ثم قال ومنها
صلوة يوم المباهلة وهو الرابع والعشرون من ذي الحجة في اظهر الروايات وقيل
الحادي والعشرون ...
ركعتين الى ان قال وروى عن الصادق عليه السلم انه يصلي فيه ركعتان بصفة صلوة
يوم الغدير الا انه قال في آية الكرسي الى قوله هم فيها خالدون الى ...

ومن الصلوات المستحبة صلوة ...

وآية الكرسي الى هم فيها خالدون ومنهم المحقق ... انه قال في ... ومنها صلوة
يوم الغدير قبل الزوال بنصف ساعة وهي ركعتان يقرأ في كل ركعة الحمد
مرة وكلا من القدر والتوحيد وآية الكرسي الى قوله هم فيها خالدون عشرا الى
... ذكره ... ومنهم ... الشيخ ...
في ... المذكورة ...
... الى ان قال ... والمراد بالرواية
... الى التعميم ... وآية الكرسي
... وكلامه في المرام ...
... تعقيب صلوة الصبح ... الكتاب
ومنهم شيخنا البهائي قال في مفتاح الفلاح في تعقيب صلوة الصبح ...
وآية الكرسي الى هم فيها خالدون ومنهم ... الى قوله لا اله الا هو الحي القيوم ...
... فاتحة الكتاب وآية الكرسي ...
... هم فيها خالدون ... در كلام
ان ... آية الكرسي ... مذكور ...
في تفسيره ... قال واما آية الكرسي فانه
حدثني ابي عن الحسين بن خالد انه قرأ ابو الحسن الرضا عليه السلم الله لا اله الا هو الحي القيوم
لا تأخذه سنة ولا نوم اي نعاس له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى
عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم
قال ما بين ايديهم ما مضى من الانبياء وما كان وما خلفهم اي ما لم يكن بعد قوله الا بما شاء اي
... ولا يؤده حفظهما اي لا يثقل عليه حفظ ما في السموات والارض قوله
لا اكراه في الدين اي لا يكره احد على دينه الا بعد ان يتبين له وتبين له الرشد
من الغي فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله ... وهم الذين غصبوا آل محمد حقهم
قوله فقد استمسك بالعروة الوثقى يعني الولاية لا انفصام لها اي حبل لا انقطاع
له الله ولي الذين آمنوا يعني امير المؤمنين عليه السلم والائمة عليهم السلم يخرجهم من الظلمات

الى النور والذين كفروا هم الظالمون آل محمد اولياؤهم الطاغوت وهم الذين اتبعوا من غصبهم يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون والحمد لله رب العالمين كذلك نزلت حدثني ابي عن النضر بن سويد عن موسى بن بكر عن زرارة عن ابي عبد الله عليه السلام قوله وسع كرسيه السموات والارض ايما اوسع الكرسي او السموات والارض قال بل الكرسي وسع السموات والارض وكل شيء خلقه الله في الكرسي انتهى وهو مشهود ذكر لاصحابنا انه لو كان معتقدا بان اية الكرسي هو الى العظيم كان المناسب ذكر الحديث المتعلق بالكرسي هناك وعدم ذكره هناك في ذكره لعله لا ينفي برشد الى اعتقاده استناد [illegible] كلا الحق ومن جملة كذلك نزلت ينبه على ان الظاهر انه اشارة الى التالي لما ليس بشاذة الى خصوص ما ذكره في الاول من قوله الحمد لله رب العالمين وذلك لعدم الافتقار الى ادخال الكاف واللام في اسم الاشارة فيكون اشارة الى مجموع ما رواه عن مولانا الرضا عليه السلام الى قوله فتامل ومنهم العلامة المجلسي قال في مراة العقول هذا اللفظ قوله وايتين بعدها اي ذكرا ايتين بعدها وعدها من اية الكرسي فاطلاق اية الكرسي عليها على ارادة الجنس فيكون ثلث ايات كما يدل عليه بعض الاخبار انتهى كلامه في مقام توضيح رام التنبيه ان المراد الحديث الذي ذكر الكلام المذكور تفسيرا له فنقول روى في روضة الكافي عن محمد بن خالد عن حمزة بن عبيد عن اسمعيل بن عباد عن ابي عبد الله عليه السلام ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء واخرها وهو العلي العظيم والحمد لله رب العالمين وايتين بعدها بانه يمكن ان يقال ان مراد الكلام المذكور في تفسير هذا الحديث والضمير في قوله فيكون ثلث ايات راجعا الى اية الكرسي فدلالته على استقلال اية الكرسي الى خالدون من الاضافة فيه وهي في زوال العادة ودرمان اعال [illegible] ضبطه لهم اما بكيفيت [illegible] از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده اند كه هر كه دران بعد از نيم ساعت بيش از زوال نيم دو ركعت نماز بجا اورد ودر هر ركعت سجده حمد يكمرتبه ومثل حمد انا صعدوا انا انزلنا

ناهم فيها خالدون هر كه [illegible] كه اندراز [illegible] ومقدار [illegible] وصعود [illegible] مجموعه [illegible] كه كلمات صادرة از ايشان دال [illegible] كه اية الكرسي نزد ايشان تا هم فيها خالدون [illegible] از اعاظم علما والاكابر فضلا شهيد [illegible] ايشان [illegible] كه صفت [illegible] روضة الفوز [illegible] الى قوله اختلفوا ورد هو ده قال في مقام [illegible] الكرد [illegible] قال التحقيق باهنا اللفظ ومنها الكلام على المحل [illegible] دكر [illegible] اية الكرسي الى خالدون [illegible] كه كلمات [illegible] دال [illegible] اية الكرسي [illegible] ناهم فيها خالدون واما [illegible] كه اية الكرسي عندنا [illegible] فيها خالدون [illegible] بالعلي العظيم [illegible] الكرسي [illegible] ~~[illegible]~~ [illegible] على الارشاد والظاهر ان المراد [illegible] منهم شيخنا الشهيد الثاني قال في شرحه على الارشاد [illegible] الى العلي العظيم ومنهم المولى المحقق الاردبيلي التي يذكر فيها الكرسي اولها الله لا اله الا هو الى العلي العظيم [illegible] عند القراء قال في مجمع الفائدة والظاهر ان اية الكرسي الى قوله وهو العلي العظيم والمفسرين ومنهم صاحب مجمع البحرين قال اية الكرسي معروفة وهي الى قوله وهو العلي العظيم ومنهم الفاضل الخليل القزويني قال في شرحه على الاصول اية الكرسي كه در سوره بقره است الله لا اله الا هو الحي القيوم الى ان قال ولا يؤوده حفظهما وهو العلي العظيم ودر چند موضع [illegible] بر اين مجموعه [illegible] ومنهم المولى الصالح المازندراني قال الظاهر ان [illegible] في قوله الله لا اله الى العلي العظيم ومنهم السيد الجليل السيد على صاحب الدرجات الحسيني في شرحه على الصحيفة السجادية على منشئها الاف التحية والثناء قال في اول [illegible] التي اوردها في اواخر شرحه المذكور ما هذا لفظه اية الكرسي اولها الله لا اله الا هو الحي القيوم الى قوله العلي العظيم نص على ذلك بعض اصحابنا المتاخرين وهو المشهور انتهى كلامه [illegible] ولا يخفى ان نسبة التصريح الى بعض الاصحاب [illegible] يشعر بان رسم القول واتفقوا في هذه الدعوى العلامة المجلسي قال في البحار والمشهور ان اية الكرسي الى العلي العظيم ولكن في بعض الاخبار انها الى خالدون وقد سمعت كلامه في مراة العقول ايضا وهو القول

٥٤

من المفسرين من ناحية فقال انه والمصنف كالقول الاول ما رواه شيخ الطائفة
في المصباح قال روي عن الصادق عليه السلام انه قال من صلى في هذا اليوم
اي في اليوم الرابع والعشرين من ذي الحجة ركعتين قبل الزوال بنصف ساعة
شكرا لله على ما من به عليه وخصه به يقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب
مرة واحدة وعشر مرات قل هو الله احد وعشر مرات آية الكرسي الى قوله
هم فيها خالدون وعشر مرات انا انزلناه الى اخر ما حكينا عنه فيما سلف
ووجه الدلالة ان هذا [illegible] الظاهر من هذا الكلام ان الحد
المذكور انما هو لآية الكرسي [illegible] في اخرها وانتهائها من الخفاء [illegible]
لو لم يكن الى خالدون من آية الكرسي [illegible] المناسب ان يقول آية الكرسي واثنتين بعدها
كما لا يخفى وهذا المعنى هو الذي فهمه منه شيخ الطائفة وسيدنا السيد ابن طاوس [illegible]
كما يظهر منه في القواعد والبلد [illegible] ومنها ما [illegible] الاحكام [illegible] الاول وجمعنا الشهيد في البيان
وشيخنا الكفعمي في الجنة الواقية والبلد الامين والمحقق الثاني في [illegible]
الاول [illegible] ذكره [illegible] العلامة المجلسي والمحدث الكاشاني فلاحظ ما حكينا عنهم حتى
يتضح لك ذلك [illegible] وقوله سيدنا ابن طاوس [illegible] جماعة من الاعيان [illegible] شيخ الطائفة
حيث قال [illegible] الى اليوم الرابع والعشرين من ذي الحجة ما هذا لفظه فصل فيما
نذكره من عمل [illegible] في هذا اليوم العظيم [illegible] رواه [illegible] عن جماعة من
الاعيان [illegible] الطوسي فيما ذكره في المصباح
الى اخر ما حكينا عنه فيما سلف وقد عرفت ان المحدث ظاهره المعنى المذكور
وهذا الظهور مقتضى فهم هؤلاء الفحول ومنها ما رواه شيخنا الكفعمي [illegible]
[illegible] في كتبه [illegible] اوائل البلد الامين حاكيا عن كتاب [illegible]
عن النبي صلى الله عليه وآله انه قال من قرأ اول البقرة الى المفلحون
والهكم اله واحد وآية الكرسي الى خالدون فان ربكم الله الى الاعراف
المحسنين واول الصافات الى لازب ويا معشر الجن والانس الى فلا
تنتصران واواخر سورة الحشر وقل اوحي الى قوله شططا كفي كل سلطان [illegible]

لم يكن انما النقل لاجل [illegible] وآية الكرسي الى هم فيها خالدون كما لا يخفى [illegible]

وما صار الى [illegible]

و[illegible] وجه الدلالة [illegible] ما ذكرهم

ومنها

ومنها ما رواه في روضة الكافي عن محمد بن خالد عن حمزة بن عبيد عن اسماعيل بن
عباد عن ابي عبد الله عليه السلام ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وآخرها وهو العلي
العظيم والحمد لله رب العالمين وآيتين بعدها انتهى. على ان المراد بالتفسير في قوله وآخرها
آية الكرسي وقوله وآيتين بعدها فيه حذف والتقدير وذكر آيتين [illegible]
في كلام العلامة المجلسي [illegible] المناسب [illegible] الكلام واما [illegible] النصب
على صدر الدين في رياض السالكين [illegible] ان الرواية وردت بنصب آيتين ولا وجه
الا بعامل مقدر والتقدير واقرأ آيتين بعدها فيكون الكلام قد تم عند قوله
والحمد لله رب العالمين انتهى [illegible] ووجه حمل النصب على تقدير القول
اي وقل الحمد لله رب العالمين واقرأ آيتين بعدها [illegible] خلاف [illegible] مراد المورد انه
في مقام التحديد لآية الكرسي فقال [illegible] وآخرها العلي العظيم فتقدير القراءة غير ملائم لسوق
الكلام قطعا [illegible] الاسقاط [illegible] لا يخفى
على اربابه الافاضل [illegible] ذكره [illegible] وجه للنصب الا بعامل مقدر
وان كان [illegible] الفعل المقدر [illegible] غير ملائم لسوق الكلام اصلا لو صح
ان حاصل الكلام ح يكون [illegible] آية الكرسي وهو العلي العظيم وقل الحمد لله رب العالمين
واقرأ آيتين بعدها فان تقدير الفعل في الاول [illegible] المراد [illegible] وهكذا
اذا علمت ان آخر آية الكرسي [illegible] العلي العظيم فاذكر الله وقل الحمد لله رب العالمين [illegible]
[illegible] قراءة الآيتين [illegible] لا يخفى [illegible] النظر [illegible] وقلنا ان
المراد ان آخر آية الكرسي العلي العظيم لكن [illegible] آية الكرسي فقل الحمد لله رب العالمين
واقرأ آيتين بعدها [illegible] الثمرة المترتبة [illegible] التحديد المذكور [illegible] العلي العظيم
[illegible] الحكم [illegible] قراءة [illegible] ورد الامر بقراءتها [illegible]
على الفعل [illegible] فيها خالدون [illegible] على التقدير المذكور [illegible]
المعنى المذكور [illegible] الثمرة المذكورة كما لا يخفى [illegible] الكلام في
التسمية وذلك ليس مما يقتضيه [illegible] التقدير المذكور في كلام السيد المذكور

فرله م

في ال[illegible] موضوعه

محضر م

منوط عن درجة القبول [illegible] ما به مقتضای معنی اول اوست که الحمد لله رب العالمین
نزد [illegible] آیة الکرسی بوده باشد و ممکن است که کلام مولانا محمد تقی التقی المجلسی
این حدیث بوده باشد [illegible] که مذکور شد مرحوم [illegible] در شرح فقیه در مقام
[illegible] در بیت [illegible] و مستثنای آیة الکرسی در آیة الکرسی نحو که نازل شده
در روایات سائل النبی صلی الله علیه و آله لا بعد از العلی العظیم والحمد لله رب العالمین است و لله
ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری
عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم من ذا الذی [illegible] و این روایت نسخ علی بن ابراهیم
و کلینی و شیخ طبرسی [illegible] و غیر اینها ذکر کرده اند و تا منتهای را آیة الکرسی
علی التنزیل اشتهر کلامه [illegible] در روضه که [illegible] و حدیث
اول [illegible] عن [illegible] علی بن احمد بن محمد عن محمد بن خالد عن محمد بن سنان عن ابی [illegible]
محمد بن عبد الله و [illegible] عن ابی الحسن علیه السلام له ما فی السموات وما فی
الارض وما بینهما وما تحت الثری عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم من ذا الذی
یشفع عنده الا باذنه [illegible] محمد بن خالد عن حمزة بن عبید عن اسمعیل بن عباد
عن ابی عبد الله علیه السلام ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وآخرها وهو العلی العظیم
والحمد لله رب العالمین و آیتین بعدها [illegible] الله ولی [illegible] کلینی [illegible]
[illegible] بوده باشد [illegible] علی ابراهیم
و [illegible] تفسیر علی بن ابراهیم [illegible] الحمد لله رب العالمین
بعد العلی العظیم مذکور است [illegible] علی بن ابراهیم [illegible] مذکور شده [illegible]
کن تا حقیقت حال [illegible] شود [illegible] شیخ طبرسی مذکور در تفسیر
مجمع البیان و جوامع الجامع [illegible] و در تفسیر آیة الکرسی [illegible] مذکور است ابان
روایت از ابن ابراهیم [illegible] الحسین بن خالد انه قرأ ابو الحسن الرضا علیه السلام الله لا اله
الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما
وما تحت الثری عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه
علاوه [illegible] مجمع البیان و در تفسیر آیة الکرسی مذکور است [illegible] ذکر الحمد لله رب
العالمین بعد العلی العظیم [illegible] است [illegible] مذکور شده [illegible] ملحق نماند

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مذکور است

این معنی که مرحوم مجلسی [illegible] بوده و نسبت بروایات ائمه علیهم السلام داده مستند است باین معنی که
مرحوم سید مذکور در شرح صحیفه ذکر فرموده چنانچه وجه ان بعد از تامل ظاهر میشود
ومنها ما رواه ثقة الاسلام فی باب الدعاء فی ادبار الصلوات من کتاب الدعاء من
الکافی عن بکر بن محمد عمن رواه عن ابی عبد الله علیه السلام قال من قال هذه الکلمات
عند کل صلوة مکتوبة حفظ فی نفسه وداره وماله وولده اجیر نفسی ومالی وولدی
واهلی وداری وکل ما هو منی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم
یکن له کفوا احد واجیر نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی برب
الفلق من شر ما خلق الی آخرها وبرب الناس الی آخرها وبآیة الکرسی الی آخرها
وجه الدلالة هو انه لو کان آیة الکرسی عبارة الی العلی العظیم کان المناسب الاکتفاء
بلفظ آیة الکرسی [illegible] وعدم الاکتفاء بذلک والاتیان بقوله علیه السلام
الی آخرها للتنبیه علی امتداد ما اراد من الآیة المذکورة فیکون عبارة عما بعده
الی خالدون لانتفاء الواسطة [illegible] واما ما یستند قول بانه یعنی
آیة الکرسی تا وهو العلی العظیم است پس از آن بر چند حدیث است اول حدیثی است
روی در جوامع ثامن عشر از امالی شیخ فضیل القدر ابی علی فرزند ارجمند سعادتمند
شیخ الطائفه قال اخبرنا جماعة عن ابی المفضل حدثنا عبد الله بن ابی سفیان
ابو محمد القرشی السواق املاء من اصل کتابه بالموصل قال حدثنا ابراهیم بن
عمرو بن بکر قال حدثنا محمد بن شعیب بن شابور القرشی قال حدثنا عثمان بن ابی
العاتکة الهلالی عن علی بن یزید انه اخبره ان ابا عبد الرحمن القاسم بن
عبد الرحمن عن صدی ابی امامة الباهلی انه سمع علی بن ابی طالب علیه السلام
یقول ما اری رجلا ادرک عقله الاسلام وولد فی الاسلام یبیت لیلة
سوادها قلت وما سوادها یا ابا امامة قال جمیعها حتی یقرأ هذه الآیة
الله لا اله الا هو الحی القیوم فقرأ الآیة الی قوله ولا یؤده حفظهما وهو
العلی العظیم ثم قال فلو تعلمون ما هی او قال ما فیها لما ترکتموها علی حال ان

اواسط م

[illegible]

رسول الله صلی الله علیه و آله اخبرنی قال اعطیت آیة الکرسی من کنز تحت
العرش ولم یوتها نبی کان قبلی قال علی علیه السلام فما بت لیلة قط حتی سمعتها
من رسول الله صلی الله علیه و آله حتی اقرأها ثم قال لی یا ابا امامة انی اقرأها
ثلث مرات فی ثلث احایین کل لیلة فقلت وکیف تصنع فی قرائتک
لها یا ابن عم محمد قال اقرأها قبل الرکعتین بعد صلوة عشاء الاخرة
فوالله ما ترکتها منذ سمعت هذا الخبر من نبیکم علیه السلام حتی اخبرتک به
الحدیث و دلالته علی ان آیة الکرسی الی العظیم ما لا یخفی، فیه صلوت دوم
صدوق در کشف الکلام روایت فرموده در باب فضل القرآن در کتاب فضل
القرآن از عمرون جمیع رفعه الی علی بن الحسین علیهما السلام قال قال رسول الله
صلی الله علیه و آله من قرأ اربع آیات من اول البقرة و آیة الکرسی و آیتین
بعدها و ثلث آیات من آخرها لم یر فی نفسه و ماله شیئا یکرهه
ولا یقربه شیطان ولا ینسی القرآن و وجه دلالة این حدیث بر مدعا آنکه
چه محل منافات است نظر بانکه وارد از آیتین بعد آیة الکرسی و لا یعودهم
حفظهما بودن موقوف بر این است که ثابت شده باشد که مراد از آیة الکرسی
تا هو العلی العظیم بوده باشد چه اگر ثابت نبوده باشد ممکن است که مراد
از آیة الکرسی تمام آیتین بوده باشد و مراد از دو آیه بعد از آیة الکرسی دو آیه
بعد از خالدون بوده باشد پس مسکوت مذکور در این مقام مناسب
از مصادره نیست لکن این حدیث بجوبت صدوقیه و ذکره الطبرسی
در مجمع البیان ذکر فرموده حیث قال فی تعدادها بحسب ما ورد فان عن شعبی
که فرموده نقل عن عبد الله بن مسعود قال من قرأ عشر آیات من سورة
البقرة فی کل لیلة فی بیت لم یدخل فی تلک اللیلة شیطان حتی یصبح اربع
آیات من اولها و آیة الکرسی و آیتین بعدها و خواتیمها و وجه دلالة آنکه
چونکه دلیل صحیح بر تقدیر ثبوت بعد آیة الکرسی مراد از آیة الکرسی تا خالدون باشد یکبار

وانهما نهایة
و فیه صدوق در ثواب الاعمال
لا اکراه فی الدین الی آخره

نوده

بوده باشد و مراد از دو آیه بعد از آیة الکرسی دو آیه بعد از خالدون بوده باشد اما تا خالدون
و ان عدد آیات دوازده میشود نه ده که آن مخفی علی المتامل صدیث
سلیم حدیثی است که صاحب کتاب طب الائمه علیهم السلام که عبارت از حسین بن
بسطام و برادر او عبد الله بن بسطام بوده باشد چنانکه از ثانی ظاهر میشود
روایت نموده از محمد بن کثیر در باب اول از کتاب مذکور از الدین کثیر
دمشقی از حسن بن علی بن یقطین از حضرت من اهل سعادت و اهل ثبات
حضرت امام رضا علیه السلام که فرموده این عوذه حرز و امان است از هر
درد و وجع و آن عوذه این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله اخسئوا
فیها ولا تکلمون اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا او غیر تقی اخذت
بسمع الله و بصره علی اسماعکم و ابصارکم و بقوة الله علی قوتکم لا سلطان لکم
علی فلان بن فلانة ولا علی ذریته ولا علی ماله ولا علی اهل بیته سترت بینه
و بینکم بستر النبوة التی استتروا بها من سطوات الفراعنة جبرئیل عن ایمانکم
و میکائیل عن یسارکم و محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیته امامکم والله تعالی
مطلع علیکم یمنعه الله و ماله و ذریته و اهل بیته منکم و من الشیاطین ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انه لا یبلغ جهلک اناتک ما لا یبلغه مجهود نفسه
فعلیک توکلت و انت نعم المولی و نعم النصیر حرسک الله و ذریتک یا فلان
بما حرس به اولیاءه صلی الله علیه علی محمد و اهل بیته و تکتب آیة الکرسی الی قوله
و هو العلی العظیم ثم تکتب لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ولا ملجأ من الله الا
الیه حسبنا الله و نعم الوکیل حل سلام فی راس الشهر بیده طلسما ها
فلسل و الظاهر ان قوله علیه السلام الی قوله و هو العلی العظیم لدلالته بآیة الکرسی والمراد
نکتب آیة الکرسی و هی الی قوله و هو العلی العظیم فدلالته علی المرام مما لا یکاد یخفی
علی احد مع اولی الاحلام و بعد از الحمد در این باب بعد از ان محمد و در کتاب
نبوده در بیان عوذه ماخوذ و مسطور از تحف التحف نوس علیهم السلام روایت

از الحمد مذکور در
کلام هم مشهور
که با کروبیت
در مقام استدلال
او و خواص
نظر با قوانین در
دلالت صحیحه
حدیث اول
پس تمسک بان
حقیقة او ثابت است

کتاب

صحاف نقل نموده که آن حضرت ...

نموده از احمد بن محمد از الحسن بن محبوب صحاف از جناب سید سجاد علیه السلام
که فرمود یا صحاف قلت لبیک یا ابن رسول الله صلی الله علیه وآله قال انک
ما فوق دعوا هلک قلت بلی یا ابن رسول الله منذ ثلث سنین تدعا لجت بعلل
دواء فوالله ما نفعنی قال یا صحاف افلا اعلمک قلت یا ابن رسول الله والله
ما خفی علی ان علی کل شیء عندکم فرجه ولکنی استحییک قال ویلک وما منعک
الحیاء رجل مسحور ما خوذا اما اذا اردت بیان اعلمک بذلک قل بسم الله الرحمن
الرحیم اعوذ بک ایها السحر عن فلان بن فلانة بالله الذی قال لابلیس اخرج منها
مذموما مدحورا الی ان قال عمل ثم وما هم بضارین به من احد الا باذن الله الله لا اله
الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض من
ذا الذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من
علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی
العظیم ان الهکم لواحد رب السموات والارض وما بینهما ورب المشارق الی
او ما نسبه ... سمعان ... که در اصل منقولات ... در اضحه استعاذه — آیة الکرسی
ونیک ... آیة الکرسی خوانده ... که از اقوا العلی العظیم بود ... آیت
مذکور شده ... مذکور شده منتهای آیة الکرسی است
العظیم واسم المطلوب حدیث چهارم حدیثی است که شیخ صدوق در کتاب
خصال روایت فرموده در ضمن الخصال التی سأل عنها ابو ذر رحمة الله علیه قال
دخلت علی رسول الله صلی الله علیه وآله وهو جالس فی المسجد وحده فاغتنمت
خلوته فقال لی یا اباذر الی ان قال قلت فای آیة انزلها الله علیک
اعظم قال آیة الکرسی ... حدیث ... صاحب مکارم الاخلاق ... کتب مذکور
روایت ... نموده ... که ظاهر از سؤال ... ای آیة انزلها
الله علیک سؤال از آنه واحد است که اعظم بوده باشد ظاهر در مقام جواب آن
سؤال آیة الکرسی است که آیة الکرسی ... آیه بوده باشد ... ظاهر لفظ منتهی
آن است فان ... که آیة الکرسی منتهی شود ... العلی العظیم ...

که شیخ ... در ... اول آیة الکرسی است الله لا اله الا هو الحی القیوم و قول ... بر تکرار لفظ جلاله
تا القیوم یک آیت است ولا تأخذه سنة تا العظیم آیة دیگر است ... ظاهر از بعض علماء
فرموده ضعیف است حدیث پنجم حدیثی است ... روی در ... از کتب معتبره عامه یعنی
در کتاب تیسیر الوصول الی جامع الاصول ... روایت نموده از ابو هریره که جناب
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده ان لکل شیء سناما وان سنام القرآن سورة البقرة وفیها
آیة هی سیدة آی القرآن وهی آیة الکرسی حدیث ششم حدیثی است ... روی در کتاب
مذکور وغیره از ابی بن کعب از جناب رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرموده یا ابا المنذر اتدری
ای آیة من کتاب الله معک اعظم قلت الله لا اله الا هو الحی القیوم فضرب فی صدری
فقال لیهنک العلم یا ابا المنذر حدیث هفتم حدیثی است ... روی در کتاب مصابیح و تیسیر
الوصول الی جامع الاصول و غیرهما عن ابی هریره قال وکلنی رسول الله صلی — البارحه
الله علیه وآله بحفظ زکوة رمضان فاتانی آت فجعل یحثو من الطعام فاخذته
وقلت لارفعنک الی رسول الله صلی الله علیه وآله قال انی محتاج وعلی عیال ولی حاجة
شدیدة قال فخلیت عنه فاصبحت فقال النبی صلی الله علیه وآله یا ابا هریرة ما فعل — وعیالا فرحمته
اسیرک البارحة قلت یا رسول الله شکی حاجة شدیدة وعیالا فرحمته فخلیت سبیله فقال
اما انه سیعود فرصدته فجاء یحثو من الطعام فاخذته فقلت لارفعنک الی رسول الله
صلی الله علیه وآله قال دعنی فانی محتاج وعلی عیال لا اعود فرحمته فخلیت سبیله فاصبحت
فقال رسول الله صلی الله علیه وآله یا ابا هریرة ما فعل اسیرک البارحة قلت یا رسول
الله شکی حاجة شدیدة وعیالا فرحمته فخلیت سبیله فقال اما انه کذبک وسیعود
فرصدته فجاء یحثو من الطعام فاخذته فقلت لارفعنک الی رسول الله صلی الله علیه وآله
وهذا آخر ثلث مرات انک تزعم لا تعود ثم تعود فقال دعنی اعلمک کلمات ینفعک
الله بها اذا اویت الی فراشک فاقرأ آیة الکرسی الله لا اله الا هو الحی القیوم حتی تختم الآیة
فانک لن یزال علیک من الله حافظ ولا یقربک شیطان حتی تصبح فخلیت
سبیله فاصبحت فقال لی رسول الله ما فعل اسیرک فقلت زعم انه یعلمنی کلمات

ينفعنى الله بها فقال اما انه صدقك وهو كذوب يعنى صدقك در آية الكرسى و در احاديث صحيحه
لكنه كذوب فى عدم العود وجه الدلالة على المدعى ظاهر لوضوح ان قوله حتى تختم الآية دال
على انتهاء آية الكرسى بقوله العلى العظيم وقوله قال لم تكن تحبه لكن تصديقه صلى الله عليه وآله بقوله و تك
بقية الكلام ... سخن اين جواب گفته شود باز مستنديكه گردانيد قول اول
ذكر كرديم اما انتصار معتمد شيخ رحمه در مصباح ذكر فرموده اند پس اين مقدوح است سنداً و دلالة
اما بحسب سند نظر باينكه حديث مرسل است وسند ان مطلقا معلوم نيست چنين قول رحمه
شيخ فرموده اند در اماني الصادق عليه السلام ... اول معلوم است و واسطه مطلقا مرحوم شيخ و در اول
پس اعتقاد بان در بيان راوى شيخ نمى توان نمود خصوصا در صورتيكه مخالف ظاهر لفظ بوده
باشد واما قصور در دلالة پس بجهت انكه ممكن است الى قوله هم فيها خالدون از كلام مرحوم
شيخ بوده باشد وان تفسير اعتقاد مرحوم بوده باشد نظر باينكه اين چونكه اعتقاد
ان مرحوم اين بوده كه آية الكرسى منتهى است الى خالدون لهذا آية الكرسى در حديث را
تفسير فرموده ابدا بانچه مذكور شد بر فرض تسليم انكه منهم تفسير مذكور از حديث بوده باشد
چنانكه ان ظاهر است ميگوئيم ومعلى كلام محتاج بحذف است چنانكه در سابق اشاره بان
نموديم وان تقدير چنانكه ممكن است اين بوده باشد پس تقدير چنين خواهد بود وحشر
وانست آية الكرسى ومايلى الى قوله هم فيها خالدون همچنين ممكن است بتقدير اين كه وحشر آيات
آية الكرسى وما بعدها الى قوله هم فيها خالدون و بر تقدير اول اگرچه دلالت بر مدعى
ثابت است لكن بنا بر ثانى ثابت نيست بلكه دلالت بر خلاف ثابت است فاذا جاء الاحتمال
بطل الاستدلال بنا براين انچه لازم از حديث مذكور است انست كه در ان زيادتى
نيست و صاحب كتاب در الجواهر ذكر فرموده است كه سه آيه را زياده بر سنه تلاوت نمائيد
وان تسليم اين است كه آية الكرسى مطلق هرجا تنها گفته شده باشد حمل بود بر اين معنى
وانچه ظاهر است انچه مذكور شد ظاهر شود وجواب حديثيكه از حضرت نقل
الامام مذكور شد پس احتياج باعاده كلام در ان نيست حقا ما حصل ... ونصه
بكار نيست آن نيز مقدوح است سنداً ودلالة اما قدح در سند پس بجهت انكه حمزة بن
عبيد مذكور در كتب رجال نيست مگر حمزة بن بزيع و همچنين راوى مى اسمعيل

ابدا

عباد نظر باينكه اسمعيل مذكور مى عباد مذكور در رجال نيست مگر اسمعيل بن نوح بن ابان شيخ رحمه
در رجال در اصحاب حضرت امام رضا عليه السلام ذكر فرموده ومطلق وعدم توثيق ظاهر است راوى
حديث را روايت نموده از حضرت امام جعفر صادق ع نظر باين پس ...
راوى مذكور در رجال نمى باشد نيز بر فرض آنكه مذكور در رجال مجهول الحال است
واما قدح در دلالت پس بجهت انست كه لفظ آية الكرسى مطلقا مذكور در حديث
نيست تا انكه ضمير اوّلها راجع شود بان پس ميگوئيم چنانكه ممكن است ضمير مذكور
راجع بوده باشد بآية الكرسى ممكن است كه راجع باشد باصل آيه نظر باختلاف
مفسرين كه الله لا اله تا العلى العظيم دو آيه است يا يك آيه اول
الله لا اله الا هو الحى القيوم تا ثانيه لا تأخذه سنة ولا نوم تا العلى العظيم
بنابراين مقصود از حديث نفى حرف در قول بآنكه تعدد است پس
معنى اولها وهو العلى العظيم اخر آيه كه مقصود است الله لا اله الا هو تا العلى العظيم
مجملا اين حديث محتمل است ... علاوه ميگوئيم ممكن است ميگوئيم كه اين حديث
مجمل است نظر باينكه بيان نموده ابدا در مقصود شده باشد كه اول بسم الله باشد
ولا يحيطون بشىء من علمه الا بما شاء واخرها وهو العلى العظيم بلكه منشا تعدد باشد
كه اصل كلام نصب شود باقل آيه كه الله لا اله الا هو الحى القيوم واخرها
وهو العلى العظيم فرموده باشند آية الكرسى اولها والحى القيوم وهو العلى العظيم بلكه
منشا آن قول باشند اما آية الكرسى الى خالدون انچه كه فرموده باشند
واخرها خالدون وان ظاهر است پس مطلقا اعتقاد باين در حكم باستناد
آية الكرسى الى خالدون نمى توان نمود چنانچه متامل در آيه مذكور
شد ظاهر ميشود وما صواب ... از حديث اولها
روى در كتب ديگر ... ميگوئيم لفظ الى اخرها نه بجهت اينكه مذكور شد بلكه
شد بلكه بجهت رفع توهم اكتفا بلفظ آية الكرسى است باين نحو اخير نفى وما

41

و ما له و ولای و اهل و داری و کل ما هو منی بآیة الکرسی یعنی اگر لفظ الا هو تا
مذکور نبود توهم این میشد که مراد این نبوده باشد که باین لفظ تلاوت نماید
پس فایده لفظ الی آخر ما تحت این است که اینجا رفع توهم اراده این [illegible] و اهله
مراد این است که باین لفظ تلاوت تمام آیه یعنی ما له و ولای و اهل و داری و کل ما
هو منی بالله لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة و لا نوم الی آخر الآیة مجملا
فایده لفظ الا هو [illegible] ممکن است این بوده باشد که در وجه استدلال مذکور شد
ممکن است [illegible] بوده باشد که در این مقام مذکور شد اگر چه ادعای ظهور [illegible]
[illegible] ادعای ظهور اول ممکن نیست [illegible] الاشتغال [illegible]
اعتماد باخبار مذکوره در حکم باستفاده آیة الکرسی الی خالدون ممکن نیست [illegible]
در این مقام هست کلمات مذکوره از اجله علمای مذکوره است پس میگوییم انصاف
این است که کلام شیخ الطائفه نور الله [illegible] دال بر آن است که این مرحوم معتقد
این بوده باشد که آیة الکرسی ممتد بوده باشد تا خالدون چنانچه در وجه استدلال گذشت مقام م
اول مذکور شد و همچنین کلام [illegible] ابن طاوس [illegible] اصحاب
بر این مطلب [illegible] کلام مرحوم علامه
و غیر آن [illegible] فرموده اند که آیة الکرسی در نماز روز
عید غدیر تلاوت شاید تا هم فیها خالدون با آنکه حدیثی که مشتمل [illegible] مستند
این صلوة [illegible] مشتمل [illegible] لفظ آیة الکرسی پس این تفسیر از اعاظم علمای مذکوره [illegible]
[illegible] که آیة الکرسی [illegible] باعتقاد ایشان ممتد است تا خالدون
انصاف [illegible] که این [illegible] چنانچه ممکن است که این تفسیر
[illegible] بوده باشد که مذکور شد ممکن است [illegible] اعتقاد مرحوم
شیخ بوده باشد [illegible] صلوة مذکوره از صلوات [illegible]
[illegible] در امور [illegible] ثابت است و چونکه [illegible]
[illegible] کلام مرحوم شیخ این است که آیة الکرسی در صلوة روز عید غدیر ممتد است
تا خالدون

بایدم تا هم فیها خالدون

بایدم

تا هم فیها خالدون بوده باشد لهذا علامه مرحوم علامه [illegible] عنه
و غیره [illegible] فرموده اند تا این مطلب [illegible] در امور [illegible] تفسیر مذکور
از علمای مذکوره [illegible] این راه بوده باشد که مذکور شد [illegible] اعتقاد
[illegible] آیة الکرسی تا محل مذکور پس حکم [illegible] اجله علمای مذکوره معتقد
این [illegible] که [illegible] آیة الکرسی ممتد است تا خالدون [illegible] مطلب
[illegible] نسبت این
کلام مرحوم علامه در نهایة الاحکام و تذکره قال فی نهایة الاحکام
یصلی یوم الرابع و العشرین من ذی الحجة و هو یوم الصدقة بالخاتم قبل الزوال
بنصف ساعة رکعتین یقرأ فی کل رکعة الحمد مرة و کل واحدة من الاخلاص
و آیة الکرسی الی هم فیها خالدون و القدر عشر مرات قال الشیخ و هذه الصلوة
بعینها رویناها فی یوم الغدیر و هو یعطی ان آیة الکرسی فی صلوة الغدیر الی خالدون
و [illegible] کلام [illegible] پس اگر آن مرحوم معتقد این مطلب بوده [illegible]
کلام [illegible] کلام نهایة [illegible] کلام آن مرحوم در تذکره
قال بعد ان حکی کلام شیخ الطائفة و هو یعطی ان آیة الکرسی الی قوله هم فیها خالدون در نهایة
ان هذا کلام [illegible] کلام شیخ [illegible] صلوة غدیر [illegible] داده اند
و در تذکره [illegible] ظاهر آن است [illegible] پس
[illegible] کلمات مذکوره از مرحوم علامه و غیره در حکم [illegible] معتقد
این [illegible] که آیة الکرسی ممتد است تا خالدون [illegible] کلام شیخ [illegible]
[illegible] مقام استدلال [illegible] صلوة روز عید غدیر بقوله
[illegible] ظاهر [illegible] علمای مذکوره [illegible] متعلق است بصلوة
روز عید غدیر [illegible] مذکور شد و اما [illegible] متعلق بآن بوده باشد [illegible]
کلام مرحوم شیخ [illegible] و کلام [illegible]
[illegible] ملاحظه [illegible] صلوة [illegible]
ذی الحجة [illegible] آیة الکرسی [illegible] مذکور شد [illegible]

ضمن نیت بلکه آیة الکرسی ... مستند در این دو مقام مطلق بوده است
در این صورت کلام این دو بزرگوار دلالت دارد بر اینکه ایشان
معتقد استحباب آیة الکرسی بوده تا خالدون بوده اند لکن بقصد نیت
نظر باینکه منکر خلاف در مسئله نیستیم پس این دو بزرگوار
شیخ وغیره بوده مقصود در این قول ... تا ... مذکور شد مستفاد میشود
که مختار در مسئله آنست که آیة الکرسی تا العلی العظیم بوده باشد
نظر بضعف مستند قول باستحباب تا خالدون ... وله الحمد ...
بیان شد ... مستند بلکه در اثبات قول آخر ذکر کردیم
اگرچه مستند آن نیز ضعیف است لکن بمسامحه تمام است اگرچه در بعض
... توان نمود اگر ادلة تمام است اگرچه در بعض منافرت توان نمود
وضعف مستند در این مقام مضر نیست نظر باینکه ... آیه مستحب است اضافه ...
بجهت احتمال آن ... کرسی مثل آیه ملک ... عبارت ... آیة ... بوده
که مشتمل بر لفظ کرسی است ... نصوص مذکوره که دال بر آن ... مطلب است
... آیة الکرسی علاوه بر این مطلب ... محتاج ... بدلیل دیگر
و چون که نصوص ... فاضل ... که توان ... اعتماد ... نمود در اینکه ... معانی
مطلقه لهذا اعراض از آن ... تعیین ... در نماز روز
جمعه و جماعت ... حدیث ... دلالت ... بر اینکه تلاوت تا
... خالدون ... و حدیث ... در این
مقام مقتضی ... اصحاب لهذا عمل بمقتضای آن در ... تعقیب است و اگر
در مقام دیگر ... دلیل یافت شود که اعتماد بر آن توان نمود ... عمل بمقتضای آن
بتعقیب ... کلام در صورت اطلاق آیة الکرسی است ... در آن ...
وقت احتیاط ... العلی العظیم ... توان نمود بلکه ... بقصد ... وظیفه
... بقصد تلاوت قرآن تعقیب ... قال شیخنا الشهید
... فی شرح الارشاد والظاهر ان المراد بآیة الکرسی الآیة التی یذکر فیها الکرسی او لها الله

لا اله الا هو الی العلی العظیم ثم ذکر فی صلوة یوم المباهلة انه تقرأ الی خالدون
ولا دلالة فیه علی التعرض الی غیرها فان کان فعله جایزا ... الآیة
... وکلام این بزرگوار ... تا ... فرموده وان کان فعله
جایز است بقصد توظیف بوده باشد چنین نیست وقطع نظر از آن کرده
چنین است که فرموده اند ... منقص شد که آیة
الکرسی در آن مطلق است لکن نظر اعیان علماء مثل شیخ الطائفه ... وسید ابن طاوس
و مرحوم علامه و شیخ شهید و محقق ثانی ... کفعمی ... بزرگوار ... کلینی ... صاحب
... قدس الله تعالی ارواحهم ...
فرموده اند بر اینکه آیة الکرسی در این نماز تا هم فیها خالدون است لهذا عمل باین اولی
بتعقیب اگرچه ... اشاره شد ... ممکن است که مرحوم علامه ...
اعتقاد ... فرموده باشند ومبنای فرمودند ... مرحوم ...
آن مرحوم بوده باشد باستحباب آیة الکرسی الی خالدون مجملا ... قراءة آیة الکرسی
در این نماز ... علماء مذکوره بتعقیب ... منتهی ...
از تعقیبات ... تعقیب ... قرائت ... سوره ... توحید
دوازده مرتبه ...
وتعیین ... امیر المؤمنین علیه السلام ... فرموده که ... دارد وقت
بیرون رفتن ... خالق ... از جمیع معاصی ...
... در عقب ...
توحید سوره مبارکه ... دوازده مرتبه ...
... بعد ازین دعا را بخواند اللهم انی اسئلک باسمک
المکنون المخزون الطاهر الطهر المبارک واسئلک باسمک العظیم ...

الطاهر المطهر المبارک العظیم و سلطانک القدیم یا دائم المعطی یا
باسط الید الاسادیر ان تصلی علی محمد وال محمد یا واهب العطایا یا باسط
الفادح — الایادی یا فکاک الارقاب من النار اسئلک ان تصلی علی محمد وال
محمد وان تعتق رقبتی من النار وان تخرجنی من الدنیا امنا وتدخلنی الجنة
سالما وان تجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره صلاحا
انک انت علام الغیوب بعد از ان جناب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام — نکات رو نمود که
تاکید و فضل بعض از آیات که این تعقیبات اختیار نموده ام از جمله جز پانزده
که جناب فخر کائنات رسول خدا صلی الله علیه وآله [illegible] فرموده اند ذوالکتاب
ارفرموده بعد [illegible] که تعلیم کنم این را کتب لحسینی علیهما السلام فخر [illegible] که حدیث
مذکور در فقیه و تهذیب روایت شده است شیخان از ربان الکلی رحمهم
شیخ صدوق در کتاب معانی الاخبار رحمه حدیث را روایت فرموده اند
مستفاد آنکه مقتضای حدیث مذکور [illegible] اعتبار قراءة
سوره مبارکه توحید است دوازده مرتبه لکن مقتضای حدیث مروی از ثواب
الاعمال جواز اجتزاء بقراءة سوره مذکوره اگر چه یک دفعه بوده باشد
ان هم — [illegible] حدیث [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده هم — کسی که ایمان [illegible] و اعتقاد [illegible] واجب است
[illegible] قل هو الله احد در عقیب [illegible] سوره
مبارکه [illegible]
[illegible] گناه [illegible] والدین [illegible] از جمله تعقیبات مذکوره
[illegible]
وما لی وولدی واهلی وداری — نفسی [illegible] وما لی وولدی [illegible] وکل ما هو منی بالله
الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد واجیر نفسی ومالی
وما لی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا
وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد واجیر نفسی ومالی وولدی

واهلی وداری

واهلی وداری وکل ما هو منی برب الناس ملک الناس اله الناس من شر الوسواس
الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس [illegible]
[illegible] بعد از فراغ ان بوده باشد [illegible]
نفسی ومالی وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی بالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
حفظ هم — الی آخره از کتاب اسرار [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام روایت که
هر کس این کلمات را بگوید بخواند عقیب هر نماز فریضه باعث حفظ نفس و مال و ولد
او میشود و ششم از تعقیبات مذکوره آیات که مشتمل است بر آن حدیث
موثق [illegible] فضل القرآن از کلینی از جناب امام جعفر صادق علیه السلام
که فرموده [illegible] چونکه آیات [illegible] اند نازل شوند
بر اهل زمین [illegible] عرض کرد [illegible] بار الها [illegible]
[illegible] که نازل شوید هم — بسوی اهل معاصی [illegible]
نظر رحمت و التفات — [illegible] فرمود [illegible] اهل زمین [illegible] هر کس از آل محمد و شیعه
انا انعام — ایشان [illegible] تلاوت کند در عقیب [illegible] نماز فریضه [illegible] را
ساکن میگردانم [illegible]
معلوم شد هم — آیات مذکوره عبارت است از ام الکتاب و شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم و آیة الکرسی و آیة الملک
که عبارت است از قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء
وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر [illegible] مراد
در این مقام — از ام الکتاب [illegible] فاتحة الکتاب [illegible] اطلاق [illegible] بر آن
[illegible] آیه سوره مبارکه آل عمران
بوده باشد که عبارت است از [illegible] الکتاب منه آیات محکمات
هن ام الکتاب واخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون
ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله الا الله والراسخون

والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولو الالباب
تلاوت م ظاهر این آیه که از ام الکتاب است در این مقام حجت قطعی بوده باشد
هم از تعقیبات مذکوره تسبیحات اربع است بعد از هر فریضه [illegible] بنظر
بحدیث صحیح روی در ثواب الاعمال حاصل مضمون آن حدیث صحیح آن است
که روزی فقرا خدمت آن حضرت رسالت‌مآب صلی الله علیه و آله فقط
سعادت م فرموده‌اند با هم که خدمت ایشان مشرف بودند با صحبت [illegible]
هر گاه کمال [illegible] است [illegible] بعضی از آن [illegible] بعضی دیگر
بکنند [illegible] اصحاب [illegible] که [illegible] عرض کردند
جبرئیل [illegible] فرموده [illegible] دلالت کنم شما را بچیزی که [illegible] او
[illegible] بوده باشد [illegible] آن را [illegible] عرض کردند بلی یا رسول الله فرمودند
بگوئید بعد از فراغ از هر فریضه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
[illegible] هر گاه [illegible] محفوظ بماند از خراب شدن عمارت
بر روی آن [illegible] غرق شدن و افتادن در چاه و محفوظ
بماند [illegible] از هر بلیه [illegible] نازل شود در آن روز
و این کلمات باقیات الصالحات [illegible] نقصان [illegible]
[illegible] مذکور [illegible] خواه [illegible] بوده باشد [illegible]
لکن [illegible] در [illegible] صلوات مقصوره [illegible]
[illegible] مبالغه در حدیث [illegible] شده [illegible] صدوق در کتاب
مجالس [illegible] که حاصل مضمون آن این است که هر گاه کسی در عقب هر نماز
تشهد م فریضه [illegible] بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر قبل از آنکه برخیزد
[illegible] خود [illegible] حالتی که [illegible] در حالت [illegible] بعد از آن مطلبی که دارد
[illegible] در گاه واهب العطایا بشرف اجابت مشرف خواهد شد

تشهد م [illegible] برآن در حال

دائم دعائی است روی در مجالس برقه در حدیث صحیح حاصل مضمون آن این است که کسی که
بگوید بعد از فراغ از نماز صبح [illegible] بگرداند روی از آنکه خود سوار [illegible] که ده بار
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا چهل هزار [illegible] ده مرتبه [illegible] عالم [illegible] چهل هزار هزار
گناه را [illegible] عالم [illegible] در نامه عمل او ثبت میشود هزار هزار حسنه
[illegible] که ختم نماید قرآن را دوازده مرتبه یازدهم دعائی است که مشتمل
بوده باشد بر استعاذه از نار و طلب جنت و حور العین [illegible] روایت
بوده [illegible] که حاصل مضمون آن این است که هر بنده که از نماز فارغ شد و گفت
اللهم اعتقنی من النار وادخلنی الجنة وزوجنی الحور العین [illegible]
آتش جهنم میگوید ای پروردگار عالم [illegible] که بنده تو از تو سوال میکند
که او را آزاد کنی از من پس او را آزاد کن و بهشت میگوید ای پروردگار
بنده تو سوال کرد [illegible] از تو [illegible] او را ساکن گردانی در من و حور العین میگوید
ای پروردگار [illegible] بنده تو [illegible] پس تزویج کن ما را و
دوازدهم [illegible] آنها علیهم السلام [illegible]
[illegible] رضیت بالله ربا وبالاسلام دینا وبالقرآن کتابا
وبمحمد نبیا وبعلی اماما وبالحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن
محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة
ابن الحسن بن علی [illegible] علیهم السلام ائمة اللهم ولیک الحجة فاحفظه من بین یدیه
ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته وامدد له فی
عمره واجعله القائم بامرک المنتصر لدینک [illegible] ما یحب وتقر به عینه
[illegible] نفسه وذریته واهله وماله وفی شیعته

[illegible] که ستر [illegible] عالم [illegible] شنیدن کلام خلاق را عطا فرموده [illegible] و آتش جهنم و حور العین [illegible]

[illegible] اللهم صل علی محمد وآل محمد [illegible] این دعا [illegible] فضل در اجابت [illegible]

[illegible]

وَفِی عَدُوِّهِ وَاَرِهِم مِنهُ مَا کَانُوا یَحذَرُونَ وَاَرِهِ فِیهِم مَا یُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَینُهُ
وَاشفِ بِهِ صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَومٍ مُؤمِنِینَ ظاهر آنست که ضمیر ارهم
راجع باشد بعدوه پس معنی ظاهر آن چنین خواهد بود بنما باعادی و دشمنان
آن [illegible] حضرت از جانب آن حضرت چیزی که خائف بودند از آن
از مسلط شدن آنحضرت بر ایشان و کشته شدن ایشان بسیف آن حضرت و معنی
اره فیهم ما یحب بنما بان حضرت در دشمنان آنحضرت چیزی را
که آن حضرت دوست میداشت از ذلت و استیصال با ایشان ایشان را
[illegible] تعقیب [illegible] لعنت [illegible] دشمنان ائمه اثنا عشر
علیهم اللعنة والعذاب [illegible] در حدیث صحیح وارد شده است که جناب کاشف
اسرار و دقایق جناب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که [illegible] در عقب هر نماز
فریضه لعنت میکردند چهار مرد و چهار زن را [illegible] بکر و عمر و عثمان
و معویه و چهار زن عایشه و حفصه و هند و ام الحکم خواهر معویة را
[illegible] بنی امیه [illegible] حاصل مضمون آنست که هر نماز کننده
[illegible] لعن بنی امیه را عقب هر نماز [illegible] در [illegible] تعقیبات
[illegible] تعقیبات وارد [illegible] از ائمه طاهرین علیهم السلام
[illegible] که در این مقام [illegible] توان [illegible] مالا یدرک کله
لا یترک کله [illegible] مقام [illegible] تعقیب [illegible]
[illegible] تعقیب
روایت شده [illegible] ائمه طاهرین علیهم السلام [illegible] اسرار و دقایق جناب امام جعفر
[illegible] از نماز صبح نعم الاسلام روایت نموده از کاشف
اسرار و دقایق جناب امام جعفر صادق علیه السلام که فرموده عادت [illegible] بزرگوار

[illegible] انکه [illegible] تعقیب

مادر معویة [illegible]

[illegible]

[illegible] تعقیب [illegible] نعم الاسلام [illegible] ورقیه [illegible] روضه
[illegible] ذکر فرموده اند روایت فرموده اند [illegible] اختلاف [illegible]
[illegible] که ذکر شد و در رقیه محمد نبیا [illegible] اسلام [illegible] اسلام و [illegible]
فرموده [illegible] رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا [illegible]
[illegible] ذکر شد در [illegible] اگر چه [illegible] در رقیه [illegible]
[illegible] بزرگوار [illegible] حضرت امام رضا و امام [illegible] و امام)
عمل [illegible] علیهم السلام [illegible] حضرت [illegible] روایت
[illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام روایت [illegible]
[illegible] فرموده [illegible] حضرت امام [illegible] علیه السلام و بالکعبة قبلة را علاوه فرموده [illegible]
[illegible] خلیفة الرحمن حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه
[illegible] رضیت بالله ربا و بمحمد
نبیا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بالکعبة قبلة و بعلی ولیا و اماما و بالحسن و الحسین
و الائمة صلوات الله علیهم اللهم انی رضیت بهم ائمة فارضنی لهم انک علی کل شیء قدیر
[illegible] این [illegible] دعا [illegible] اعتراف [illegible] و امامت ائمه [illegible]
اثنا عشر [illegible] علیهم [illegible] خصوصا [illegible] دعای [illegible] صاحب الامر
عجل الله [illegible] نظر [illegible] روز [illegible] اعتقاد [illegible] جمع [illegible] کل [illegible]
[illegible] و لکن [illegible] احتمال
[illegible] و اغرب [illegible] علیهم السلام [illegible]
از زمان [illegible] ظهور [illegible] دعا که [illegible]
تفسیر شد قوله علیه السلام و تقر به عینه ممکن است از ثلاثی [illegible] از باب افعال
[illegible] ممکن است از ثلاثی مجرد [illegible] اول صیغه خطاب
بضم تاء خطاب و کسر قاف خواهد بود [illegible] و بنا بر ثانی
بفتح تاء صیغه غایبه خواهد بود [illegible] هر دو جایز است بنا بر
[illegible] وکسر قاف و فتح آن [illegible]

ترتیبی [illegible]

وقلت [illegible]

[illegible]

بو انکه [illegible]

بنا بر اول قریب‌تر از باب عز بیفر خواهد بود و بنا بر ثانی از باب علم خواهد

بود [illegible] که [illegible] صحیح خواهد بود [illegible]

زیرا ضعیف خواهد بعد هوا و بنا بر ثانی صدق مثال از الحمد را که محجوب ابو بدان الفرت

و نظیر [illegible] اهل الجنان قائله و ایضا [illegible] نقول [illegible] انما نفر سیف

فاطم [illegible] و در روش گردان بان جسم از الحد را و بنا بر ثانی [illegible] یعنی بان

جسم از الحد را که [illegible] بان روش گردد از الحمد مذکور [illegible] سعادت

الشیخ [illegible] عهد که در عقب نماز هر روز فریضه و از زنده [illegible] این است

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان ایا کان وحیثما کان من مشارق الارض

ومغاربها سهلها وجبلها عنی وعن والدی وولدی واخوانی التحیة والسلام عدد خلق الله

وزنة عرش الله وما احصاه کتابه واحاط به علمه اللهم انی اجدد له فی صبیحة هذا الیوم وما عشت

فیه من ایامی عهدا وعقدا وبیعة له فی عنقی لا احول عنه ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی

من انصاره واعوانه والذابین عنه والممتثلین لاوامره ونواهیه فی ایامه والمستشهدین

بین یدیه اللهم فان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقضیا فاخرجنی

من قبری موتزرا کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی فی الحاضر والبادی

اللهم ارنی الطلعة الرشیدة والغرة الحمیدة واکحل بصری بنظرة منی الیه وعجل فرجه وسهل

مخرجه اللهم اشدد ازره وقو ظهره وطول عمره واعمر اللهم به بلادک واحی به

عبادک فانک قلت وقولک الحق ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس فاظهر

اللهم لنا ولیک وابن بنت نبیک المسمی باسم رسولک صلواتک علیه

وآله حتی لا یظفر بشیء من الباطل الا مزقه ویحق الله الحق بکلماته ویحققه

اللهم اکشف هذه الغمة عن هذه الامة بظهوره انهم یرونه بعیدا

ونراه قریبا وصلی الله علی محمد وآله الاطهار کاشف صفاتی ... از حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام روایت است که هر کس این دعا را بعد از هر نماز فریضه بخواند [illegible]

بر وقت [illegible] صاحب [illegible] علیه السلام مشرف خواهد شد و در [illegible] طاب

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هر وقت از اوقات که بوده باشد خواندن آن [illegible] محبوب است [illegible] بوده باشد سیم از جمله

تعقیبات مذکوره لعن کردن است بر دشمنان ائمه و ظالمین ائمه اثنا عشر علیهم الاف التحیة والسلام

ثقة الاسلام و شیخ الطائفه [illegible] در کافی و تهذیب روایت نموده‌اند که حضرت امام جعفر صادق

علیه السلام در عقب هر نماز از چهار زن و چهار مرد را لعن می‌فرمود فلان و فلان و فلان

و معاویه و فلانه و فلانه و هند و ام الحکم خواهر معاویه و در صحیح [illegible]

شده است [illegible] از ترک لعن [illegible] بعد از نماز [illegible]

[illegible] که بگوید بعد از فراغ از هر نماز اللهم العن [illegible]

فاطمه [illegible] و افضل [illegible] صنمی قریش [illegible] که این دعا

[illegible] فوائد عظیمه که ترتیب [illegible]

[illegible] محروم شده [illegible] از ابن عباس مشهور

که اسم او عبد الله [illegible] علامه [illegible] خلاصه ذکر فرموده‌اند

[illegible] فرموده انه کان محبا لعلی علیه السلام و تلمیذه [illegible]

و ان [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] الکشی احادیث

[illegible] و اجل [illegible] الکبیر و اجبنا [illegible]

الله عنه انتهی کلامه عبارة الخلاصه مجملا روایت [illegible]

از عبد الله بن عباس مذکور موصوف [illegible] روایت نموده [illegible] ارباب [illegible]

و یقین [illegible] امیر المؤمنین علیه السلام که فرموده‌اند هر کس این دعا را بخواند [illegible]

بود که در خدمت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد و حنین و بدر هزار

هزار تیر [illegible] و دعا این است اللهم العن صنمی قریش وجبتیهما وطاغوتیهما

وافکیهما وابنتیهما اللذین خالفا امرک وانکرا وحیک وجحدا انعامک

وعصیا رسولک وقلبا دینک وحرفا کتابک وعطلا احکامک وابطلا فرائضک

والحدا فی آیاتک وعادیا اولیائک ووالیا اعدائک وافسدا عبادک

وخربا بلادک اللهم العنهما وانصارهما فقد اخربا بیت النبوة وردما

بابه ونقضا سقفه والحقا سماءه بارضه وعالیه بسافله وظاهره

لعلها مناسب دلالت

شده است این دعا

دعای صنمی قریش

از دوم دو بر بدل النبوة

بباطنه واستأصلا اهله وابادا انصاره وقتلا اطفاله
واخليا منبره من وصيه ووارث علمه وجحدا امامته
واشركا بربهما فعظم ذنبهما وخلدهما فی سقر وما ادراک
ما سقر لا تبقی ولا تذر اللهم العنهم بعدد کل منکر اتوه
وحق اخفوه ومنبر علوه ومؤمن ارجوه ومنافق ولوه وولی
آذوه وطريد آووه وصادق طردوه وکافر نصروه
وامام قهروه وفرض غيروه واثر انکروه وشر آثروه ودم اراقوه
وخبر بدلوه وحکم قلبوه وکفر نصبوه وکذب دلسوه وارث غصبوه
وفیء اقتطعوه وسحت اکلوه وخمس استحلوه وباطل اسسوه
وجور بسطوه وظلم نشروه ووعد اخلفوه وعهد نقضوه وحلال
حرموه وحرام حللوه ونفاق اسروه وغدر اضمروه وبطن
فتقوه وضلع کسروه وصک مزقوه وشمل بددوه وذليل
اعزوه وعزيز اذلوه وحق منعوه وامام خالفوه اللهم
العنهما بکل آية حرفوها وفريضة ترکوها وسنة غيروها واحکام
عطلوها وارحام قطعوها وشهادات کتموها ووصية ضيعوها
وايمان نکثوها ودعوی ابطلوها وبيعة انکروها وحيلة احدثوها
وخيانة اوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها وازيان
لزموها اللهم العنهما فی مکنون السر وظاهر العلانية لعنا دائما
دائبا سرمدا لا انقطاع لامده ولا نفاد لعدده لعنا يعود
اوله ولا يروح آخره لهم ولاعوانهم وانصارهم ومحبيهم ومواليهم
والمسلمين اليهم والناهضين باحتجاجهم والمقتدين بکلامهم
والمصدقين باحکامهم ثم قل اللهم عذبهم عذابا يستغيث منه
اهل النار فی النار آمين رب العالمين [illegible]
[illegible]
[illegible]

چهاردهم

چهاردهم از جمله تعقیبات مذکوره عقیب صلوات مفروضه
زیارت حضرت رسالت علیه وآله افضل الصلوات است که بسند معتبر در کتاب
قرب الاسناد زیارت عقیب صلوات مفروضه را باین نحو ذکر فرموده
السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا محمد بن
عبد الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله السلام
علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله اشهد انک رسول
الله واشهد انک محمد بن عبد الله واشهد انک قد نصحت لامتک
وجاهدت فی سبیل ربک وعبدته حتی اتاک الیقین فجزاک الله
یا رسول الله افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد
افضل ما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید
[illegible] تعقیب [illegible] فرایض [illegible] تسبیحات [illegible]
[illegible]
[illegible]
و نماز صبح بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
ما شاء الله کان لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible] که هر گاه کسی [illegible] بسم الله وصلی الله علی
محمد وآل محمد افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقاه الله سیئات ما مکروا
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی
المؤمنین حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان
کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین
از عباس نقل شده که اوّل حسبی الذی لم یزل حسبی [illegible] فقط حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت و هو
رب العرش العظیم و ایضاً از کاشف الاسرار وارد شده که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام [illegible] بروایتی [illegible] طلب سعه در معیشت و ادای دین این دعا را بعد از
نماز صبح بخوانند توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولداً و لم
یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اعوذ بک
من البؤس والفقر ومن غلبة الدین والسقم واسئلک ان تعیننی علی اداء
حقک [illegible] الیک والی الناس الی الناس
~~ولی [illegible] [illegible]~~
با نوم صبح [illegible] ~~[illegible] مداومت نمودن بر این دعا [illegible]~~
[illegible] مداومت نمودن بر این دعا [illegible] [illegible]
فوائد [illegible] [illegible] [illegible]
~~[illegible] [illegible]~~
وکذا جماعه [illegible] ده مرتبه بخوانند سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا قوة
~~الا بالله العلی العظیم~~ و ایضاً شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال از کاشف علوم
الاوائل والاواخر حضرت امام [illegible] روایت نموده است که
حاصل مضمون [illegible] [illegible] [illegible] بعلی [illegible]
[illegible] و عرض کرد که من [illegible] [illegible] رسیده ام و قوت من ضعیف شده [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تعلیم
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
فرمود [illegible] [illegible] حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله بعد از نماز صبح [illegible] سوی
ده مرتبه [illegible] بگوئی سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم [illegible] که محفوظ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
فرمود [illegible] [illegible] اللهم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]

وانزل

وَأَنزِلْ عَلَیَّ مِن بَرَکَاتِکَ و در کتاب [illegible] فرزند از حضرت [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صلی الله علیه
وآله که آن سرور [illegible] [illegible] از نماز صبح فارغ [illegible] این دعا را
خوانند با رفع صوت [illegible] اصحاب آن سرور [illegible] اللهم اصلح لی دینی
الذی جعلته لی عصمة سه مرتبه اللهم اصلح لی دنیای التی جعلت فیها معاشی
سه مرتبه اللهم اصلح لی آخرتی التی جعلت فیها مرجعی سه مرتبه
اللهم انی اعوذ برضاک من سخطک واعوذ بعفوک من نقمتک
سه مرتبه اللهم انی اعوذ بک منک لا مانع لما اعطیت ولا معطی
لما منعت ولا ینفع ذا الجد منک الجد [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] صاحب شوکت و غنا را
شوکت و غنای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] سلطان جهان [illegible] [illegible]
مصباح [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اللهم
صل علی محمد وآل محمد واهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من
تشاء الی صراط مستقیم [illegible] [illegible] لا اله الا الله [illegible]
[illegible] لا اله الا الله ولا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین ولو کره المشرکون
لا اله الا الله ربنا ورب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله کلما سبح الله شیء وکما
یحب الله ان یسبح وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله والحمد لله
[illegible] کلما [illegible] الله شیء وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله
[illegible] [illegible]

سه مرتبه

یحیی و یمیت [illegible]

بيان تعقيب مختص بظهر

والحمد لله كلما حمد الله شيء وكما يحب الله أن يحمد وكما هو أهله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله والله أكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله أن يكبر وكما
هو أهله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وسبحان الله والحمد لله ولا إله إلا
الله والله أكبر عدد كل نعمة أنعم بها علي وعلى أحد ممن كان أو يكون إلى
يوم القيمة ششم در بيان بعض از ادعيه واذكار مختصه تعقيبات نماز ظهر
شيخ طوسي عليه الرحمة در كتاب مصباح [illegible] از جمله تعقيبات مختصه نماز ظهر اين
دعا را ذكر فرموده يا سامع كل صوت يا جامع كل فوت يا بارئ النفوس بعد الموت
يا باعث يا وارث يا سيد السادات يا إله الآلهة يا جبار الجبابرة يا مالك الدنيا
والآخرة يا رب الأرباب يا ملك الملوك يا بطاش يا ذا البطش الشديد يا فعالا
لما يريد يا محصي عدد الأنفاس ونقل الأقدام يا من السر عنده علانية يا مبدئ يا معيد
أسألك بحقك على خيرتك من خلقك وبحقهم الذي أوجبت لهم على نفسك أن
تصلي على محمد وآل محمد وأن تمن علي الساعة بفكاك رقبتي من النار وأنجز لوليك
وابن نبيك الداعي إليك بإذنك وأمينك في خلقك وعينك في عبادك
وحجتك على خلقك عليه صلواتك وبركاتك اللهم أيده بنصرك وانصر عبدك
وقو أصحابه وصبرهم وافتح لهم من لدنك سلطانا نصيرا وعجل فرجه وأمكنه من
أعدائك وأعداء رسولك يا أرحم الراحمين ودر بعضي از جمله تعقيبات مختصه نماز
ظهر اين دعا را ذكر فرموده يا من أظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم
يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب
كل حاجة يا واسع المغفرة يا صفوح يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم الصفح
يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا ربناه يا سيداه يا غاية رغبتاه
أسألك بك وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر
بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والقائم

وعصر

المهدي

المهدي الأئمة الهادية عليهم السلام أن تصلي على محمد وآل محمد وأسألك أن لا تشوه
خلقي بالنار وأن تفعل بي ما أنت أهله بدانكه اين دعا معروف است بدعاى
اهل بيت [illegible] اين دعا [illegible] فرموده
[illegible] جليل القدر عظيم المنزلة
روايت [illegible] از نبي [illegible] صلوات الله عليه وآله كه فرموده اند
ملك [illegible] حضرت [illegible] شد در حالت [illegible] از سرور [illegible]
جبرئيل نازل [illegible] گفت السلام عليك يا محمد صلى الله عليه وآله [illegible] عليك
السلام يا جبرئيل پس عرض كرد خداوند عالم جل جلاله هديه براى شما فرستاده
فرمودند كدام است آن هديه حضرت جبرئيل عرض كرد آن هديه
كلماتيست از گنجهاى عرش كه [illegible] گرامي داشته [illegible] خداوند
جل شأنه شما را باين كلمات [illegible] فرمودند كدام است آن كلمات اي جبرئيل
عرض كرد آن كلمات اينست يا من أظهر الجميل [illegible] يا ربنا يا سيدنا
ويا مولانا ويا غاية رغبتنا أسألك يا الله أن لا تشوه خلقي بالنار [illegible]
[illegible] عصاة [illegible] صلى الله عليه وآله فرمودند [illegible] ثواب [illegible]
اين كلمات [illegible] ثواب اين كلمات [illegible]
شوند ملائكه [illegible] ثواب اين كلمات
وصف [illegible]
پس هر گاه بگويد بنده يا من أظهر الجميل وستر القبيح خداوند عالم [illegible]
[illegible]
[illegible]
او [illegible]

وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى ويا منتهى كل شكوى يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها

الستر الجمیل علیه یوم القیمة خلاق عالم جل شانه عیب او را خواهد پوشید
او را در روز قیامت معایب مخفیه و مستوره او را اظهار نخواهد فرمود در
روزی که معایب خلایق ظاهر خواهد شد در روز رستخیز [illegible] و در وقتی که
گفت یا عظیم العفو پروردگار عالم عز شانه گناهان او را اگر از زبد
اگر چه مثل کف دریا بوده باشد و در وقتی که گفت یا حسن التجاوز
با خواست و خجالت [illegible] خداوند عالم جل جلاله عفو خواهد کرد و در گذرد
از گناهان او [illegible] مثل [illegible] و غیر آنها از معاصی کرده
بوده باشد و در وقتی که گفت یا واسع المغفرة خداوند عالم تعالی شانه
همه از درهای رحمت برای او باز خواهد فرمود [illegible] رحمت
من [illegible] بهشت منزل برای او خواهد بود تا از دنیا بیرون رود و در
وقتی که گفت یا باسط الیدین بالرحمة خداوند عالم جل
شانه بقدرت کامله خود رحمت برای او بسط خواهد فرمود و در وقتی که
گفت یا صاحب کل نجوی و منتهی کل شکوی خلاق جهان آفرین عطا
را باید با او ثواب هر مصیبت زده [illegible] هر سلیم و هر مریض و ثواب هر مجروح
و ثواب هر مریضی و ثواب هر کلال و ثواب هر مسکینی و ثواب هر فقیر
و ثواب هر صاحب مصیبتی تا روز قیامت و در وقتی که گفت یا کریم
الصفح کرامت خداوند عالم عز شانه [illegible] او خواهد فرمود مثل کرامت
انبیا علیهم السلام و در وقتی که گفت یا عظیم المن عطا خواهد
فرمود خداوند عالم با او جمیع صلاح او و سلامتی و دولت بقاطبه
خلایق و هر گاه که گفت یا مبتدیا بالنعم قبل استحقاقها خداوند عالم
با او عطا خواهد فرمود ثواب بعدد هر کسی که شکر نعمت خداوند عالم
کرده و هر وقتی که گفت یا ربنا و یا سیدنا و یا [illegible] و یا سیدنا

و او را
خداوند عالم او را با عزای ملائکه من شاهد باشید که من از دیدن گناهان
و عطا کردم برای او ثواب بعدد هر کسی که خلق کرده ام از اول تا آخر در بهشت
و دوزخ و بعدد هر کسی که در هفت آسمان و هفت طبقه زمین و بعدد
آفتاب و ماه و ستارها و قطرهای باران و کوهها و سنگ ریزه و بعدد
ریگ [illegible] و در وقتی که گفت یا مولانا خداوند عالم قلب او
مملو از ایمان خواهد فرمود و هر گاه که گفت یا غایة رغبتا خلاق عالم جل
عطا خواهد فرمود در روز قیامت با او مثل آنچه که بفاطمه جلال عطا
را آید و تعالی [illegible] الغفران لا تشوه خلق [illegible] جلال عالم
تعالی شانه [illegible] من از من استدعا کرده که او را از آتش جهنم
آزاد کنم ای گروه ملائکه من شاهد باشید که من او را و پدر و مادر او و
و برادران او و اولاد او و عیال او و همسایگان او را آزاد کردم از آتش
جهنم و [illegible] شفاعت [illegible] از جمله اصحاب محمد مصطفی
جهنم [illegible] حضرت جبرئیل که [illegible] رسول صلی الله علیه و آله
عرض کرد [illegible] این کلمات دعا را تعلیم [illegible] و شفیعی و [illegible] تعلیم
نفرمایی [illegible] جلیل القدر در هر وقتی از اوقات که توجه و اقبال
باشد [illegible] خصوصا در قنوت [illegible] و در [illegible] بکنند
و دوامه از تعقیبات ظهر است [illegible] و در [illegible]
و در صوم [illegible] از جمله تعقیبات مختصه نماز ظهر ذکر
فرموده اند [illegible] تعقیب نماز ظهر [illegible]
[illegible] از جمله تعقیب
[illegible] نماز عصر [illegible]

بدانکه این دعا چنانکه در حدیث مذکور است [illegible] با ثواب
بخوانند که اشاره کردیم بآن آن یا ربنا یا سیدنا و یا مولانا و یا غایة
رغبتنا اسئلک یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار زیاده کرده
اول مذکور شد منکر در این حدیث نیست الکن در صفة الواقیه مذکور است
هر کس زیاد نموده زیادتی موقعی است خواه الله تعالی خیر او المحسنی
بدانکه نظم کلام باینجا رسید مناسب آنست عنان قلم را در ترجمه
ظاهر کلمات فقرات دعا معطوف داده شود تا اطلاع بر ترجمه آن
موجب رغبت [illegible] خواندن آن شود پس میگوئیم معنی یا من
اظهر الجمیل وستر القبیح ای آنکسیکه عمل حسن و عمل نیکو را اظهار
[illegible] و عمل قبیح [illegible] میفرماید آن حضرت اظهار [illegible] اعمال آنست
که اظهار فرموده باظهار حسن و عمل خوب [illegible] اظهار فرموده ستر
قبیح یعنی کسیکه از [illegible] اعمال حسنه [illegible] کرد [illegible]
اظهار [illegible] بخلاف آنکه هر گاه عمل قبیح از کسی [illegible]
فرموده از اظهار آن [illegible] اعمال حسنه که از عباد صادر میشود
تا [illegible] فاعل آن [illegible] اعتبار آن [illegible] با اهل [illegible]
[illegible] بخلاف اعمال قبیحه که [illegible]
[illegible] اعمال حسنه [illegible] فرموده باعتبار [illegible] بخلاف
اعمال قبیحه که [illegible] کار [illegible] و قابل [illegible]
[illegible] حاصل [illegible] نیست
[illegible] بنده مشغول [illegible]
حسنه [illegible]
[illegible] ظاهر شود [illegible]

زیاد نموده

وان اعمال حسنه موجب [illegible] در قلوب عباد [illegible]

دعا و طلب مغفرت از زیاد او میکند و هر گاه بنده مشغول معصیت شود
[illegible] استفاده میشود لکن [illegible] اصل [illegible] بنده [illegible]
قرار [illegible] باید که حاصل آنکه میشود [illegible] بر آن عمل معصیت [illegible]
[illegible] عدم تنبیه بر آن
[illegible] ظهور [illegible] بوده [illegible] اول
که [illegible] الملائکه [illegible] صلوات الله علیهم
لهذا تنبیه باین فرموده [illegible] یا من لم یؤاخذ بالجریرة یعنی ای آنکسیکه مواخذه
نمیکند بر معاصی [illegible] که [illegible] عقوبت [illegible]
[illegible] عمل [illegible] بر [illegible] عقوبت [illegible]
[illegible] ای آنکس که با علم و اطلاع بر [illegible] صادر [illegible]
بر انتقام و افتضاح او [illegible]
در صدد افتضاح او بر [illegible] پرده و حجاب [illegible]
یا عظیم العفو یا حسن التجاوز ای آنکسی که عفو او [illegible]
که عفو از معاصی عظیمه [illegible] ای آنکسی که [illegible] معاصی [illegible]
[illegible] کسی عفو میکند [illegible] خطای [illegible]
و تعییر و توبیخ [illegible]
شانه از تقصیر و معاصی [illegible] نیست یا واسع المغفرة ای آنکسی
وسعی در مغفرت او [illegible] شامل هر صغیره و کبیره و معاصی
هست و یا باسط الیدین بالرحمة ای آنکسیکه رحمت او احاطه کرده
هر چیز را یا صاحب کل نجوی در مصباح و جنة الواقیه [illegible] مذکور [illegible] یا صاحب
کل [illegible] در حدیث مذکور [illegible] یا صاحب کل نجوی [illegible] یا سامع کل نجوی [illegible]
[illegible] یا منتهی کل شکوی [illegible]
ای [illegible]

و هو ظالم و جابر می شود یا اکرم الصفح ای کسی که لطف و کرم تو بیشتر است خود
تقصیر یا عظیم المن ای کسی که منت او بر کافه موجودات عظیم و بزرگ است
یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها ای کسی که ابتدا به نعمت کننده است در نعمت قبل از آنکه خود
ثواب طلب و مستحق آن نعمت شوند که بسبب این عمل مستحق آن نعمت شوند اسئلک
ان لا تشوه خلقی بین سوال ... که بسبب شفقتی سوزاندن با آتش جهنم لا اکرم المنظر
نتوانند ... که تو را ... بسم الله ... در بیان تعقیب
مختص بنماز عصر است و از جمله تعقیبات مختصه بنماز عصر هفتاد مرتبه استغفار است
احادیث در فضیلت آن بسیار است در بعضی احادیث چنین وارد است که هفتاد
مرتبه استغفار بعد از عصر ... می شود که هفتاد گناه از او عفو می شود و در
جامع الاخبار ... منقول است که هفتاد مرتبه بعد از
نماز عصر استغفار ... که خداوند عالم جل شانه هفتاد سال گناه
او را عفو می فرماید ... و از ... از جناب امام
جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر کسی هفتاد مرتبه استغفار کند بعد از
نماز عصر هفتاد ... معصیت او را
عفو می فرماید ... هفتاد مرتبه استغفار
... و از جمله تعقیبات
مختصه بنماز عصر ده مرتبه ... از ... و ... ایراد
و در فلاح از جناب امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که جناب رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرموده هر کسی بگوید بعد از نماز عصر در هر روز یک مرتبه استغفر الله
الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذا الجلال والاکرام واسئله ان یتوب
علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستجیر لا یملک لنفسه نفعا ولا ضرا
ولا موتا ولا حیوة ولا نشورا امر فرماید خداوند عالم جل شانه دو ملک را
که محفوظ او است که پاره کنند نامه عمل او را هر چند نامه عمل او مشحون باشد
و از جمله تعقیبات مختصه بنماز عصر خواندن سوره مبارکه انا انزلناه است

ده ...

در بیان تعقیب مختص بنماز عصر است

بسم

ده مرتبه [حدیثی که روایت شده] از فلاح السائل از جناب امام علی نقی
علیه السلام که موثقه روایت شده حدیثی که حاصل معنی آن این است که هر کسی
کسی سوره انا انزلناه بعد از نماز عصر ده مرتبه بخواند در روز عرض اعمال
می شود این عمل او ... عمل ... عمل خلائق
آنکه گویا عمل کل خلائق ... بوده است و از جمله ادعیه بعد از نماز عصر
دعائیست که از طاوس ... از جناب امیر المؤمنین
علیه السلام نقل نموده که آن حضرت ... بعد از نماز عصر این دعا را خواند
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم سبحان الله بالغدو والآصال سبحان الله بالعشی
بالعشی والابکار سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله
الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون سبحان ربک
رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب
العالمین سبحان ذی الملک والملکوت سبحان ذی العزة
والجبروت سبحان الحی الذی لا یموت سبحان القائم الدائم
سبحان الحی القیوم سبحان العلی الاعلی سبحانه وتعالی سبوح
قدوس رب الملائکة والروح اللهم ان ذنبی امسی مستجیرا
بعفوک وذلی امسی مستجیرا بعزک اللهم
صل علی محمد وآل محمد واغفر لی وارحمنی انک حمید مجید
اللهم تم نورک فهدیت فلک الحمد وعظم حلمک
فعفوت فلک الحمد وجهک ربنا اکرم الوجوه وجاهک
اکرم ... اعظم الجاه وعطیتک افضل العطایا تطاع ربنا

عقیب ... بعد از نماز عصر ... انا انزلناه ده مرتبه ... صلوة العصر ... القدر بعد ... عشر مرات ... عمل ... ده مرتبه

بعفوک وخوفی امسی مستجیرا بامنک وفقری امسی مستجیرا بغناک

در بیان بعضی از تعقیبات مختصه بنماز مغرب

تشکو وتغفر وتجیب المضطر وتکشف الضر وتنجی
من الکرب وتغنی الفقیر وتشفی السقیم ولا یجازی آلاءک احد
وانت ارحم الراحمین بحث پنجم در بیان نبذه از تعقیبات مختصه بنماز
مغرب بعضی از آنها در ضمن تعقیبات نماز صبح مذکور شد نقلا از امام روایت شده از
جناب امام جعفر صادق علیه السلام که هرکس بعد از نماز مغرب پیش از آنکه سخن گوید سه مرتبه
بگوید الحمد لله الذی یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء غیره عطا کرده خواهد شد خیر بسیار
وایضا روایت نموده است از آن حضرت که فرموده بعد از نماز مغرب
فارغ شدی پس دست بر پیشانی خود بکش و بگو بسم الله الذی لا اله الا
هو الحی عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم والحزن ایضا
در حدیث معتبر روایت شده که شخصی که [illegible] مشغول بود [illegible]
وان [illegible] کاتب الکرام والامام [illegible] حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام رسانید آن حضرت فرمود [illegible] تعلیم کنم دعائی که [illegible]
در دنیا و آخرت [illegible] کند [illegible] فرمودند بگو
در عقب نماز صبح و نماز مغرب اللهم انی اسئلک بحق محمد وآل محمد علیک
صل علی محمد وآل محمد واجعل النور فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین
فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک
ابدا ما ابقیتنی این دعا را [illegible] از [illegible] اللهم انی
اسئلک بحق محمد وآل محمد علیک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل النور فی بصری
والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة فی نفسی والسعة
فی رزقی والشکر لک ابدا ما ابقیتنی [illegible]
ترکیب [illegible] در [illegible] صدوق در کتاب ثواب الاعمال روایت
نموده از [illegible] که فرموده هرکس بگوید بعد از نماز صبح و نماز مغرب قبل از آنکه
[illegible] ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین

یا [illegible] بگوید با قبل از الحمد

انتهی

الصلوة علیه [illegible] اللهم صل علی محمد وآل محمد وذریته [illegible]
بگوید [illegible] خواهد فرمود [illegible] و آنان [illegible] که الفرض م
الاسلام روایت نموده از حضرت صادق علیه السلام که [illegible]
که فرموده هرکس بعد از نماز صبح قبل از آنکه زانو از [illegible] در حالی که [illegible]
ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت
ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر و همچنین بعد از نماز
مغرب [illegible] عمل [illegible] افضل از عمل [illegible] خواهد بود
[illegible] بعد از نماز مغرب
و بعد از نماز صبح سبحان الله [illegible] لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعا فانه لا یغفر
الذنوب کلها جمیعا الا انت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بگو در رکعت اول سوره مبارکه حمد و آیة الکرسی و در رکعت ثانیه سوره حمد و آیه لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس
لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی
لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو
الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم
[illegible] اللهم بحق هذا القرآن [illegible]
[illegible] بحق [illegible] الا انت [illegible]
مرتبه بگوید یا محمد ده مرتبه یا علی ده مرتبه یا فاطمه ده مرتبه یا حسن ده مرتبه
یا حسین ده مرتبه یا علی بن الحسین ده مرتبه یا محمد بن علی ده مرتبه یا جعفر بن محمد ده
مرتبه یا موسی بن جعفر ده مرتبه یا علی بن موسی ده مرتبه یا محمد بن علی ده مرتبه یا علی بن محمد
ده مرتبه یا حسن بن علی ده مرتبه یا حجة بن الحسن [illegible]

که حاصل مضمون آن آنکه کسی [illegible] کاشف الغم [illegible] جعفر صادق علیه السلام

یا حی یا قیوم

پس بگوید ده مرتبه بگوید

نظر بآنکه کلام در تعقیبات موضوع [illegible]
عمل ... [illegible] جوز کردن عمل در این مقام اگرچه مقتضای مقام بود [illegible] تعقیبات
از جمله تعقیبات ... تعقیب ... لکن نظر بآنکه عمل ... وارد شده ... حاجت ... اما ادعیه
... از کیفیت ترتیب افعال ... ظاهر ... کفایت نموده و ذکر در این مقام
... نمودند اگر این عمل ... در ساعت ... واقع بود ... وارد است
اجابت ... [illegible]
با خضوع و خشوع و توجه و اقبال ... [illegible]
... [illegible] حاجت ... [illegible]
... [illegible]
بحث در تعقیبات مختصه بنماز عشاء ... [illegible]
... سید جلیل القدر ابن طاوس رحمه الله روایت نموده از مفضل ...
... امیر المؤمنین علیه السلام ... [illegible]
... اللّهمّ صلّ على محمّد وعلى آل محمّد واحرسني بعينك التي لا تنام
واكنفني بركنك الذي لا يرام واغفر لي بقدرتك ... يا ذا الجلال
والاكرام اللّهمّ اني اعوذ بك من طوارق الليل والنهار ومن جور كل جائر
وحسد كل حاسد وبغي كل باغ اللّهمّ احفظني في نفسي واهلي ومالي وجميع ما
خوّلتني من نعمك اللّهمّ ولّني فيما عندك ما غبت عنه ولا تكلني الى نفسي طرفة
عين ... يا من لا تضره الذنوب ولا تنقصه المغفرة اغفر لي ما لا يضرك واعطني
ما لا ينقصك انك انت الوهاب اللّهمّ اني اسألك فرجا قريبا وصبرا جميلا
ورزقا واسعا والعفو والعافية في الدنيا والآخرة اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
واغفر لي ولوالدي وللمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات اللّهمّ اجعلني
ممن يكثر ذكرك ... [illegible] اللّهمّ طهّر
لساني من الكذب وقلبي من النفاق وعملي من الرياء وبصري من الخيانة فانك تعلم
خائنة الاعين وما تخفي الصدور اللّهمّ رب السموات السبع وما اظلّت ورب
الارضين السبع وما اقلّت ورب الرياح وما ذرت ورب كل شيء ...

والهي كل شيء ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب
اسألك ان تصلّي على محمد وعلى آل محمد وان تتولاني برحمتك وتشملني
بعافيتك ... بمغفرتك ولا تسلط عليّ احدا من خلقك اللّهمّ اليك
فقرّبني وعلى ... فقوّني ومن شياطين الجن والانس فسلّمني وفي آناء الليل
والنهار فاحرسني وفي اهلي ومالي وولدي واخواني وجميع ما انعمت به عليّ فاحفظني
واغفر لي ولوالدي وللمؤمنين والمؤمنات يا رب الارباب يا قاضي الحاجات
انك على كل شيء قدير ونعم المولى ونعم النصير برحمتك يا ارحم الراحمين الحمد لله رب
العالمين وصلواته على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين خاتمه کتاب در بیان
امور ... اختلاف ... [illegible]
... [illegible] مقام اول در بیان افعال ... زن ...
مخالفت ... [illegible] اول آنکه مستحب است ...
آنست که در حال قیام ... دو قدم ... فاصله بیان دو قدم
قرار دهد ... مستحب است ... [illegible]
... بوده باشد دوم آنست که زن در حال قیام دو دست خود را بر دو پستان
خود بگذارد ... مستحب ... آنست که ...
... بگذارد ... [illegible]
دو دست را بر پستان ... بگذارد ... [illegible]
بر دو پستان ... اول آنست که باطن کف ... [illegible]
بگذارد دوم باطن کف دست چپ بر پستان چپ بگذارد ... [illegible]
دوم آنست که باطن کف دست ... را بر پستان چپ بگذارد و باطن کف دست
چپ را بر پستان راست بگذارد سیم وضع کف ... [illegible]
... وضع ... دست چپ ... و وضع کف دست ...
بر پستان ... [illegible]

که نماز به سنت بجا آرد اقسام ثلثه که عمده باشد نسبت جلوس دو نوعست که اقعا
قسم اول بوده باشد و قسم ثالث اشد بطلان [illegible] سیم از جمله امور یکه
مابه الاختلاف میان زن و مرد است اینست که زن در حال رکوع دستهای خود را
بر زانو نگذارد بلکه بر ران فوق زانو گذارد [illegible] دستها بزانو بگذارد
یعنی در انها اقتصار بکنند یعنی قدر که دست برسد بر ران فوق زانو علاوه
برای منحنی نشود بخلاف مرد که مستحب در حق او آن [illegible] که منحنی شود [illegible]
که دستها را بر زانو بگذارد چنانچه مفصلا در مباحث گذشته مذکور شد
چهارم اینست که زن در حال جلوس تربع را اختیار نماید خواه جلوس در
حال تشهد بوده باشد یا غیر آن یعنی بنشیند بر الیتین که دو طرف نشیمن است و همچنین در وقت سجده
بر زمین قرار دهد و ساق و ران را از زمین بلند نماید و دو زانو را با هم
بچسپاند این قسم جلوس که جلوس تربع است [illegible] بخلاف مرد که در حق او بیان شد جلوس
راجح در حق مرد در حال جلوس بعنوان تورک است و کیفیت آن در مباحث گذشته
مفصلا بیان شد پنجم اینست که زن در حال سجود اعضای خود را بر زمین بچسپاند
یعنی ذراعین را از زمین بلند ننماید بلکه ذراعین را با بدن و بازو بچسپاند و همچنین
تجافی بعمل نیاورد یعنی شکم را از زمین بلند ننماید بخلاف مرد که مستحب در حق
او اینست چنانچه در مباحث گذشته مذکور شد ششم اینست که در حالتیکه
از قیام بسجود میرود اول دو زانو را بزمین برساند بعد از آن دو دست را
یعنی [illegible] نشیند نه آنکه منحنی شود که عقب خود را بلند کند و دستها
بزمین برساند قبل از زانوها بخلاف مرد که مستحب در حق او اینست که در وقتیکه
منحنی میشود بجهت سجود اول دستها را بزمین رساند بعد از آن زانوها را
چنانچه مفصلا بیان شد هفتم اینست که زن در وقتیکه برمیخیزد [illegible] دستها را
بجانب پهلو [illegible] بزمین بگذارد و تکیه بر ان نموده برخیزد نه آنکه دستها را

بزمین اول [illegible]

پیش روی خود بزمین بگذارد و عقب را در حالتیکه منحنی است از زمین بلند نماید
مخفی نماند مطلوبیت جمیع امور سبعه مذکوره در حق زن بعنوان ندب و رجحانست
یعنی مستحب اینست که رعایت امور مذکوره نموده باشد [illegible] که اخلال
بانها موجب فساد نماز [illegible] بوده باشد بنا برانی هرگاه زن در حال
قیام دستها را بر پستان نگذارد و مثل مرد بر ران بگذارد موجب بطلان نماز و اثم
گناه نبوده و همچنین است هرگاه پاها را از هم جدا [illegible] منفصل نماید و همچنین
هرگاه در حالت رکوع منحنی شود [illegible] دستها را بزانو بگذارد
در حال رکوع یا آنکه ترک جلوس تربع نماید بلکه در حالت تشهد مثل مرد بنشیند
یا در حالتیکه بسجود میرود اول دو دست را بزمین رساند بعد دو زانو یا آنکه
در حال سجود تجافی بعمل آورد [illegible] و ذراعین را
از زمین بلند نماید یا آنکه در حالت قیام دستها را به پستان نگذارد و [illegible]
باید مجمل اینست اخلال بکل امور مذکوره موجب بطلان نماز یا معصیت نیست
بلکه از اولی [illegible] رعایت آنها نمودن [illegible] مقام ثانی
در بیان اختلاف میان مرد و زن در اقوال متعلقه بنماز که قبل از شروع در
نماز [illegible] مستحب است که گفته شود دعائیکه مشتمل بر صیغه مذکر بوده
باشد زن هرگاه خواهان دعا را خواند [illegible] باید صیغه مذکر را تبدیل بمونث
نماید مثل آنکه در مبحث قیام مذکور شد که مستحب است در وقتیکه ابتدا بجهت
نماز این دعا را بخواند اللهم انی اتقدم الیک بمحمد [illegible] فاجعلنی به وجیها
فی الدنیا والآخره زن هرگاه خواهد این دعا را بخواند در حین خواندن تبدیل نماید وجیها
بوجیهه و همچنین دعای دوم از ادعیه ثلثه [illegible] در تکبیرات افتتاحیه که در
مبحث تکبیرة الاحرام بیان شد نظر باینکه دعای مذکور مشتمل است بر لفظ عبد که
[illegible] بنابراین هرگاه زن این دعا را بخواند تبدیل نماید عبد که با امة [illegible]

و غیره

در بیان [illegible]

کونه استدعی ابتنت عند ربک الجنة بیت ... ان سما ...

... صدوق در فقیه ذکر فرموده واما بنا بر الجنة الاسلام در کلام ذکر

فرموده حاجت بتبدیل نیست دعا چنانکه مذکور در هر دو کتاب عمل در

مصحف بحیرة الاوام ... مذکور بیت ... دعای مخصوص بوده باشد

پس انسان ... فقط وانا من المسلمین ایا تبدیل ای المسلمات نماید

پس بگوید وانا من المسلمات یا نه ظاهر آنست در این مقام و لکن تبدیل در میان

... بنا نمودن نظر بقاعده تغلیب ... شیخ شهید ثانی در کتاب تمهید القواعد

... ابن فرموده قال ... اذا صلت المراة وانت بدعاء الاستفتاح تقول

... وما انا من المشرکین وانا من المسلمین او تاتی بالموضع ... الاول والوجه

جواز کل منهما اولا انتقال فی دخولهن تبعا فی قصده اشهر لکلام مربع مقام

مقام ثالث در بیان تفرقه ما بین رجال و نسا در ادعیه وارده در مقام

تعقیبات ... تعقیب ... مستحب ... در جمیع ... مطلق

مستحب است زنان نیز هست ... در خصوصیات ادعیه و لفظ طلب

... از جمله تعقیبات وارده در عقب هر نماز اللهم اعتقنی

من النار وادخلنی الجنة وزوجنی من الحور العین ... و اول

فقره ... فقره ... است ...

... نظر بآنکه تزویج حور عین مختص برجال است حور عین ...

از زنان ... فرموده ... مومنان ...

از جمله ... مشتمل بر جمیع ... ظاهر ... فرموده بعد از آنکه

تعقیبات ... بنده از نماز فارغ شد ... خواند حور عین ... درگاه

... عرض کنند ... دعا ... تو

خطبه کرد ... از تو ... و تزویج کن ... در ...

... مذکور است ان المومن یزوج ثمانیة ... اربع

الالف

واربع الالاف ثیب و زوجنی من الحور العین ... را

مقصد دختران باکره و چهار هزار زنان ثیبه ... و ...

حور عین را ... از ... حور ... عین ...

شنید ... که ... مقصد ... فرموده اند بل

مقصد دختر ... مومن ... بوده باشد ...

راوی ... حور عین ... شده اند ...

از خاک نور ... انها ...

کرده ... مشغول ... اعتقاد ... از ...

... طلب کردن زن تزویج حور العین را ... پس زنان ...

نباید ... بلکه ... و قصد ... طلب ...

... کلام ... حور عین را ... و ...

او باشد کلام ... و لکن ... استعمال ...

مشتمل بر صیغه مذکر باشد واما ادعیه ... صیغه مذکر بوده

باشد پس ظاهر آنست ... خواندن آن در حق زنان بد عیب باشد

لکن با تبدیل صیغه مذکر بمونث ...

... مثل دعا ... بعد از قرائت سوره مبارکه ...

... در ... الدنیا ...

... تبدیل نماید ...

این ... والحمد لله رب العالمین و صلوته علی ... اجمعین ...

... یوم الدین ...

... در مقام تعقیب ...

که قول ... نظر ... مالا یدرک کله لا یترک کله

نظر ... وما انا من المشرکات ...

در بیان ... الفاظ وارده در مقام تعقیبات ... ...

طلب ...

در مقام تعجب ...

در عقبه ...

کلام ...

یا رجلان ... حل ... نشوده تزویج حور ... چنین ... در مقام تعجب

ضم کلام با ادعیه مذکوره نموده اگر نتواند همه آنچه مذکور شد تلاوت نماید
لیلا و نهارا اگر تخلف توزیع نماید بعضی اوقات تلاوت بعضی نماید و در
وقت دیگر تلاوت بعضی دیگر